

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ



اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَعَلَى آلِ مُحَمَّدٍ وَتَجَمُّدِ





۳۱۳ نکته گهربار

علی رشیدی کهلان

سرشناسه :	رشیدی کهلان، علی، ۱۳۴۸ -
عنوان و نام پدیدآور :	۳۱۳ نکته گهربار/ نویسنده علی رشیدی کهلان؛ ویراستار علمی میکائیل صفایی.
مشخصات نشر :	تبریز: انتشارات مآده، ۱۳۹۶.
مشخصات ظاهری :	۲۲۷ ص: ۵/۱۴×۲۱×۵ س.م.
شابک :	۱۵۰۰۰۰ ریال 978-600-8558-09-5 :
وضعیت فهرست نویسی :	فیبی:
یادداشت :	کتابنامه: ص: ۲۲۲ - ۲۲۷؛ همچنین به صورت زیرنویس.
عنوان گسترده :	سبب و سیزده نکته گهربار.
موضوع :	داستان‌های اطلاق -- مجموعه‌ها
موضوع :	معمدین مسن (عج)، امام دوازدهم، ۲۵۵ق. -- غیبت
موضوع :	Muhammad ibn Hasan, Imam XII -- Occultation
موضوع :	معمدین مسن (عج)، امام دوازدهم، ۲۵۵ق. -- غیبت -- امامت
موضوع :	Muhammad ibn Hasan, Imam XII -- Occultation-- Hadiths
موضوع :	Ethical fiction* -- Collections
موضوع :	امادیت شیعه -- قرن ۱۴
موضوع :	Hadith (Shiites) -- Texts -- 20th century
موضوع :	مهدویت -- انتظار
موضوع :	Mahdism -- *Waiting
موضوع :	مهدویت -- انتظار -- داستان
موضوع :	Mahdism -- *Waiting -- Fiction
شناسه افزوده :	صفایی، میکائیل، ۱۳۴۶ - ، ویراستار
رده بندی کنگره :	۹۱۳۹۶ س۹/۵، ۲۴۹/۵ BP
رده بندی دیویی :	۳۹۷/۴۸
شماره کتابشناسی ملی :	۴۹۵۹۵۴۵



نام کتاب : ۳۱۳ نکته گهربار  
 نویسنده: علی رشیدی کهلان  
 ناشر: تبریز، مؤسسه انتشاراتی مآده  
 بدبیریت: حجت الاسلام دکتر میکائیل صفایی  
 ویراستار علمی: دکتر میکائیل صفایی  
 چاپ و صحافی: اعظم - تبریز  
 نوبت چاپ: پانزدهم / ۱۳۹۶ / شمارگان ۱۰۰۰  
 قیمت: ۱۵۰۰۰ تومان  
 شابک: ۵-۰۹-۸۵۵۸-۰۹-۶۰۰-۹۷۸

مراکز پخش:  
 ۱- تبریز، آخر مارالان، کوی دانشگاه، ۱۰ متری اول، پلاک ۱۰  
 ۲- تبریز کتاب فروشی دریا، روبروی مصلاهی امام خمینی (ره)  
 تلفن: ۰۴۱۲۳۵۴۴۴۴۸۸ - همراهِ: ۰۹۱۴۳۱۳۲۴۸۷  
 پست الکترونیکی: entesharate.maadeh@chmail.ir

کلیه حقوق برای ناشر محفوظ است

## تقدیم

به چهارده ستاره درخشان هدایت، اولین آن‌ها پیامبر نور و رحمت  
رسول اکرم ﷺ و آخرین شان زیباترین ستاره عالم هستی، عصاره خلقت،  
حضرت حجت علی‌علیه السلام و به روح پدر و مادر عزیزم.





# فهرست مطالب

## فصل اول

### زیباترین ستاره

چکیده ..... ۲

### گفتار اول

#### فواید وجود مبارک امام زمان علیه السلام

پیشگفتار ..... ۵

حدیث معراج ..... ۷

فواید وجود مقدس امام زمان علیه السلام در دوران غیبت ..... ۱۰

امام غایب بسان خورشید پشت ابر ..... ۱۰

امام شناسی در زیارت جامعه ی کبیره ..... ۱۲

توقیع شریف حضرت به شیخ مفید ..... ۱۴

فرمان قرآن کریم در باره رابطه با امام زمان علیه السلام ..... ۱۵

گام های عملی ما در ارتباط با امام زمان علیه السلام ..... ۱۷

### گفتار دوم

#### باز شناسی وظایف منتظران در عصر غیبت

پیشگفتار ..... ۲۱

وظایف مانسبت به امام زمان علیه السلام ..... ۲۱

- اولین و مهمترین وظیفه‌ی مانسبت به امام زمان عجله تعالی فرجه ..... ۲۱
- ۱- ابوبصیر می گوید: ..... ۲۲
- وظیفه‌ی دوم مانسبت به امام زمان عجله تعالی فرجه ..... ۲۴
- وظیفه‌ی سوم مانسبت به امام زمان عجله تعالی فرجه ..... ۲۵
- وظیفه‌ی چهارم مانسبت به امام زمان عجله تعالی فرجه ..... ۲۵
- فواید دعا برای ظهور امام زمان عجله تعالی فرجه ..... ۲۶
- داستانی غم‌انگیز در مورد امام زمان عجله تعالی فرجه ..... ۲۷
- وظیفه‌ی پنجم ما نسبت به امام زمان عجله تعالی فرجه ..... ۲۷
- وظیفه ششم مانسبت به حضرت ..... ۲۸
- وظیفه‌ی هفتم ما نسبت به حضرت ..... ۲۸
- وظیفه هشتم مانسبت به امام عصر عجله تعالی فرجه ..... ۲۸
- وظیفه‌ی نهم مانسبت به امام زمان عجله تعالی فرجه ..... ۲۹
- فضیلت انتظار امام زمان عجله تعالی فرجه ..... ۲۹
- وظیفه دهم ما نسبت به امام زمان عجله تعالی فرجه ..... ۳۰
- روی جانان طلبی، آئینه را قابل ساز ..... ۳۰
- چرا ما امام زمان را نمی‌بینیم؟! ..... ۳۱
- نتیجه گیری ..... ۳۳
- حسن ختام ..... ۳۳

## فصل دوم

منتخب سخنان گهربار از ائمه اطهار علیهم السلام

- پیشگفتار ..... ۳۷
- وصف پروردگار در آفرینش ..... ۳۸
- در عظمت پنج تن آل عبا و آفرینش آنها ..... ۳۹
- در فضائل حضرت امام علی علیه السلام ..... ۴۰
- سه چیز محبت آفرین ..... ۴۱
- سفارش جبرئیل به پیامبر اعظم صلی الله علیه و آله ..... ۴۱
- در حرمت غیبت ..... ۴۲
- کیفر عیب جویی از دیگران ..... ۴۲
- تواضع و فروتنی ..... ۴۳
- مهر به فرزند ..... ۴۴
- اخلاق نیکو ..... ۴۴
- هراس شیطان از مراقبت در نماز ..... ۴۴
- غیبت در مرد ..... ۴۵
- تیر سهم گین زهر آلود ..... ۴۵
- نابودی زنان ..... ۴۵

- لباس انگشت نما ..... ۴۵
- کنترل زبان ..... ۴۶
- گنج‌های نیکویی ..... ۴۶
- روش برخورد با دشمن ..... ۴۷
- مدیریت ..... ۴۷
- روش زندگی با مردم ..... ۴۷
- شش خصلت دشمن شکن ..... ۴۸
- پرهیز از فحش ..... ۴۸
- خیر دنیا و آخرت ..... ۴۹
- تعجب امام صادق (علیه السلام) از چهار چیز ..... ۴۹
- مقام رضا و تسلیم و معصیت نکردن ..... ۵۰
- برنامه زندگی خود را بر چه بنا کردید؟ ..... ۵۱
- سرزنش خود ..... ۵۱
- حکمت و پند بزرگ ..... ۵۲
- تجسم اعمال چهره نورانی ولایت ..... ۵۳
- فضایل آیه الكرسي ..... ۵۴
- آیه الكرسي با عظمت ترین آیات قرآن ..... ۵۴
- آیه الكرسي و گنجینه ای در زیر عرش ..... ۵۵

- آیه الکرسی و مبارکی سفر ..... ۵۵
- آیه الکرسی و اهدای ثواب به مردگان ..... ۵۵
- قرائت آیه الکرسی در وقت خوابیدن ..... ۵۶
- قرائت آیه الکرسی هنگام خروج از خانه ..... ۵۶
- اهمیت صله رحم ..... ۵۶
- صله رحم و طول عمر ..... ۵۶
- بهشت مشتاق صاحب چهار عمل ..... ۵۷
- کنترل خشم ..... ۵۷
- در نهی از اسراف و نشانه کمترین اسراف ..... ۵۸
- روزی فقط یک دانه برنج ..... ۵۸
- عذاب قبر و ضایع کردن نعمت ها ..... ۵۹
- نتایج اعمال ..... ۵۹
- سه خصلت در مومن حقیقی ..... ۶۰

### فصل سوم

#### گلچین داستان‌های دل‌انگیز

- پیشگفتار ..... ۶۳
- محبت خدا به بندگان ..... ۶۴

- ۶۴..... افطاری
- ۶۶..... پدر یتیمان
- ۶۷..... عرش خدا به علی (علیه السلام) عاشق شده است
- ۶۸..... از فضائل و مناقب امیرالمؤمنین (علیه السلام)
- ۶۹..... نمونه ای از کرم امام صادق (علیه السلام)
- ۷۰..... آقایی و بزرگواری ائمه (علیهم السلام)
- ۷۱..... خدمت به پدر و مادر و لطف سیدالشهداء (علیه السلام)
- ۷۲..... مراقبت از زبان
- ۷۳..... اوضاع خیلی بی ریخت
- ۷۳..... رحم خدا
- ۷۵..... حسنه ای که بارها تجربه کردم!
- ۷۵..... موعظه
- ۷۶..... امیدواری، شرط پیروزی
- ۷۷..... ابوذر و مالکیت نفس
- ۷۸..... گل صداقت
- ۷۹..... خدایا، با همه وجود غلط کردم!
- ۸۱..... عاقبت تقوا
- ۸۲..... بر صیصای عابد!

- سلطان محمود و ایاز ..... ۸۳
- آرزوی اهل دل ..... ۸۴
- فلسفه وجودی روحانیون (خاطره‌ای از فلسفی) ..... ۸۷
- داستانی حیرت‌آور ..... ۸۹
- سزای کم فروشی ..... ۹۰
- تشرّف آیت الله سیّد ابوالحسن اصفهانی به محضر امام علیه السلام ..... ۹۱
- جواهرات ..... ۹۳
- بازداشت شهید به خاطر سه درهم ..... ۹۵
- مؤمن را نباید تحقیر کرد ..... ۹۶
- لطف خدا و ناسپاسی بنده ..... ۹۷
- اجابت فوری دعا ..... ۹۷
- نتیجه بد خلقی سعد بن معاذ ..... ۹۸
- متن زیبا ..... ۹۹
- قضاوت انیشتین ..... ۱۰۱
- داستان خواندنی از حرص و طمع ..... ۱۰۲
- بنده نوازترین مولا ..... ۱۰۳
- راز داری قهوه چی ..... ۱۰۳
- محل گذر ..... ۱۰۵

## فصل چهارم

## اصول همسر داری

- پیشگفتار ..... ۱۰۹
- تشبیه همسر به لباس ..... ۱۱۰
- راهکارهای ایجاد محبت (چهل راهکار) ..... ۱۱۱
- اصول همسر داری، (خانواده موفق) ..... ۱۱۶
- اصل اول: صداقت ..... ۱۱۶
- اصل دوم: انصاف ..... ۱۱۷
- اصل سوم: گذشت ..... ۱۱۷
- اصل چهارم : مدارا ..... ۱۱۷
- اصل پنجم: رازداری ..... ۱۱۸
- اصل ششم: عشق و محبت به یکدیگر ..... ۱۱۸
- اصل هفتم: محکوم نکردن طرف مقابل ..... ۱۱۹
- اصل هشتم: نظافت و خوش رویی ..... ۱۱۹

## فصل پنجم

## شیوه‌های تربیت اولاد

- پیشگفتار ..... ۱۲۳
- چهل نکته اخلاقی - عبادی در رابطه با « رفتار با کودکان » ..... ۱۲۴



- کلید های تربیتی ( شیوه های تربیت اولاد ) ..... ۱۳۱
- ۱- پرهیز از منفی بافی ..... ۱۳۱
- ۲- مقایسه نکردن فرزندان با دیگران ..... ۱۳۱
- ۳- عدم نصیحت در حین دعوا و عصبانیت ..... ۱۳۱
- ۴- نسبت دادن بدی به «عمل» نه به «نوجوان» ..... ۱۳۲
- ۵- داشتن صداقت با فرزندان ..... ۱۳۲
- ۶- پرهیز از تأمین همه خواسته های فرزند ..... ۱۳۲
- ۷- تنبیل و بی کار بار نیاوردن فرزند ..... ۱۳۲
- ۸- احترام به نوجوان ..... ۱۳۳
- ۹- توجه به کاهش روحیه تقلید از خانواده ..... ۱۳۳
- ۱۰- اشباع کردن از محبت ..... ۱۳۳
- ۱۱- احترام به حس استقلال نوجوان ..... ۱۳۴
- ۱۲- توجه به نقش دوستان نوجوان ..... ۱۳۴
- ۱۳- برخورد مثبت با روحیه پرسشگری نوجوان ..... ۱۳۴
- ۱۴- پرهیز از خشونت و پرخاشگری ..... ۱۳۵
- احیاء استعدادها در فرزندان و نقش کلیدی تشویق ..... ۱۳۵

## فصل ششم

### فضایل صلوات

- پیشگفتار ..... ۱۳۹
- فضایل آیه ان الله و ملائکته ... ۱۴۰
- پاک شدن از گناهان با صلوات ..... ۱۴۰
- دیدن بهشت با صلوات ..... ۱۴۱
- درمان فراموشی با صلوات ..... ۱۴۱
- صلوات جهت حاجت ..... ۱۴۱
- برترین اعمال در برزخ ..... ۱۴۱
- درخت محبوبه در بهشت ..... ۱۴۲
- حاجت دنیا و آخرت با صلوات ..... ۱۴۲
- صلوات با دل و زبان ..... ۱۴۲
- حاضر دیدن پیامبر با صلوات ..... ۱۴۳
- بهترین عمل در روز جمعه ..... ۱۴۳
- زمان صلوات ..... ۱۴۳
- فضیلت بسیار ..... ۱۴۳
- صلوات نامه فارسی ..... ۱۴۴
- صلوات نامه چهارده معصوم علیهم السلام ترکی ..... ۱۴۵

- شعار عرش ..... ۱۴۶
- درود خدا و فرشتگان ..... ۱۴۷
- صلوات نوری در قبر و بهشت ..... ۱۴۸
- بخیل ترین مردم ..... ۱۴۸
- حضور فرشتگان در مجلس ذکر صلوات ..... ۱۴۹
- نسخه‌ای نجات بخش ..... ۱۴۹
- شرکت در ثواب نوشتن الغدير ..... ۱۵۰
- ثواب صلوات فرستادن بر حضرت زهرا (علیها السلام) ..... ۱۵۱
- موجب حسرت در قیامت خواهد شد ..... ۱۵۱
- پاداش عظیم صلوات ..... ۱۵۱

### فصل هفتم

#### فضایل زیارت امام حسین (علیه السلام)

- پیشگفتار ..... ۱۵۵
- کرامت ..... ۱۵۷
- فهرست فضیلت زیارت امام حسین (علیه السلام) طبق روایات ..... ۱۵۸
- ثواب پیاده رفتن به زیارت سید الشهداء (علیه السلام) ..... ۱۶۲
- گلچینی از نکات کتاب گران سنگ کامل الزیارات ..... ۱۶۲

- فاطمه علیها السلام هم می آید ..... ۱۶۲
- ای کاش زائر بودم ..... ۱۶۲
- پاهای پر آبله ..... ۱۶۳
- روزهای ماندگار ..... ۱۶۳
- چهل سال زودتر ..... ۱۶۳
- ساکن «علیین» ..... ۱۶۴
- محبوب ترین ..... ۱۶۴
- از راه دور ..... ۱۶۵
- فضیلت زیارت امام حسین علیه السلام ..... ۱۶۵
- سلام بر حسین علیه السلام! ..... ۱۶۵
- توسل و عرض ارادت به سالار شهیدان ..... ۱۶۶
- زبان حال حضرت زینب کبری علیها السلام ..... ۱۶۶
- ماجرای قرآن خواندن سر مقدس امام حسین علیه السلام ..... ۱۶۷
- حسن ختام ..... ۱۶۹
- فهرست منابع ..... ۱۷۳

## سخن ناشر

دین مقدس اسلام، مجموعه‌ای از دستورات، عقائد و اخلاق است. که هر کدام از آن حیظه‌ها بخشی از نیازهای انسان را تأمین می‌کند. از میان آنها اخلاق و موعظه بیشترین تأثیر را در روح و جان مخاطبان تشنه‌ی محبت و عاطفه می‌گذارد چرا که اخلاق با روح و جان و تربیت انسان مرتبط است. از این رو مباحث تربیتی و اخلاقی برای مخاطبان جذاب‌تر می‌باشد. چرا که فهم و ارتباط با مباحث اخلاقی و موعظ نسبت به مباحث فلسفی، عقلی و استدلالی احکام و عقائد سهل‌تر است.

بر این اساس مردم مومن و پاک فطرت بیشتر خاطرات خوب و بیاد ماندنی را از عالمان اخلاق و اهل سیر و سلوک دارند. و از آنان بیشتر متاثر می‌شوند. خداوند متعال نیز هنگام معرفی پیامبر ﷺ به جنبه اخلاقی او اشاره می‌فرماید: «وانک لعلی خلق عظیم» (سوره قلم/۴) بنابراین، پیامبران ائمه و عالمان دین در تبلیغ دین و جذب مخاطب بیشتر از مباحث اخلاقی و موعظه بهره برده‌اند. و کتب عدیده‌ی در این راستا به زیور چاپ آراسته و در اختیار جویندگان و تشنگان سیر و سلوک قرار گرفته است.

کتاب پیش رو «۳۱۳ نکته گهربار» با زحمات زیاد فاضل محترم حجه الاسلام والمسلمین علی رشیدی تدوین گردیده است. که حاوی نکات جالب و آموزنده و اخلاقی و موعظ از عالمان و سالکان الی الله و آیات قرآن و روایات بسیار تأثیرگذار می‌باشد. که به قصد ترویج معارف الهی در میان عموم مومنان بویژه

جوانان طالب حقیقت برشته ی تحریر در آمده است. از آنجاکه خود نویسنده محترم فرد متخلق و متأثر از مواظب اهل بیت عصمت و طهارت بوده و علاقه و افریه ائمه طاهرین بویژه حضرت بقیه الله است اسم کتاب را «۳۱۳ نکته گهربار» نامیده است چون بخش اول کتاب درباره امام عصر (عج) است که یاد آور ۳۱۳ نفر از یاران آن حضرت می باشد و خواسته بدین طریق کسانی را که کتاب را مشاهده می کنند هنوز مطالعه نکرده به یاد آن حضرت بیافتد. امید است سعی شان مشکور باشد و کتاب حاضر مورد استقبال متدینان علی الخصوص جوانان عزیز قرار بگیرد و در آینده شاهد انتشار آثار جدید از مولف تلاشگر باشیم انشاء الله.

میکائیل صفائی

## بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ

### الحمد لله رب العالمین و صلی الله علی محمد و آله الطاهیرین

فرصت‌ها چون ابر بهاران در حال گذرند و هیچ‌گاه باز نمی‌گردند. زندگی ما حکایت یخ فروشی است که از او پرسیدند: «فروختی» گفت: «نه ولی تمام شد.» انسانی که عمرش، روز به روز می‌کاهد و در برابر آن کسب فضائل نمی‌نماید، مانند یخی است که آب می‌شود و هیچ می‌گردد. انسان زیرک کسی است که از این فرصت‌ها به نحو شایسته استفاده نماید. گاه می‌توان با استفاده از زمان کوتاه مطالعه و خواندن حدیثی یا نکته‌های آموزنده از بزرگان درس‌هایی گرفت که زندگی انسان را متحول می‌کند.

سخنان خوب و دلنشین مانند عسل، شیرین و گوارا هستند و برای روح و جان و استخوان‌ها شفا بخش می‌باشند. انسان ذاتاً تنوع طلب هست و علاقه به موضوعات متنوع دارد. این کتاب با نکات ارزشمند و با موضوعات متنوع تربیتی، اخلاقی، عقیدتی، تاریخی و ادبی که از ده‌ها کتاب معتبر گلچین و به نام «**۳۱۳ نکته گهربار**» نام‌گذاری شده و جهت استفاده علاقمندان جمع‌آوری و تدوین شده است. سعی ما بر این بود که مطالب متنوع، جذاب، کوتاه و پر محتوا باشد و در کمترین فرصت بتوان آن را مطالعه کرد. کتاب حاضر در هفت بخش گردآوری و تنظیم شده است؛ بخش اول: زیباترین ستاره، بخش دوم: منتخب سخنان گهربار از ائمه اطهار (علیهم‌السلام) بخش سوم: گلچین داستان‌های دل‌انگیز، بخش چهارم: اصول همسرداری، بخش پنجم: شیوه‌های تربیت فرزند، بخش ششم: فضایل صلوات

و بخش هفتم: فضایل زیارت امام حسین (علیه السلام) می باشد. امیدوارم به فضل پروردگار عالم این اثر ذخیره روز جزا باشد که در حدیثی از رسول اکرم (صلی الله علیه و آله) نقل شده است که فرمود: « إِذَا مَاتَ ابْنُ آدَمَ انْقَطَعَ عَمَلُهُ إِلَّا مِنْ ثَلَاثٍ : صَدَقَةٌ جَارِيَةٌ أَوْ عِلْمٌ يُنْتَفَعُ بِهِ أَوْ وَكْدٌ صَالِحٌ يَدْعُو لَهُ. »<sup>۱</sup>

زمانی که اولاد آدم از دنیا بیرون رود عمل او از دنیا تمام می شود، مگر سه عمل:

- ۱- صدقه جاریه مثل احداث مسجد، مدرسه، پل، راه، کارهای عام المنفعه ..
- ۲- علمی که بعد از او مردم از آن نفع ببرند مثل کتاب و تربیت شاگردان و..
- ۳- اولاد صالحی که برای او از خداوند طلب مغفرت و آمرزش نمایند....

این نوشتار با اخلاص کامل تقدیم خوانندگان عزیز می گردد، و از روی تضرع دست نیاز به پیشگاه خداوند بی نیاز دراز نموده و از ذات پاک حضرتش استعانت می جویم خداوند! به این نوشتار اثر و برکت عطا فرما و ما را از عنایات مولایمان امام زمان (علیه السلام) بهره مند فرما.

ران ملخی پیش سلیمان بردن      عیب است و لکن هنر است از موری

مراغه، آبان ۱۳۹۵

علی رشیدی کهلان

۱- موعظه خوبان - اسرار معراج ، ص ۱۴۵ ، علی قرنی گلیاگانی .



# فصل اول

## زیباترین ستاره

« ... وَ الْحُجَّةُ الْقَائِمُ ، كَأَنَّهُ الْكَوْكَبُ الدَّرِّي ... »

و حجت قائم عليه السلام را که مانند ستاره‌ای درخشان میان آنان بود.

حدیث معراج، مکیال المکارم، ص ۱۳۸

## چکیده

السلام علیک یا صاحب الزمان علیه السلام علیک یا ربیع الانام و نضرة الایام

### سلام بر تو ای بهار دل ها و سرسبزی روزگاران

امام عصر علیه السلام خورشید عالم تابى است که با درخشش خود عالم را رو شنى می‌بخشد و وجود نازنین ایشان منتی است بر جهان و جهانیان که پیروی از ایشان بر همگان واجب و لازم است ایشان با آن که از دیدگان پنهانند ولی همیشه و در هر زمان طنین انداز رحمت الهی بوده و بر اعمال و رفتار و حکومت حاکمان و اوضاع و احوال شیعیان نظارت داشته و از خوشی آنان خشنود و از رنج و محنت و حتی غفلت آنان اندوهگین می شوند از این رو بر مسلمین بالاخص شیعیان لازم است که در راستای تعجیل در ظهور ایشان وظایف خویش را باز شناسند و با انجام به وظایف خویش و ترک معاصی و گناهان در جهت تعجیل در ظهور ایشان وهم چنین آماده سازی زمینه ظهور گامی موثر بردارند .

از جمله این وظایف رعایت ادب و احترام مقام ایشان و اینکه در محضر ایشان که ناظر بر اعمال ما هستند گناه نکنیم و همچنین کمال ادب را در قبال سادات و فرزندان رسول خدا (سلام الله علیهم اجمعین ) و منسوبین به ایشان رعایت کنیم، برای تعجیل در ظهور ایشان دعا کرده و بسیار بر ایشان و آباء طاهر ایشان سلام و درود فرستیم ، که نه تنها موجب افزایش رحمت الهی می گردد بلکه نقش بسزایی در جلوگیری از گناه وهم چنین گره گشایی و رفع مشکلات دارد . باعث می گردد باورداشته باشیم وجود مبارک ایشان است موجب فیض الهی و سایه سار رحمت الهی است.

## گفتار اول

فوائد وجود مبارک امام زمان علیه السلام

- ✓ امام غایب بسان خورشید پشت ابر
- ✓ فرمان قرآن کریم در باره ارتباط با امام زمان علیه السلام
- ✓ بهره مندی شیعیان از وجود حضرتش



## پیشگفتار

یکی از مهمترین ویژگی های مکتب تشیع ، اعتقاد به امام مهدی علیه السلام به عنوان آخرین حجت خداوند ، واسطه فیض الهی ، و نجات بخش موعود است براساس این اعتقاد حضرت مهدی علیه السلام زنده و شاهد و ناظر اعمال همه جهانیان و فریادرس در ماندگان است.

چه زیبا است که هرروز صبح اول وقت زندگیمان را با سلام و عرض ارادت به محضر نورانی قطب عالم امکان ، نگین آفرینش حضرت صاحب الزمان علیه السلام آغاز کنیم.

آرامش دل راحت جان روح وروانی من هرچه بگویم به خدا بهتر از آنی تمام ذرات عالم برمدار محبت و عشق و رحمت می گردد. اساس کار پیامبران و ائمه ای اطهار علیهم السلام نیز بر محبت و معرفت است خصوصاً محبت اهل بیت علیهم السلام کیمیاست. جای تردید نیست که محبت اهل بیت علیهم السلام به ویژه آخرین حجت الهی، دردوران غیبت کاری بس مهم و ارزشمند است ، نوشتاری که پیش روی شماست بانام (زیباترین ستاره) درباره ی امام زمان علیه السلام است.

وعلت نامگذاری این بخش به این نام بر گرفته از چند حدیث می باشد که عبارتند از :

۱- رسول اکرم صلی الله علیه و آله فرمودند :

« أَلْمَهْدِيُّ رَجُلٌ مِنْ وُلْدِي وَجَهَةٌ كَالْكُوكَبِ الدَّرِيِّ (كَأَنَّهُ كُوكَبٌ دُرِّي) ... »<sup>۱</sup>  
 مهدی مردیست از نسل و خاندان من ، صورتش مانند ستاره درخشان است....

و در حدیث دیگر « الْمَهْدِيُّ طَاوُسُ أَهْلِ الْجَنَّةِ وَجْهُهُ كَالْقَمَرِ الدَّرِيِّ، عَلَيْهِ جَلَابِيبُ النُّورِ. »<sup>۱</sup>

حضرت مهدی علیه السلام طائوس اهل بهشت است ، چهره اش مانند ماه ، درخشنده است. بر بدن مبارکش جامه هاست از نور. (جامه های قدسیه و خلعت های نورانیه ی ربانیه است.)

۲- در حدیث معراج که رسول خدا صلی الله علیه و آله:

« ... وَ الْحُجَّةُ الْقَائِمُ ، كَأَنَّهُ الْكَوْكَبُ الدَّرِيُّ ... »<sup>۲</sup> و حجت قائم علیه السلام را که مانند

ستاره‌ای درخشان میان آنان بود.

۳- فرمایش خود حضرت که فرمود: قَالَ الْحُجَّةُ عَلَيْهِ السَّلَامُ: « وَإِنِّي لَأَمَانٌ لِأَهْلِ

الْأَرْضِ كَمَا أَنَّ النُّجُومَ أَمَانٌ لِأَهْلِ السَّمَاءِ »<sup>۳</sup> امام مهدی علیه السلام فرمود: من برای اهل زمین امانم چنان که ستارگان به اهل آسمان امانند.

در رابطه با امام عصر علیه السلام کتاب های فراوانی تاکنون نوشته شده است، ما در اینجا به دوبخش اشاره می کنیم: بخش اول فواید وجود مقدس امام زمان علیه السلام و بخش دوم وظایف مانسبت به آن حضرت می باشد، که به صورت چکیده و خلاصه بیان شده است. هدف ما این است که با ذکر فضائل ولی نعمتمان هم بیشتر به اهمیت وجود نفیس وبا عظمت آن بزرگوار که قطب عالم امکان است بیشتر آشنا شویم وهم در

۱- منتهی الامال ف ج ۲، ص ۶۱۴.

۲- مکیال المکارم ، ص ۱۳۸.

۳- بحار ج ۵۲، ص ۹۲.

وظایفمان نسبت به حضرت ولی عصر علیه السلام دقت نماییم و او را در زندگی بیشتر یاد کنیم و سعی کنیم به گونه ای زندگی نماییم که مورد پسند مولایمان واقع شده باشد انشاء الله.

### حدیث معراج:

کلام را با حدیث معراج که در باره دوست داشتن چهارده معصوم علیهم السلام خصوصا حضرت مهدی علیه السلام است آغاز می کنیم.

«فَقَدَرَوَى السَّيِّدُ الْمُحَدَّثُ الْبَحْرَانِيُّ (ره) فِي غَايَةِ الْمَرَامِ عَنِ النَّعْمَانِيِّ بِإِسْنَادِهِ عَنْ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ قَالَ: إِنَّ اللَّهَ أَوْحَى إِلَيَّ لَيْلَةَ أُسْرِي بِي: يَا مُحَمَّدُ مَنْ خَلَّفَ فِي الْأَرْضِ عَلَيَّ أُمَّتِكَ؟ وَهُوَ أَعْلَمُ بِذَلِكَ، قُلْتُ: يَا رَبُّ، أَخِي، قَالَ: يَا مُحَمَّدُ، عَلِيُّ ابْنُ أَبِي طَالِبٍ؟ قُلْتُ: نَعَمْ يَا رَبُّ، قَالَ: يَا مُحَمَّدُ، إِنِّي أَطَّلَعْتُ إِلَى الْأَرْضِ إِطْلَاعَةً فَاخْتَرْتُكَ مِنْهَا، فَلَا أُذْكَرُ حَتَّى تُذْكَرَ مَعِيَ أَنَا الْمُحْمُودُ وَأَنْتَ مُحَمَّدٌ ثُمَّ إِنِّي أَطَّلَعْتُ إِلَى الْأَرْضِ إِطْلَاعَةً أُخْرَى فَاخْتَرْتُ مِنْهَا عَلِيَّ ابْنَ أَبِي طَالِبٍ فَجَعَلْتُهُ وَصِيكَ فَأَنْتَ سَيِّدُ الْأَنْبِيَاءِ، وَعَلِيُّ سَيِّدُ الْأَوْصِيَاءِ، ثُمَّ شَقَّقْتُ لَهُ إِسْمَائِينَ أَسْمَائِي فَأَنَا الْأَعْلَى وَهُوَ عَلِيٌّ.»

يَا مُحَمَّدُ، إِنِّي خَلَقْتُ عَلِيًّا وَفَاطِمَةَ وَالْحَسَنَ وَالْحُسَيْنَ وَالْأَيْمَةَ مِنْ نُورٍ وَاحِدٍ، ثُمَّ عَرَضْتُ لِأَيَّتِكُمْ عَلَى الْمَلَائِكَةِ، فَمَنْ قَبَلَهَا كَانَ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ، وَمَنْ جَحَدَهَا كَانَ مِنَ الْكَافِرِينَ.

يَا مُحَمَّدُ، لَوْ أَنَّ عَبْدًا مِنْ عِبَادِي عَبْدَنِي حَتَّى يَنْقَطِعَ، ثُمَّ يَلْقَانِي جَا حِدَالٍ لَوَلَّيْتِكُمْ  
 أَدْخَلْتُهُ النَّارَ، ثُمَّ قَالَ: يَا مُحَمَّدُ أَتَحِبُّ أَنْ تَرَاهُمْ، قُلْتُ: نَعَمْ، فَقَالَ: قُمْ أَمَامَكَ،  
 فَتَقَدَّمْتُ أَمَامِي، فِإِذَا عَلِيُّ بْنُ أَبِي طَالِبٍ، وَالْحَسَنُ بْنُ عَلِيٍّ وَالْحُسَيْنُ بْنُ عَلِيٍّ  
 وَعَلِيُّ بْنُ الْحُسَيْنِ مُحَمَّدُ بْنُ عَلِيٍّ وَجَعْفَرُ بْنُ مُحَمَّدٍ، وَمُوسَى بْنُ جَعْفَرٍ وَعَلِيُّ بْنُ  
 مُوسَى، وَمُحَمَّدُ بْنُ عَلِيٍّ، وَعَلِيُّ بْنُ مُحَمَّدٍ، وَالْحَسَنُ بْنُ عَلِيٍّ، وَالْحُجَّةُ الْقَائِمُ، كَأَنَّهُ  
 الْكَوْكَبُ الدَّرِّيُّ فِي وَسْطِهِمْ.»

فَقُلْتُ: يَا رَبُّ، وَمَنْ هَؤُلَاءِ؟ قَالَ: هَؤُلَاءِ الْأَيْمَةُ وَهَذَا الْقَائِمُ يُحِلُّ حَلَالِي وَيَحْرُمُ  
 حَرَامِي، وَيَنْتَقِمُ مِنْ أَعْدَائِي، يَا مُحَمَّدُ أَحِبَّهُ، فَإِنِّي أُحِبُّهُ، وَأُحِبُّ مَنْ يُحِبُّهُ.»

رسول خدا ﷺ فرمودند: خداوند عزوجل شبی که مرا به معراج برد، به من وحی  
 نمود: ای محمد ص، میان امت در زمین، چه کسی را جانشین خود گذاشتی؟  
 درحالی که خداوند به آن داناتر بود) عرض کردم: پروردگارا، برادرم را، فرمود: ای  
 محمد ص: علی بن ابی طالب را؟ عرض کردم، بلی، پروردگارا، فرمود: ای محمد: به  
 درستی که من توجه خاصی به زمین نمودم، آنگاه تورا از آن برگزیدم، پس هیچ جا  
 یاد نشوم تا آنکه تو هم بامن یاد شوی، زیرا من (محمود) هستم و تو (محمد)، سپس  
 توجه ویژه دیگری به سوی زمین کردم و از آن، علی بن ابیطالب (علیه السلام) را برگزیدم، پس  
 اورا وصی و جانشین تو قرار دادم، تو سرور و آقای پیامبرانی و علی سرور و سرآمد اوصیاء  
 هست، پس از آن، نامی از نام های خود برای او برگرفتم، من (اعلی) هستم و او (علی).



ای محمد، به تحقیق علی و فاطمه و حسن و حسین و سایر امامان را از یک نور آفریدم، سپس ولایت آنها را بر فرشتگان ارائه نمودم، هر که پذیرفت از نزدیکان شد و هر کس آن را انکار کرد از کافران گردید.

ای محمد، اگر بنده ای از بندگان من، آنقدر مرا عبادت کند که خرد شود و اعضایش قطعه قطعه شود، آنگاه بمیرد در حالی که منکر ولایت آنان باشد، او را به آتش دوزخ افکنم.

سپس فرمود: ای محمد، آیا دوست داری آنها را ببینی؟ عرض کردم: آری.  
فرمود: جلوتر برو. قدری جلوتر رفتم که دیدم علی بن ابیطالب (علیه السلام) و حسن و حسین و علی بن حسین و محمد بن علی جعفر بن محمد و موسی بن جعفر و علی بن موسی و محمد بن علی و علی بن محمد حسن بن علی و حجت قائم (علیه السلام) را که مانند ستاره‌ی درخشان میان آنان بود.

عرض کردم: پروردگارا، اینان چه کسانی هستند؟ فرمود: آنان، امامان هستند و این قائم (که میانشان ایستاده) حلال کننده ی حلال من و حرام کننده حرام من است، و از دشمنان من انتقام می گیرد.

ای محمد، او را دوست بدار که من دوستش دارم و هر که را به او محبت دارد، دوست می دارم.<sup>۱</sup>

امام حسن عسکری (علیه السلام) درباره فرزندش امام مهدی (علیه السلام) می فرماید: «عِلْمُ أَنْ قُلُوبَ أَهْلِ الطَّاعَةِ وَالْإِخْلَاصِ تُزَعُّ إِلَيْكَ مِثْلُ الطَّيْرِ إِلَى أَوْكَارِهَا؛ فرزندم (مهدی)

۱- غایة المرآة، ص ۱۸۹- مکیال المکارم فی فوائد الدعای للقائم، ص ۱۳۷ و ۱۳۸.

مطمئن باش که دل های اهل طاعت و قلب انسانهای مخلص به سان پرنده ها که به سوی آشیانه پرمی کشند، مشتاقانه راهی کوی تواند. <sup>۱</sup>»

### فواید وجود مقدس امام زمان علیه السلام در دوران غیبت

برخی از فواید امام در دوران غیبت به صورت فهرستی اشاره می شود.

نگهبانی از آیین خداوند با هدایت باطنی ۲- نگهداری جامعه از ناامیدی و سرخوردگی ۳- ایمن بخشی از بلایا ۴- ایجاد پروای الهی در پرتوی باور وجود امام زنده در جامعه ۵- یاری برخی از نیازمندان ۶- دعای خیر آن حضرت در حق مومنان ۷- تصویب امور سال در شب های قدر.

### امام غایب بسان خورشید پشت ابر

در احادیث متعدّد و گوناگون که در زمینه ی فلسفه و فایده ی وجود امام زمان علیه السلام از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله در پاسخ این پرسش که چه فایده ای وجود حضرت مهدی علیه السلام در عصر غیبتش دارد فرمود: «إِي وَالَّذِي بَعَثَنِي بِالنُّبُوَّةِ إِنَّهُمْ يَنْتَفِعُونَ بِهِ وَيَسْتَظِيْعُونَ بِنُورِ وَلِيَّتِهِ فِي غَيْبَتِهِ كَانْتِفَاعِ النَّاسِ بِالشَّمْسِ وَإِنْ جَلَّتْهَا السَّحَابُ؛ آری سوگند به خدایی که مرابه نبوت برگزید، مردم از نور رهبری در دوران غیبتش بهره می گیرند همانگونه که از خورشید هنگام قرار گرفتن پشت ابرها» <sup>۲</sup>

۱- کمال الدین، شیخ صدوق، ج ۲، ص ۴۴۸.

۲ - بحار الانوار، ج ۵۲.

در سخنان پیشوایان معصوم (علیهم السلام) درباره فواید غیبت تشبیه زیبایی ذکر شده که در آن حضرت مهدی (عج) در دوران غیبت به خورشید پشت ابر تشبیه شده است. از جمله در بیان نورانی نبی اکرم (ص) که ذکر شدو همچنین توقیعی که از خود حضرت مهدی (عج) ذکر شده است بی گمان این تشبیه، از روی حکمت بوده است، در بیان این تشبیهات نکته های ارزشمندی وجود دارد که این جافقط به برخی از آنها اشاره می کنیم: ۱- خورشید، در منظومه ی شمسی محور و مرکز است. امام زمان (عج) نیز در منظومه ی زندگی انسان ها محور و اساس است .

۲- خورشید، در مجموعه ی هستی دارای فواید بی شماری است که فقط یکی از آن ها نورافشانی است. امام زمان (عج) نیز در نظام آفرینش دارای فواید بی شماری است که فقط فواید اندکی از آن، وابسته به آشکاری او است. ۳- ابر، فقط چهره ی خورشید را بر زمینی ها می پوشاند ولی هرگز زمین را تاریک نمی کند. پرده ی غیبت نیز انسانها را از دیدار مستقیم حضرت محروم می کند و هرگز مانعی بر نورافشانی او بر مردمان نخواهد شد.

۴- ابری شدن از عوارض زمین وزمینیان است، نه خورشید، غیبت نیز نتیجه ی رفتار انسانها است. ۵- ابر، فقط برای کسانی مانع است که زیر آن باشند. اگر کسی بر جاذبه ی زمین غالب شد و از ابرها بالا رفت، دیگر ابر مانع او نخواهد بود. در غیبت نیز اگر کسی بر جاذبه های دنیایی چیره و غالب شد و آنگونه که شایسته است، تعالی یافت، ممکن است از پرده ی غیبت فراتر رفته به دیدار آن خورشید پنهان نایل شود. ۶- در بهره مندی از خورشید، میان افرادی که خورشید را باور کرده اند با افرادی که منکر او هستند تفاوتی نیست. در بهره مندی از فواید تکوینی امام نیز بین منکر و قائل به امام فرقی نیست. ۷- فقط مردمی در انتظار راستین کنار رفتن ابرها به سر می برند که

به فواید خورشید آگاهی کامل دارند. در دوران غیبت نیز معرفت به امام، باعث حقیقی تر شدن انتظاری می شود. ۸- فقط انسان های نابینا از نور افشانی خورشید محرومند؛ همانگونه که فقط انسان های کور دل منکر نور وجود پیشوای معصوم و از آن بی بهره هستند. بنابراین شکی نیست که میزان بهره مندی موجودات از آفتاب عالمتاب در زمانی که چیزی حائل نباشد بیشتر و کاملتر است، اما این بدان معنا نیست که وجود پرده بر روی خورشید، تمام یا بیشتر بهره مندی هارا از بین ببرد.<sup>۱</sup>

همان طوری که از وجود خورشید تمام انسان ها، حیوانات، پرندگان، گیاهان، درختان و تمام موجودات بهره مند می شوند  
 آن شاخ گل ارچه هست پنهان ز چمن از فیض وجود اوست عالم گلشن  
 خورشید اگرچه هست در ابرننهان از نور ویست باز عالم روشن  
 هکذا وجود مقدس امام زمان علیه السلام منشأ برکت است برای همه ی موجودات  
 بالاختصاص برای انسان ها حتی برای کافران، چون کافران هم به برکت وجود آن حضرت  
 از نعمات الهی بهره مند می شوند.

### امام شناسی در زیارت جامعه ی کبیره

در زیارت جامعه ی کبیره وارد شده «وَبِكُمْ يُنَزَّلُ الْغَيْثُ»: به سبب وجود شما (امامان) باران رحمت نازل می شود امام صادق علیه السلام فرمودند «بنا أثمرت الأشجار، و آيَنَتِ الأثمار، و جرت الأنهار»<sup>۲</sup> به سبب ما درختان میوه می آورند، و میوه ها به پختگی می رسند، و رودها جاری می شوند. «بِكُمْ يُمَسِكُ السَّمَاءُ أَنْ تَقَعَ عَلَى

۱- خزینة الجواهر فی زینة المنابر، ص ۱۹۴-۱۹۷.

۲- الکافی، ج ۱، ص ۱۴۴ - درسنامه مهدویت، ج ۲، ص ۶۰.

الْأَرْضِ الْأَبْدَانِيَّةِ» به واسطه ی شما (ائمه) آسمان را خدابه پاداشته تا بر زمین جزبه امرش فرو نیاید و «وَيَكْشِفُ الضُّرُّ»<sup>۱</sup> به واسطه ی شما غم و اندوه ورنجه‌ها ز دلها برطرف می گردد...

و در دعای عدیله می خوانیم «وَبِيَمِينِهِ رُزِقَ الْوَرَىٰ وَبِوَجُودِهِ ثَبَتَتِ الْأَرْضُ وَالسَّمَاءُ»<sup>۲</sup>.

به برکت حضرت جهان روزی داده می شود، آن بزرگوار حق نعمت بر خلائق دارد و به برکت امام زمان علیه السلام زمین و آسمان ها پابرجا مانده.

ائمه ی اطهار علیهم السلام وسیله ی فیض و مجاری فیض الهی هستند. معدن رحمت الهی و گنج های علم و محلّ نزول ملائکه هستند، در زیارت جامعه ی کبیره می خوانیم «السَّلَامُ عَلَيْكُمْ يَا أَهْلَ بَيْتِ النَّبُوَّةِ وَمَوْضِعِ الرَّسَالَةِ وَمُخْتَلَفِ الْمَلَائِكَةِ وَمُهَيْبِطِ الْوَحْيِ وَمَعْدِنِ الرَّحْمَةِ وَخَزَانِ الْعِلْمِ...». زیارت جامعه ی کبیره که این زیارت نامه از ناحیه ی امام هادی علیه السلام صادر شده است، واقعا این زیارت یک دوره ی امام شناسی را به ما یاد می دهد. همه مامهیمان سفره ی بابرکت ولی نعمتمان امام زمان علیه السلام هستیم، در زیارت جامعه کبیره از ائمه ی اطهار علیهم السلام به عنوان «اوولياء النعم» یاد شده یعنی آن بزرگواران سرپرستان نعمت ها هستند، و در زندگی و در موقّیّت ها باید به خدا شکر کنیم و از امام زمانمان تشکر نماییم، به برکت دعا های امام عصر علیه السلام بلاها دفع می شود.

۱- زیارت جامعه ی کبیره، مفاتیح الجنان.

۲- مفاتیح الجنان، شیخ عباس قمی.

## توقيع شريف حضرت به شيخ مفيد

حضرت ولی عصر علیه السلام در توقيع شریفش به شیخ مفید می فرماید «تَوْقِيعُهُ إِلَى الشَّيْخِ الْمُفِيدِ: أَنَا غَيْرُ مُهْمَلِينَ لِمُرَاعَاتِكُمْ وَلَا نَاسِينَ لِدِكْرِكُمْ، وَلَوْ لَا ذَلِكَ لَنَزَلَ بِكُمْ اللَّوَاءَ وَأَصْطَلَمَكُمُ الْأَعْدَاءُ فَاتَّقُوا اللَّهَ جَلَّ جَلَالُهُ...» ما در مراعات شما اهمال کاری نداریم، شما را فراموش نکرده‌ایم، و اگر اینطور نبود، گرفتاری و ضیق معیشت برای شما پیش می‌آمد و دشمنان شما را مستأصل می‌کردند، از خدای جلّ جلاله تقوا داشته باشید و ما را یاری کنید...

آن گرامی در مقام معرفی خود فرمودند: «أَنَا خَاتَمُ الْأَوْصِيَاءِ وَبِي يُدْفَعُ الْبَلَاءُ مِنْ أَهْلِ وَشِيعَتِي»<sup>۲</sup> من آخرین جانشین پیامبر خدا هستم خداوند تبارک و تعالی به واسطه ی من بلاها را از خاندانم و شیعیانم دور میکند.

لازم به ذکر است زندگانی دنیا توأم بامشکلات و بلاهای طبیعی است اما آن بلاهایی که ریشه‌ی مارقطع می‌کند و ماریه کلی نابودمی‌کند، این بلاها و توطئه‌های شوم دشمنان که هدفشان نابودی مکتب و کیان شیعه هست آنها به برکت دعاها ی امام زمان علیه السلام دفع می‌شود. پس نتیجه می‌گیریم وجود مقدّس حضرت بقیّه الله واسطه‌ی فیض الهی به بندگانش است. خواه در دوران غیبت باشند یا ظهور نمایند. «قَالَ

الْحُجَّةُ الْبَلِيَّةُ: وَأِنِّي لَأَمَانٌ لِأَهْلِ الْأَرْضِ كَمَا أَنَّ النُّجُومَ أَمَانٌ لِأَهْلِ السَّمَاءِ»<sup>۳</sup>.

۱- احتجاج طبرسی

۲- کتاب الغیبة، ص ۲۴۶.

۳- خاندان وحی، ص ۷۷۹- بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۹۲.

امام مهدی علیه السلام فرمود: من برای اهل زمین امامن چنان که ستارگان به اهل آسمان امانند.

چنانکه خود حضرت مهدی هم تصریح فرمودند وجود مبارک آن امام همام سبب امنیت و آسایش برای اهل زمین هست.

### سخن خواجه نصیر در باره امام زمان علیه السلام:

در رابطه با وجود مقدس امام زمان علیه السلام خواجه نصیرالدین طوسی در تجرید سه جمله ظریف و زیبا دارد:

خواجه وقتی به باب امام زمان علیه السلام می‌رسد می‌گوید: «وَجُودُهُ لُطْفٌ» خدای متّان یک لطفی را برای خودش واجب کرده است و آن این است که امام کامل جامع حکیم مهربانی را برای ما آفریده «كَتَبَ عَلَيَّ نَفْسِهِ الرَّحْمَةَ»<sup>۱</sup> رحمت و (بخشش) را بر خود حتم کرده است.

«وَتَصَرَّفَهَا لُطْفٌ آخِرٌ» امام زمان از جانب خدادرعالم خلقت و جهان آفرینش تصرف می‌کند و به فریاد شیعه می‌رسد و معضلات و مشکلات را از مسیر شیعه برمی‌دارد. امام مشغول کار است.

«وَوَعَيْتُهُ مِنَّا» غیبت امام زمان علیه السلام از ماست چون مابه تکلیف و وظیفه مان عمل نمی‌کنیم. ما باید با امامی که وجودش برای لطف الهی است رابطه برقرار کنیم.

### فرمان قرآن کریم در باره رابطه با امام زمان علیه السلام:

قرآن کریم درباره ارتباط برقرار کردن با امام زمان علیه السلام می‌فرماید:

«يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا صَبِرُوا وَصَابِرُوا وَرَابِطُوا وَاتَّقُوا اللَّهَ لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ»<sup>۱</sup>. خدای مَنان در سوره‌ی مبارکه‌ی آل عمران به مؤمنین چهارفرمان می دهد: اولین فرمان ثبات قدم و مقاوم بودن در انجام واجبات و ترک گناه، دومین فرمان دعوت کردن یکدیگر به صبر و استقامت و شکیبایی در مصائب و حوادث است، سومین فرمان (و رابطوا) یعنی رابطه برقرار کنید، با چه کسی رابطه برقرار کنیم؟ در روایات آمده «رَابِطُوا عَلَى الْأَمَّةِ»<sup>۲</sup> با امامان معصوم رابطه برقرار کنید.

در یک روایت دارد «رَابِطُوا مَعَ الْمَهْدِيِّ»<sup>۳</sup>: با حضرت مهدی علیه السلام رابطه برقرار کنید. اگر ارتباط ممکن نبود آیا پروردگار عالم فرمان به امر محال و غیرممکن می داد؟ فرمان چهارم «واتقوا الله» از خدا پروا نمایید، برای حفظ و حراست از ارتباط فرمود: واتقوا: تقوا پیشه کنید چون ممکن است انسان رابطه برقرار کند، اما بر اثر بی تقوایی و گناه رابطه قیچی شود و بریده گردد. لذا می فرماید: «واتقوا الله»<sup>۴</sup> حواستان جمع باشد تا رابطه از بین نرود و در کلاس خویشتنداری از گناه قوی باشید. برای اینکه ارتباط‌هایمان با اهل بیت علیهم السلام مخصوصاً امام زمان علیه السلام هیچ گاه قطع نشود چه باید کرد؟

۱- سوره انعام، آیه ۲۰.

۲- بحار الانوار، ج ۲۴، ص ۲۲۱.

۳- غیبت نعمانی، ص ۱۹۹.

۴- بحار الانوار، جلد ۲۴، ص ۲۲۱.



## گام های عملی ما در ارتباط با امام زمان علیه السلام

اولین گام جهت ارتباط با امام زمان علیه السلام شناخت افکار و اندیشه ها و سیره عملی آن بزرگواران و نیز شناخت حقوقی است که آنان به عهده ما دارند، تا زمانی که معرفت مانسبت به آن بزرگواران سطحی باشد و تنها آنان را تعبداً احترام و تکریم کنیم، ارتباط و اتصال ما با آنان، عمیق نخواهد شد.

۲- معرفت به ائمه علیهم السلام و امام زمان علیه السلام مستلزم محبت آگاهانه و عاشقانه به آنان شده و نتیجه چنین محبتی منشأ امتثال اوامر الهی (اطاعت خداوند) و اجتناب از گناهان خواهد گردید. چنان که امام علی علیه السلام فرموده است:

«مَنْ أَحَبَّنَا فَلْيُعْمَلْ بِعَمَلِنَا» هر کس ما را دوست دارد، باید همانند ما عمل کند.

بزرگترین چیزی که مانع یا سبب قطع ارتباط ما با امام زمان علیه السلام میگردد و عنایات آنان را از ما سلب می کند گناه و عوارض آن است.

۳- دستور العمل هایی نیز در کنار نکات یاد شده جهت ارتباط بیشتر با امام علیه السلام از ناحیه اولیای الهی بیان گردیده است که برخی از آن ها عبارتند از: الف- خواندن زیارت جامعه، و مطالعه کتاب هایی که در شرح آن نوشته شده اند.

ب- خواندن نماز امام زمان علیه السلام ماهی یکبار (حداقل).

ج- خواندن زیارت آل یاسین ماهی یکبار (حداقل).

د- سلام دادن به امام عصر علیه السلام هنگام خوابیدن و برخاستن از خواب<sup>۲</sup>.

۱- بحار الانوار، ج ۱۰، ص ۹۲.

۲- پاسخ ها به پرسشها و شبهات، ج ۱، ص ۶۴ الی ۶۷ پژوهشکده تحقیقات اسلامی.

تعداد زیادی از بزرگان و علما با حضرت ارتباط برقرار کردند و به خدمتشان مشرف شدند که شرح حال آنان در این مقاله نمی گنجد.

الطاف و عنایات امام عصر علیه السلام همیشه فراوان شامل حال شیعیان بوده وهست.

## گفتار دوم

### باز شناسی وظایف منتظران در عصر غیبت

- ✓ رعایت ادب و احترام مقام ایشان
- ✓ تکریم سادات و منسوبین ایشان
- ✓ ذکر صلوات و دعا برای تعجیل در ظهور و...



## پیشگفتار

پس از شناخت فواید وجودی، وجود با برکت امام عصر علیه السلام باید بدانیم که اعمال هریک از ما شیعیان در تعجیل و تاخیر ظهور ایشان نقش بسزایی دارد ایشان در همه حال حاضر بر اعمال و رفتار ما هستند و هر گونه عمل قبیح و ناشایست ظهور ایشان را تاخیر می‌اندازد لذا با شناخت وظایف خویش و عمل به آنان گامی هر چند کوچک در جهت ظهور و تعجیل و پایان انتظار برداریم که برخی از این وظایف به شرح ذیل است:

## وظایف مانسبت به امام زمان علیه السلام

### اولین و مهم‌ترین وظیفه‌ی مانسبت به امام زمان علیه السلام

ادب و احترام درک حضور حضرت است، یعنی اینکه در محضر حضرت هستیم و در حضور او گناه نکنیم. شاید در اینجا سؤالی مطرح است که آیا ائمه‌ی اطهار علیهم السلام و امام زمان علیه السلام از تمام اعمال ما با خبر هستند؟ جواب: در کتاب‌های روایی ما بابتی به نام (عرضه الاعمال) وجود دارد. طبق آیه شریفه «... قُلْ اِعْمَلُوا فَسَيَرَى اللّهُ عَمَلَكُمْ وَرَسُولُهُ وَالْمُؤْمِنُونَ...»<sup>۱</sup>

بگو: هر کاری می‌خواهید بکنید، که به زودی خدا و پیامبر و مؤمنان در کردار شما خواهند نگریست.

تمام کارهای ما هر هفته یک روز یا دو روز، طبق بعضی دیگر از روایات هر روز و مطابق روایاتی هر صبح بر امام عصر علیه السلام عرضه می شوند.<sup>۱</sup>

این اعتقاد باید تاثیر مهمی در زندگی ما داشته باشد، چه در زندگی فردی و چه در زندگی اجتماعی. هریک از ما باید فرض کنیم همان کاری را که روزانه انجام می دهیم، هنگام شب در معرض اطلاع شخص بزرگی که به او احترام فراوان می کنیم قرار می گیرد. آن وقت چه احساسی داریم و رفتار و کردار خود را چگونه تنظیم می کنیم؟

بنابراین بر ما لازم است کارهایی را انجام دهیم که قلب مقدس آن حضرت را خوشحال و شاد کنیم.

سیدبن طاوس پس از نقل روایات در کشف المحجّه به فرزندش وصیت نمود: حاجات خود را هر دوشنبه، پنجشنبه بر حضرت پس از عرض سلام و صلوات، عرضه کن.<sup>۲</sup>

به سه نمونه در زندگی ائمه ای اطهار علیهم السلام درباره ی اطلاع آنان از اعمال ما اشاره می کنیم، البته نمونه های فراوانی وجود دارد، فقط جهت اختصار به این حدّا کتفاء می شود:

### ۱- ابوبصیر می گوید:

در کوفه بودم، به یکی از بانوان درس قرائت قرآن می آموختم، روزی در یک موردی با او شوخی کردم. مدتها گذشت تا در مدینه به حضور امام باقر علیه السلام

۱- مجمع البیان، طبرسی، ج ۵، ص ۶۹.

۲- نجم الثاقب، میرزا حسین نوری - طبرسی، ص ۸۲۴.

رسیدم، آن حضرت مرا مورد سرزنش قرار داد و فرمود: کسی که درجای خلوت گناه کند، خداوند نظر لطفش را از او بر می‌گرداند، این چه سخنی بود که به آن زن گفتی؟ از شدت شرم سردرگریبان کرده و توبه نمودم، امام (علیه السلام) فرمود: مراقب باش که تکرار نکنی و بازن نامحرم شوخی ننمایی.<sup>۱</sup>

## ۲- ابن شهر آشوب روایت کرده از موسی بن سیار، که گفت: من

باحضرت امام رضا (علیه السلام) بودم. نزدیک شده بود آن حضرت به دیوارهای طوس، که شنیدم صدای شیون و فغانی. پس پی آن صدا رفتم، ناگاه برخوردیم به جنازه‌ای. چون نگاهم به جنازه افتاد دیدم سیدم امام رضا (علیه السلام) از اسب پیاده شد، نزدیک جنازه رفت و او را بلند کرد. پس خود را به آن چسباند. پس رو کرد به من و فرمود: ای موسی بن سیار! هر که مشایعت کند جنازه‌ی دوستی از دوستان ما را، از گناهان خود بیرون شود، مانند روزی که از ما در متولد شده، که هیچ گناهی بر او نیست. چون جنازه را نزدیک قبر بر زمین نهادند، دیدم سید خود امام رضا (علیه السلام) را، که به طرف میّت رفت.

مردم را کنار کرد، تا خود را به جنازه رسانید پس دست خود را به سینه‌ی او نهاد دو فرمود: ای فلان ابن فلان! بشارت باد تو را بهشت، بعد از این ساعت، دیگر وحشت و ترسی برای تو نیست. من عرض کردم: فدای تو شوم: آیامی شناسی این شخص میّت را حال آنکه به خداسوگند! که این بقعه‌ی زمین راتابه حال ندیده و نیامده بودی؟! فرمود: ای موسی! آیا ندانستی که بر ما گروه ائمه عرضه می‌شود اعمال شیعیان ما،

در هر صبح وشام؟ پس اگر تقصیری در اعمال ایشان دیدیم، از خدای خواهیم که عفو کند و اگر کار خوب دیدیم از خدا برایش پاداش می خواهیم.<sup>۱</sup>

### ۳- امام زمان علیه السلام به نایب و وکیل چهارم خود شیخ ابی الحسن علی

**ابن محمد سمری فرمودند:** ای علی ابن محمد سمری خداوند برادران دینی تو را در مصیبت تو اجر عظیم کرامت فرماید، به درستی که در اثنای این شش روز وفات خواهی نمود، پس جمع نما امر خود را و در کار خود آماده باش و به احدی وصیت نیابت ننما که قائم مقام تو شود بعد از وفات تو، به درستی که غیبت کبری واقع شده ... می بینیم در این توقیع شریف امام علیه السلام حتی از اجل و مرگ محمد سمری خبر می دهد. در کلامی نورانی از آن حضرت است که می فرمایند: «ما همواره از احوال شما با خبریم».

### وظیفه ی دوّم مانسبت به امام زمان علیه السلام

ادب و احترام به منسوبین حضرت منسوبین جسمی مانند سادات و احترام به سادات و منسوبین روحی مثل شاگردان و سربازان حضرت همان علماء حتی مؤمنین، احترام و اظهار ادب به علماء و مؤمنین و اذیت نکردن آنان. اگر کسی نسبت به عالمی یا سیدی یا مؤمنی جسارت نماید و قلب آنان را آزرده نماید در واقع قلب امام عصر علیه السلام را آزرده کرده است.

در حدیثی می خوانیم که رسول خدا صلی الله علیه و آله در این باره می فرماید: ((مَنْ أَخْرَنَ مُؤْمِنًا مَّعْطَاهُ الدُّنْيَا لَمْ يَكُنْ ذَلِكَ كَفَّارَتَهُ وَلَمْ يُؤْجَرْ عَلَيْهِ))<sup>۲</sup> هر که مؤمنی را اندوهناک

۱- منتهی الآمال ج ۲، ص ۳۶۷ و ۳۶۸، شیخ عباس قمی.

۲- منتهی الآمال، ج ۲، ص ۷۲۷.

۳- بحار الانوار، ج ۷۵، ص ۱۰۵، علامه محمد باقر مجلسی.



سازد و سپس دنیا را به او بدهد، این بخشش سبب بخشودگی گناهش نشود و بر آن پاداشی نمی بیند پس اگر طالب رضایت امام زمان علیه السلام هستیم مواظب باشیم دل کسی را نشکنیم.

### وظیفه ی سوم منسبت به امام زمان علیه السلام

باید تلاش کنیم معرفت و شناختمان را به امام مهدی علیه السلام بیشتر کنیم در روایات فضایل زیارت ائمه اطهار علیهم السلام که بیان می شود می بینیم آن زیارتی با فضیلت است که عارفاً بحقّه با شدیعنی واقعا بشناسد که امام کیست هر کس در حدّ خودش امام شناس باشد حقّ امام را بشناسد و اطاعت امام را برای خود واجب بداند.

در حدیثی از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و ائمه اطهار علیهم السلام نقل شده است «...إِنَّ الْأَرْضَ لَا تَصْلُحُ إِلَّا بِالْإِمَامِ، مَنْ مَاتَ وَ لَمْ يَعْرِفِ إِمَامَ زَمَانِهِ مَاتَ مِيتَةً جَاهِلِيَّةً»<sup>۱</sup> زمین اصلاح نمی گردد مگر از برکت وجود امام زمان عج، هر کس بمیرد در حالی که امام زمانش را نشناسد، همانما به مرگ جاهلیت از دنیا رفته است.

### وظیفه ی چهارم منسبت به امام زمان علیه السلام

دعا برای سلامتی و تعجیل ظهور حضرت خصوصاً بعد از نمازها، یکی از دعاهای مأثوره این است که جبرئیل آن را به حضرت یوسف علیه السلام تعلیم کرد موقعی که حضرت یوسف در زندان بود. به این روش که بگیریش خود را به دست راست و کف دست چپ را بگشابه جانب آسمان و هفت مرتبه بگو «يَا رَبِّ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ صَلِّ عَلَيَّ

۱- مکیال المکارم فی فوائد الدعاء للقائم، ج ۱، ص ۳۰۳.

مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَعَجَّلْ فَرَجَ آلِ مُحَمَّدٍ.» مفاتیح الجنان، تعقیبات مشترکه و خواندن ادعیه منتسب به امام زمان علیه السلام مخصوصاً دعای سلامتی آن حضرت، خصوصاً دعا در اماکن مقدسه برای تعجیل ظهور مثل عتبات عالیات، مکه می مکرمه در کنار بیت الله الحرام، مسجد مقدس جمکران، مسجد کوفه، مسجد سهله و در تمامی مساجد و دعا برای سلامتی و تعجیل فرج بعد از توسل به ائمه ای اطهار و روضه های امام حسین علیه السلام که خود حضرت ولی عصر علیه السلام فرمود «..وَأَكثِرُوا الدُّعَاءَ بِتَعْجِيلِ الْفَرَجِ فَإِنَّ ذَلِكَ فَرَجُكُمْ..»<sup>۱</sup> برای تعجیل ظهور بسیار دعا کنید که این تعجیل فرج همانا برای شما گشایش است. دعا کردن برای حضرت حجت علیه السلام فواید زیادی برای خود ما دارد.

### فواید دعا برای ظهور امام زمان علیه السلام

در کتاب مکیال المکارم ج ۱ حدود نود فایده با ادله برای دعای ظهور حضرت بقیه الله الاعظم ارواحنا فدا ذکر شده است که ترجمه می چند مورد را به عنوان نمونه ذکر می نمایم:

- ۱- دعا برای تعجیل فرج و ظهور امام زمان علیه السلام موجب زیادی نعمتها می شود.
- ۲- اظهار محبت باطنی است. ۳- علامت انتظار است. ۴- احیا و زنده نگهداشتن امرائمه طاهرین است. ۵- موجب نجات از فتنه های آخر الزمان می شود. ۶- موجب شفاعت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله می گردد. ۷- موجب اجابت دعا می شود. ۸- موجب دفع بلا می شود.
- ۹- موجب وسعت رزق می شود.

۱- مکیال المکارم فی فوائد الدعای للقائم، ج ۱، ص ۳۰۳.

۱۰- سبب مغفرت الهی می شود. ۱۱- سبب طول عمر می شود. ۱۲- دعای پیامبر ﷺ شامل حال انسان می گردد. ۱۳- کسی که برای تعجیل ظهور دعا کند امیرالمؤمنین (علیه السلام) در قیامت در حق این شخص دعا می کند. ۱۴- نور امام در قلبش زیاد می گردد. ۱۵- در خواب یا بیداری سبب تشرّف حضرت می شود.<sup>۱</sup>

### داستانی غم‌انگیز در مورد امام زمان (علیه السلام)

مرحوم فشنودی تهرانی می‌گوید: در مسجد جمکران اعمال را به جا آورده، به همراه همسرم برمی‌گشتم. در راه، آقای نورانی را دیدم که داخل صحن شده، قصد دارند به طرف مسجد بروند.

با خود گفتم: این سید در این هوای گرم تابستان تازه از راه رسیده و [حتماً] تشنه است. به طرف سید رفتم و ظرف آبی را به ایشان تعارف کردم. [سید ظرف آب را گرفت و نوشید] و ظرف آن را برگرداند در این حال عرضه داشتم: آقا شما دعا کنید و فرج امام زمان را از خدا بخواهید تا امر فرج ایشان نزدیک شود! آقا فرمودند: «پيروان ما به اندازه آب خوردنی، ما را نمی‌خواهند. اگر بخواهند، دعا می‌کنند و فرج ما می‌رسد». این سخن را فرمود و تا نگاه کردم کسی را ندیدم. فهمیدم که وجود اقدس امام زمان (علیه السلام) را زیارت کرده‌ام و حضرتش، امر به دعا کرده است.<sup>۲</sup>

### وظیفه ی پنجم ما نسبت به امام زمان (علیه السلام)

حفظ و احترام نامها و القاب حضرت و حفظ احترام مکان های منسوب به حضرت مثل مسجد مقدّس جمکران ، مسجد سهله و عتبات عالیات و حفظ حرمت حرم های

۱- مکیال المکارم فی فوائد الدعای للقائم ، ج ۱ ، ص ۳۰۳ و ۳۰۴ و ۳۰۵.

۲- شیفتگان حضرت مهدی (علیه السلام) ، احمد قاضی زاهدی ، ج ۱ ، ص ۱۵۵.

ائمه‌ی اطهار علیهم‌السلام و گسترش دادن نام مبارک و القاب حضرت باانتخاب اسامی آن بزرگوار برای فرزندانمان.

### وظیفه ششم مانسبت به حضرت

ذکر صلوات برای امام عصر علیه‌السلام و آباء طاهرین و جدبزرگوارش رسول اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم، خواندن زیارت آل یاسین و دعای ندبه و صبح‌ها برای سلامتی حضرت تصدق نمودن، صدقه دادن برای سلامتی امام زمان علیه‌السلام و نماز هدیه و زیارت نیابتی از طرف حضرت به جا آوردن، اینها ارتباط ما را با حضرت بیشتر می‌کند.

### وظیفه ی هفتم ما نسبت به حضرت

آراستگی به تقوا و پایداری در انجام واجبات دینی، بدین معنا که مادر انجام واجبات الهی کوتاهی نکنیم و به وظایفمان به درستی عمل کنیم و در برآوردن حاجات مومنین کوشش کنیم و معرفت و بصیرتمان را بالا ببریم و در تربیت بچه هایمان دقت نماییم.

### وظیفه هشتم مانسبت به امام عصر علیه‌السلام

توجه و یادامام زمان علیه‌السلام در زمانهای مخصوص مثل شب‌های قدر و عاگردن برای حضرت در این شبها، دعا برای نصرت حضرت و محفوظ ماندن آن وجود ذی‌قیمت از بلاهای مختلف در روز جمعه که حضرت در روز جمعه بانور خود دنیا را منور کرده و متولد شده و در روز جمعه طلوع و ظهور خواهد کرد انشاءالله، توجه به حضرت در شب و روز نیمه‌ی شعبان و عصر روز دوشنبه و پنجشنبه که اعمال بندگان به محضرش عرضه می‌شود.

## وظیفه ی نهم مانسبت به امام زمان علیه السلام

انتظار فرج است که به عنوان برترین اعمال امت می باشد.

امام علی علیه السلام می فرماید: «...الْمُنْتَظِرُ لِأَمْرِنَا كَالْمُتَشَهِّدِ بَدَمِهِ فِي سَبِيلِ اللَّهِ...»<sup>۱</sup>

منتظران امر ما ظهور حضرت حجت علیه السلام مانند کسانی اند که در راه خدا به خون خود غلتیده اند.

## فضیلت انتظار امام زمان علیه السلام

از امام صادق علیه السلام نقل است که فرمود: مَنْ مَاتَ مِنْكُمْ وَهُوَ مُنْتَظِرٌ لِهَذَا الْأَمْرِ كَمَنْ هُوَ مَعَ الْقَائِمِ فِي فُسْطَاطِهِ . ثُمَّ مَكَثَ هُنَيْئَةً ثُمَّ قَالَ: لَا بَلْ كَمَنْ قَارَعَ مَعَهُ بِسَيْفِهِ . ثُمَّ قَالَ: لَا وَاللَّهِ إِلَّا كَمَنْ اسْتَشْهَدَ مَعَ رَسُولِ اللَّهِ صلی الله علیه و آله.<sup>۲</sup> هر کس از شما بمیرد در حالی که منتظر این امر (قیام قائم علیه السلام) باشد مانند کسی است که همراه قائم علیه السلام در خیمه او باشد. سپس اندکی مکث کرد و بعد فرمود: نه بلکه مثل کسی است که در رکاب او شمشیر زده باشد.

سپس فرمود: نه به خدا سوگند این ها فقط مثل کسانی هستند که در رکاب رسول خدا صلی الله علیه و آله به شهادت رسیدند. و پیامبر صلی الله علیه و آله فرمودند: «...أَفْضَلُ أَعْمَالِ أُمَّتِي أَنْتِظَارُ الْفَرَجِ...»<sup>۳</sup> برترین امور امتم انتظار فرج است.

۱- خصال، شیخ صدوق، ج ۲، باب ۴۰۰.

۲. ترجمه منتخب الأثر فی الامام الثانی، عشر تالیف آیت الله صافی گلپایگانی، ج پنجم، ص ۱۹۳.

۳- کمال الدین، شیخ صدوق، ج ۲، باب ۵۵.

انتظاریعی مشتاق مقاومت و پایداری و پاسداشت شرافت و کرامت انسانی. انتظاریعی امید به آینده ی روشن و نویدبخش و همواره منتظر حضرت بودن اگر انسان می خواهد از گمراهی در افکار و اعتقادات نجات پیدا کند و بخواهد. با امام عصر علیه السلام ارتباط پیدا کند باید حالت انتظار را در وجود و درون خود زنده نماید.

آمادگی کامل جسمی و روحی در رکاب حضرت را باید در خودمان تقویت نماییم. ای دل شیدای ما گرم تنمای تو کی شود آخر عیان طلعت زیبای تو گرچه نهانی ز چشم، دل نبود نا امید می رسد آخر به هم چشم من و پای تو

### وظیفه دهم ما نسبت به امام زمان علیه السلام

آماده سازی خود و جامعه و زمینه سازی برای ظهور به این معنی که در جامعه هر نقطه ضعفی را در هر کجاییینیم تلاش نماییم موضع آسیب پذیری را ترمیم نماییم و نقاط ضعف را جبران نماییم، یکی از وظایف مهمّ منتظران حضرت این است که موقعی که در جامعه فساد زیادی شود در محیط فاسد حلّ نشود و هم رنگ با محیط نشود و مردم را به مقاومت در برابر فساد دعوت نمایند و نگذارند آنان در محیط فاسد حلّ شوند و در آنهاروح امید به آینده ی روشن را بدمد و در اصلاح جامعه بکوشد.

### روی جانان طلبی، آئینه را قابل ساز

شما آیا احتمال نمی دهید همین چشمی که انسان دارد یک لذّتی داشته باشد مافوق تمام لذّت (خوردن و آشامیدن و...) چشم از دیدنی ها از گل و ریاحین و از دشت و از صحرا لذّت می برد آیا تصور نموده اید اگر این چشم بر رخسار درخشان و دل انگیز امام زمان اروحنا فداه بیفتد چه لذّتی می برد آیا قابل قیاس است؟

بلی چشمی که روزی چندین بار از صورت زن های بی حجاب و بد حجاب عکس برداری کند مسلماً لیاقت دیدن جمال نورانی امام زمان علیه السلام را ندارد زیرا آن چشم مرده و کور است، گوش که همواره صدای جان خراش ساز و آواز های مطرب و زنان رقاصه و بد حجاب را بشنود و گوش فرا دهد آیا آن گوش استعداد شنیدن صدای دلنواز و جانبخش امام زمان (ع) را دارد؟ قلبی که مرکز امر و نهی شیطان بشود کی ممکن است رخسار یار در آن تابش کند و مسکن او بشود.

### چرا ما امام زمان را نمی بینیم؟!

روزی یکی از شاگردان علامه طباطبایی رحمته الله علیه خدمت ایشان آمد و عرض کرد: جناب استاد لطفاً خیلی مختصر بفرمایید چرا ما امام زمان را نمی بینیم. علامه فرمودند: لطفاً برگردید و پشت به من بنشینید. شاگرد علامه این کار را انجام داد. علامه فرمودند آیا الان من را می توانید ببینید، شاگرد عرض کرد خیر نمی توانم ببینم، علامه فرمودند چرا نمی توانی من را ببینی، شاگرد عرض کرد چون پشت من به شماست، علامه فرمود حالا متوجه شدید چرا امام زمان علیه السلام را نمی بینید، چون شما پشتتان به امام زمان علیه السلام است با گناهان و نافرمانی ها پشتتان را به امام زمان علیه السلام کرده ایم و در عین حال تقاضای دیدار امام زمان علیه السلام را دارید!!!

باید تصمیم و عزم ما این باشد که در محضر امام عصر (عج) گناه نکنیم. باید تلاش بکنیم عشق و محبتمان رابه مولایمان بیشترنماییم. این شخصیت با عظمتی که امام صادق علیه السلام آرزومند خدمتگزاری اوست که امام صادق علیه السلام میفرماید:

«لَوْ أَدْرَكْتُهُ لَخَدَمْتُهُ أَيَّامَ حَيَاتِي؛ اگر او (امام زمان علیه السلام) را ببینم و حیات او را درک کنم تمام ایام عمرم را به او خدمت خواهم کرد.»<sup>۱</sup>

خداوند انشاءالله. ما را از محبتان و شیعیان حضرت صاحب الامر مقرر فرماید و ما را در محضرایشان سر بلند فرماید و سرفراز کننده و شرمنده نفرماید و ما را مشمول دعاهای بابرکتش قرار دهد و چشمان ما را به نور درخشان ترین و زیباترین ستاره اش منور و روشن فرماید چنانکه زمین را به نور حضرتش روشن خواهد کرد چنانکه در سوره ی مبارکه ی زمزیه ۶۹ می فرماید: «وَأَشْرَقَتِ الْأَرْضُ بِنُورِ رَبِّهَا؛ زمین روشن و منور می شود به نور پروردگار» که منظور نور وجود امام زمان علیه السلام است. «.. وَأَشْرَقَتِ الْأَرْضُ بِنُورِكُمْ..»<sup>۲</sup>

وزمین به نور شمار روشن گردید.

گل نرگس فدای رنگ و بویت نصیبم کی شود دیدار رویت

۱- موسوعه ی کلمات امام حسین علیه السلام ص ۶۶۰ - در انتظار خورشید.

۲- زیارت جامعه کبیره.



## نتیجه گیری :

وجود مبارک ایشان همیشه منجر به رحمت الهی بر شیعیان بوده و فرقی نمی کند که از چه صنف و گروهی از چه نژادی باچه شغلی باشی تنها ملاک برتری و نزدیکی و تقرب به درگاه الهی و شرف یابی به حضور ایشان ایمان، تقوا و عمل صالح است در گرو این اعمال است که می توان به ایشان تقرب یافت هر کس گامی در راه رسیدن به ایشان بر دارد وجود نازنینشان خود مسیر و راه را به سالک نشان می دهد یادمان باشد که ایشان نه تنها ولی نعمت ما هستند ناظر بر اعمال ما نیز هستند پس با اعمال شایسته قلب ایشان را از خود راضی و خشنود کنیم .

## حسن ختام

ندیدم شهی در دل آرایی تو  
 به قربان اخلاق مولایی تو  
 تو خورشیدی و ذره پرورترینی  
 فدای سجایای زهرایی تو  
 نداری به کویت ز من بی نواتر  
 ندیدم کریمی به طاهایی تو  
 نداری گدایی به رسوایی من  
 ندیدم نگاری به زیبایی تو  
 نداری مریضی به بد حالی من  
 ندیدم دمی چون مسیحایی تو  
 نداری غلامی به تنهایی من  
 ندیدم غریبی به تنهایی تو

نداری اسیری به شیدایی من  
 ندیدم کسی را به آقایی تو  
 امید غریبان تنها کجایی؟  
 چراغ سر قبر زهرا کجایی؟

تجلی طه، گل اشک مولا، دل آشفته ی داغ آن کوچه ی غم  
 گرفتار گودال خولی، گرفتار غم های زینب، سیه پوش قاسم  
 عزادار اکبر گل باغ لیلا، پریشان دست علم گیر سقا  
 نفس های سجاده، نواهای باقر، دعاهای صادق  
 کس بی کسی های شب های کاظم  
 حبیب رضا و انیس غریب جواد الائمه  
 تمنای هادی، عزیز دل عسکری، پس نگارا بفرما کجایی؟

دلم جز هوایت هوایی ندارد  
 لبم غیر نامت نوایی ندارد  
 وضو و اذان و نماز و قنوتم  
 بدون ولایت بهایی ندارد  
 دلی که نشد خانه ی یاس نرگس  
 خراب است و ویران صفایی ندارد  
 بیا تا جوانم بده رخ نشانم  
 که این زندگانی وفایی ندارد

الحمد لله اولاً و آخراً وصلی الله علی محمد وآل محمد

## فصل دوم

منتخب سخنان گهربار از ائمه اطهار (علیهم السلام)

« وَ أَحْيِ قَلْبَكَ بِالْمَوْعِظَةِ »

قلبت را با موعظه زنده کن.

نهج البلاغه - نامه ۳۱



## پیشگفتار

سخنان گهربار و منش و رفتار پیشوایان دین و آیین گنجینه‌ای ارزشمند از ذخایر الهی و معنوی است که برای استفاده عموم مردم گسترده شده است. چه بسیار دردها و مشکلات روحی و اخلاقی که در احادیث معصومین (علیهم‌السلام) مورد توجه قرار گرفته و راه درمان و داروی لازم نیز بیان گردیده است. و هر کس باید به ظرفیت خویش جرعه‌ای از چشمه سار زلال پیامبر اکرم (ص) و امامان (علیهم‌السلام) بچشد و عطش روح تشنه‌اش را فرو نشاند.

احادیث و فرمایشات پیامبر اکرم (ص) و ائمه اطهار (علیهم‌السلام) دل انسان را زنده و نورانی می‌کند و صراط مستقیم را به انسان نشان می‌دهد چون کلام آن‌ها نور و هدایت بخش است.

امام علی (علیه‌السلام) در نهج البلاغه می‌فرماید: (این دل‌ها همانند بدن‌ها افسرده می‌شوند پس برای شادابی دل‌ها سخنان حکمت‌آمیز بجوید<sup>۱</sup>) و در کلام نورانی پیامبر عظیم‌الشأن اسلام از سخن خوب و موعظه به عنوان هدیه یاد شده است. پس بیان احادیث برای مؤمنان بهترین هدیه برای آن‌هاست.

در این بخش کتاب احادیثی را در موضوعات مختلف از کتاب‌های معتبر و ارزشمند انتخاب و کلمات قصار ائمه (علیهم‌السلام) بیان شده و به خاطر این که کتاب پر حجم

و طولانی نشود از شرح احادیث خودداری شده است. امید است این نکات و سخنان گهربار مورد استفاده علاقمندان قرار گیرد. انشاء الله .

### وصف پروردگار در آفرینش

امام علی (علیه السلام) می فرماید: خداوند متعال آنچه را آفرید با اندازه گیری دقیق استوار کرد و با لطف و مهربانی نظمشان داد و به خوبی تدبیر کرد ...<sup>۱</sup> نگارنده گوید اگر دقت نماییم در آسمانها و زمین جهان پر از شگفتیهای آفرینش است. به عنوان مثال یکی از شگفتیها و شاهکارهای خلقت نقشهای انگشتان دست انسان است، احتمال شبیه بودن اثر انگشت به یکدیگر یک به شصت و چهار میلیارد می باشد . الان در روی کره زمین بیش از هفت میلیارد انسان زندگی می کنند و تا کنون بیش از سی برابر این جمعیت فعلی کره زمین در زیر خاک مدفون شدند اگر مثلاً در دنیا شصت و چهار میلیارد نفر انسان موجود باشد امکان شباهت نقشها و خطوط انگشتان دو نفر به هم یک به شصت و چهار میلیارد می باشد آن هم احتمالاً. به نازم به قدرت لا یزال خالق بی همتا، «فَتَبَارَكَ اللهُ أَحْسَنُ الْخَالِقِينَ»<sup>۲</sup>.

جهان چون خط و خال و چشم و ابروست

که هر چیز به جای خود نیکوست

۱- نهج البلاغه ، خطبه ۹۱ ، ص ۱۵۹ ، ترجمه استاد محمد دشتی .

۲- سوره مومنون ، آیه ۱۴ .

## در عظمت پنج تن آل عبا و آفرینش آنها

در بحارالانوار حدیث مشروحی از علامه مجلسی از رسول اکرم (ص) آورده که تلخیص آن چنین است در روایتی جناب عباس از پیامبر اکرم (ص) نقل می‌کند اول جناب عباس پرسید آغاز آفرینش شما چگونه بود؟

حضرت فرمود: عمو جان خدا ما را هنگامی آفرید که نه آسمان برافراشته بود و نه زمین گسترش یافته، نه نوری بود و نه ظلمت و تاریکی، نه خورشیدی آفریده بود و نه ماهی، نه بهشتی، نه دوزخی، اول خداوند متعال تکلم فرمود از آن نوری پدید آمد و سخنی دیگر تکلم فرمود و از آن روحی پدید آورد پس از آن نوری را به روح در آمیخت و مرا آفرید و به همین صورت، علی، فاطمه، حسن، حسین (علیهم السلام) را آفرید پس از آن نور مرا شکافت از آن عرش پدید آمد رسول خدا (ص) فرمود: با این بیان عرش از نور من روشن است که نور من از عرش برتر است.

سپس نور برادرم علی (علیه السلام) را شکافت و فرشتگان را از نور او آفرید پس فرشتگان از نور علی آفریده شده‌اند و نور او برتر از فرشتگان است.

آنگاه نور دخترم فاطمه (علیها السلام) را شکافت و از نور او آسمانها و زمین را آفرید و نور او برتر از آسمانها و زمین است. پس از آن نور فرزندانم حسن (علیه السلام) را شکافت و از آن خورشید و ماه را آفرید، پس خورشید و ماه از نور حسن (علیه السلام) هستند و او برتر از خورشید و ماه است.

آنگاه نور فرزندم حسین (علیه السلام) را شکافت و از آن بهشت و حوریان بهشتی را آفرید، پس بهشت و حوریان از نور فرزندم حسین هستند و او از نور خدا و برتر از بهشت و حوریان بهشتی است.<sup>۱</sup> ...

عالم ایتمزدی گرداننده عالم بنا

الماسیدی نور پاک پنج تن آل عبا

مصطفی و مرتضی ، زهرا ، حسین مجتبی

بش منور نور محور کیمدی زهرادن صورا

### در فضائل حضرت امام علی (علیه السلام)

پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) فرمود: « مَنْ أَحَبَّ أَنْ يُنْظَرَ إِلَى اسْرَافِيلَ فِي هَيْبَتِهِ ، وَ إِلَى مِيكَائِيلَ فِي رُبُوبَتِهِ ، وَ إِلَى جِبْرَائِيلَ فِي جَلَالَتِهِ ، وَ إِلَى آدَمَ فِي سَلَمِهِ ، وَ إِلَى نُوحٍ فِي خَشْيَتِهِ ، وَ إِلَى إِبْرَاهِيمَ فِي خُلَّتِهِ ، وَ إِلَى يُعْقُوبَ فِي حُزْنِهِ ، وَ إِلَى يُوسُفَ فِي جَمَالِهِ ، وَ إِلَى مُوسَى فِي مُنَاجَاتِهِ ، وَ إِلَى أَيُّوبَ فِي صَبْرِهِ ، وَ إِلَى يَحْيَى فِي زُهْدِهِ ، وَ إِلَى يُونُسَ فِي سُنَّتِهِ ، وَ إِلَى عِيسَى فِي وَرَعِهِ ، وَ إِلَى مُحَمَّدٍ (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ) فِي حُبِّهِ وَ خُلُقِهِ فَلْيُنْظَرْ إِلَى عَلِيٍّ فَإِنَّ فِيهِ تَسْعِينَ خَصْلَةً مِنْ خِصَالِ الْأَنْبِيَاءِ جَمَعَ اللَّهُ فِيهِ وَ لَمْ يَجْمَعْ لِأَحَدٍ غَيْرِهِ »<sup>۲</sup>

۱- بحارالانوار ، ج ۴۳ ، ص ۲۹۳ - ویژگی‌های امام حسین (علیه السلام) ص ۱۰۹ ، آیت الله شیخ جعفر شوشتری (رحمه الله).

۲- احقاق حق ، ج ۴ ، ص ۳۹۷ - امام علی (علیه السلام) و مسائل سیاسی ، استاد محمد دشتی .



پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمود: کسی که دوست دارد به هیبت اسرافیل و مقام میکائیل و شکوه جبرائیل و آرامش آدم و خداترسی نوح و اخلاق ابراهیم و اندوه یعقوب و زیبایی یوسف و نیایش موسی و صبر ایوب و پارسائی یحیی و احکام یونس و زهد عیسی و خویشاوندی (محبّت) و اخلاق محمد صلی الله علیه و آله را بنگرد به علی علیه السلام نگاه کند، زیرا در علی علیه السلام نود خصلت از ویژگی‌های پیامبران آسمانی وجود دارد که آن‌ها را خدا در علی علیه السلام جمع کرد، و در غیر او جمع نکرده .

### سه چیز محبت آفرین

رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: سه چیز است که دوستی انسانی را با برادر مسلمانمان صفا دهد: ۱- همیشه با خوشرویی با او برخورد کند، ۲- هرگاه در مجلسی بر او بنشینند برایش جا باز کند، ۳- با آن نامی که بیشتر آن را دوست دارد او را بخواند (و صدا کند).<sup>۱</sup>

### سفارش جبرئیل به پیامبر اعظم صلی الله علیه و آله

علامه مجلسی رضوان الله علیه از «معانی الاخبار و امالی صدوق و خصال شیخ صدوق» با سند متصل آن‌ها از سهل بن سعد روایت می‌کند:

جبرئیل به خدمت رسول اکرم صلی الله علیه و آله آمد و گفت: ای محمد هر چه می‌خواهی زندگی کن که بالاخره مرده خواهی بود! و هر که را که خواهی دوست بدار که بالاخره از او جدا خواهی شد! و هر کاری را که بخواهی انجام ده که بالاخره به آن

۱- اصول کافی، ترجمه مصطفوی، ج ۴ .

پاداش داده خواهی شد! و بدان که شرف مؤمن در قیام او به نماز در شبهاست و عزّت او در بی‌نیاز دیدن نفسش است از مردم!<sup>۱</sup>

## در حرمت غیبت

محمد بن فضیل می‌گوید به امام کاظم (علیه السلام) عرض کردم: فدایت شوم درباره یکی از برادرانم چیز ناخوش آیندی شنیدم و هنگامی که به او گفتم انکار کرد. در حالی که کسانی که آن مطلب را به من گفتند، افراد مورد اعتمادی بودند. آن حضرت فرمودند: ای محمد! در رابطه با برادرت گوش و چشمت را تکذیب کن. و اگر پنجاه قسّامه که هر کدام پنجاه نفر هستند یا پنجاه بار قسم می‌خورند برایت قسم بخورند و مطلبی را برایت بگویند، تو سخت او را تصدیق و آنان را تکذیب کن و خبری را پخش نکن که آبروی او را ببرد و شخصیت او را نابود کند. زیرا در غیر این صورت از کسانی خواهی بود که خداوند عزّوجلّ درباره آن‌ها فرموده است (همانا برای کسانی که دوست دارند گناه در میان کسانی که ایمان آورده‌اند رواج یابد، دردناک در دنیا و آخرت هست).<sup>۲</sup>

## کیفر عیب‌جویی از دیگران

قال رسول الله (صلى الله عليه وآله): «فانه من تتبع عورة أخيه تتبع الله عورته و من تتبع الله عورته يفضحه في جوف بيته؛ رسول اکرم (صلى الله عليه وآله): در پی کشف اسرار و زشتی‌های

۱- بحارالانوار، ج ۱۷، ص ۵.

۲- بحارالانوار، ج ۷۲، ص ۲۱۴.

مردم نباشید، زیرا کسی که در پی زشتی برادرش باشد خدا هم زشتی او را دنبال می‌کند و هر کس خدا بدی‌های او را دنبال کند او را درون خانه‌اش رسوا می‌کند»<sup>۱</sup>.

### تواضع و فروتنی

قال علی (علیه السلام): «مسکین بن آدم: مکتوم الاجل، مکنون العلل، محفوظ العمل، تولمه البقة و تقتله الشقة و تئنه العرقه؛ امیرمؤمنان (علیه السلام) می‌فرماید: انسان بیچاره است، از اینرو که:

- ۱- اجل و آخر عمرش پنهان است.
- ۲- بیماری‌هایش پوشیده است.
- ۳- عملش نگهداری می‌شود.
- ۴- پشه ضعیف او را به زحمت می‌اندازد.
- ۵- قطره آب اگر در راه نفشش بریزد او را می‌کشد.
- ۶- عرق او بوی بد پیدا می‌کند. ( پس آیا سزاوار است چنین کسی گردن‌کشی و سرافرازی نموده و به خود بنازد؟! )<sup>۲</sup>.

۱- مفاتیح الحیاء، ص ۴۸۹.

۲- نهج البلاغه، ح ۴۱۹.

## مهر به فرزند

شخصی خدمت حضرت علی (علیه السلام) آمد و پرسید: چه کنم با فرزندم که اذیت و شرارت می‌کند؟ آن حضرت (علیه السلام) فرمود: او را تنبیه نکن. با او مهر کن ولی مهر او را طولانی مساز.<sup>۱</sup>

## اخلاق نیکو

قال رسول الله ﷺ: «حُسْنُ الْخُلُقِ يُثَبِّتُ الْمَوَدَّةَ خَوْشِرُوبِي دُوسْتِي رَا پَايْدَار مِي كَنْد.»<sup>۲</sup>

## هراسی شیطان از مراقبت در نماز

پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) فرمود: شیطان همیشه از مؤمنی که به نمازهای پنجگانه‌ی خود مراقبت می‌کند ترسان و هراسان است. همین که شخصی به نمازهای خود اهمیت نداد و احترام نگذاشت، شیطان بر او جرأت پیدا کرده به حدی که او را به انجام گناهان بزرگ آماده نموده و در میان مفاسد می‌اندازد.<sup>۳</sup>

۱- بحارالانوار، ج ۱۰۱، ص ۹۹.

۲- همان، ج ۷۴.

۳- عیون اخبار الرضا (علیه السلام)، ج ۲، ص ۲۸.

## غیرت در مرد

رسول خدا صلی الله علیه و آله می‌فرماید: هنگامی که زنی آرایش کرده و معطر از خانه خارج شود و شوهرش نیز به این کار راضی باشد، به ازای هر قدمی که برمی‌دارد خانه‌ای در آتش برای شوهرش بنا می‌شود.<sup>۱</sup>

## تیر سهم‌گین زهرآلود

امام صادق علیه السلام می‌فرماید: نگاه کردن به نامحرم تیری است زهرآلود از ناحیه شیطان و چه بسیار نگاه‌هایی که حسرت‌ها و تأسف‌های طولانی را به دنبال خود می‌آورد.<sup>۲</sup>

## نابودی زنان

رسول اکرم صلی الله علیه و آله فرمودند: نابود شدن (جهنمی شدن) زنان اُمّت من به خاطر پوشیدن لباس‌های نازک و بدن‌نما هست.<sup>۳</sup>

## لباس انگشت نما

امام علی علیه السلام فرمودند: رسول خدا صلی الله علیه و آله زن را از پوشیدن لباسی که او را مشهور و انگشت نما کند و از زینت کردن به (زیور آلاتی که صدا ایجاد) می‌کند (و سبب جلب توجه نامحرم می‌شود) نهی کرد.<sup>۴</sup>

۱- بحارالانوار، ص ۲۴۹.

۲- وسائل الشیعه، ج ۱۴، ص ۱۳۸.

۳- ارشاد القلوب، ۱، ص ۴۳۱.

۴- مستدرک الوسائل، ج ۱۴، ص ۲۴۲.

## کنترل زبان

شخصی به محضر مبارک پیامبر اسلام ﷺ رفت و عرض کرد اوصینی: « مرا راهنمایی و موعظه کن.» پیامبر فرمود: اِحْفَظ لِسَانَكَ: « زبان خود را کنترل کن. » او بار دیگر عرض کرد: اوصینی، پیامبر ﷺ نیز همان جواب را داد. او بار سوم نیز تقاضای راهنمایی کرد، پیامبر ﷺ باز فرمود: « زبانت را کنترل کن.» گوئی او عرض کرد: « آیا این مسأله آنچنان مهم است که هر سه بار مرا تنها به آن توصیه و سفارش فرمودی؟ ». پیامبر ﷺ فرمود: « وای بر تو، عزیزم، آیا جز آثار زبان (بی کنترل) انسان را به صورت، در درون شعله‌های دوزخ می‌افکند؟! » بر همین اساس است که امیرمؤمنان علی (علیه السلام) در یکی از سخنان خود می‌فرماید: الْمُؤْمِنُ مُلْجَمٌ « انسان با ایمان، دهنه بر دهان دارد.»

## گنج‌های نیکویی

از امام باقر (علیه السلام) نقل شده است: چهار چیز از گنج‌های نیکویی است. کتمان حاجت و کتمان صدقه و کتمان درد و کتمان مصیبت.<sup>۲</sup>

مناسب است در این مقام قول احنف. احنف گوید: به عموی خود صعصعه شکایت بردم از دردی که داشتم. او مرا سرزنش نمود و فرمود: فرزند برادرم هرگاه مصیبتی و دردی بر تو وارد شد آن را به احدی مگوی زیرا آن شخص یا دوست تو است بدحال خواهد شد و یا دشمن تو که از شنیدن مصیبت مسرور خواهد گشت. هیچگاه به مخلوق درد خود را عرضه مدار. فرزند برادرم مدت چهل سال است یکی از دو

۱- تحف العقول، ص ۴۵.

۲- منتهی الامال، ج ۲، ص ۲۱۰.

چشم من بینایی خود را از دست داده است در این مدت به احدی آن را نگفتم حتی همسرم.<sup>۱</sup>

### روش برخورد با دشمن

قالَ عَلِيُّ عَلَيْهِ السَّلَامُ: «إِذَا قَدَرْتَ عَلَى عَدُوِّكَ فَاجْعَلِ الْعَفْوَ عَنْهُ شُكْرًا لِلْقُدْرَةِ عَلَيْهِ...»<sup>۲</sup> درود خدا بر او فرمود: اگر بر دشمن دست یافتی، بخشیدن او را شکرانه پیروزی قرار بده.

### مدیریت

خطاب امام علی (علیه السلام) به بعضی از فرماندارانش: «... وَ اَخْلِطِ الشَّدَّةَ بَضْعًا مِنْ اللَّيْنِ» سخت گیری و شدت عمل را با نرمش درآمیز.<sup>۳</sup>

### روش زندگی با مردم

قال اميرالمؤمنين علي (عليه السلام): «خَالَطُوا النَّاسَ مُخَالَطَةً إِنْ مُتُّمْ مَعَهَا بَكُوا عَلَيْكُمْ وَ إِنْ عِشْتُمْ (غبتم) حَنَوُا إِلَيْكُمْ»<sup>۴</sup> درود خدا بر او فرمود: با مردم آنگونه معاشرت کنید، که اگر مُردید بر شما اشک ریزند، و اگر زنده ماندید، با اشتیاق سوی شما آیند.

۱- منتهی الامال، ج ۲، ص ۱۵۹.

۲- نهج البلاغه، ح ۱۱، ص ۶۲۵.

۳- همان، نامه ۴۶۰.

۴- نهج البلاغه، ح ۱۰، ص ۶۲۴.

یاد داری که وقت زادن تو همه خندان بُدند و تو گریان  
آن چنان زی که وقت مُردن تو همه گریان بُوند و تو خندان

### شش خصلت دشمن شکن

گویند روزی پیغمبر اکرم ﷺ از راهی می گذشت شیطان را دید که خیلی ضعیف و لاغر شده از او پرسید چرا اینقدر ضعیف گشته ای؟ گفت: یا رسول الله از دست امت تو رنج می برم و در زحمت هستم. پیغمبر فرمود: مگر امت من با تو چه می کنند که رنج می بری؟ گفت: یا رسول الله شش خصلت دارند که من نمی توانم این شش خصلت را در آن ها ببینم:

اول- هر کجا می رسند سلام می کنند.

دوم- با هم مصافحه می کنند.

سوم- از برای هر کاری که می خواهند بکنند انشاء الله می گویند.

چهارم- استغفار می کنند، و با گفتن این جمله سعی مرا باطل می کنند.

پنجم- هر وقت نام مبارک تو را می شنوند بر تو صلوات می فرستند.

ششم- در ابتدا هر کاری که می خواهند انجام دهند بسم الله الرحمن الرحیم

می گویند.<sup>۱</sup>

### پرهیز از فحش

قال امیرالمؤمنین علیه السلام: «إِحْذِرْ فُحْشَ الْقَوْلِ وَ الْكِذْبَ فَإِنَّهُمَا يُزْرِيانِ بِالْقَاتِلِ؛

از فحاشی و دروغگویی بپرهیزید، زیرا این دو گوینده اش را کوچک می سازد.»<sup>۲</sup>

۱- کشکول منتظری یزدی، ج ۲، ص ۳۲۲.

۲- غررالحکم و دررالکلم، ج ۵، ص ۱۴۳.



## خیر دنیا و آخرت

قال امیرالمؤمنین علی (علیه السلام): «أَرْبَعٌ مَنْ أُعْطِيَهُنَّ أُعْطِيَ خَيْرَ الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ صَدَقَ الْحَدِيثَ وَآدَاءُ الْأَمَانَةِ وَعَقَّةُ بَطْنٍ وَحُسْنُ خُلُقٍ؛ حضرت علی (علیه السلام) فرمودند: چهار چیز است که به هر کس داده شود خیر دنیا و آخرت به او داده شده است. راستگویی، ادای امانت، پاک داشتن شکم (از حرام) و نیک خویی.»<sup>۱</sup>

## تعجب امام صادق (علیه السلام) از چهار چیز

امام صادق (علیه السلام) می فرمایند: در شگفتم برای کسی که از چهار چیز بیم دارد. چگونه به چهار چیز پناه نمی برد؟

در شگفتم برای کسی که ترس بر او غلبه کرده، چگونه به ذکر «حسبنا الله و نعم الوکیل» پناه نمی برد. زیرا به تحقیق شنیدم که خداوند عزوجل به دنبال ذکر یاد شده فرمود: پس (آن کسانی که به عزم جهاد خارج گشتند و تخویف شیاطین در آن ها اثر نکرد و به ذکر فوق تمسک جستند) همراه با نعمتی از جانب خداوند (عافیت) و چیزی زائد بر آن (سود در تجارت) بازگشتند و هیچ گونه بدی به آنان نرسید.

در شگفتم برای کسی که اندوهگین است، چگونه به ذکر «لا اله الا انت سبحانک انی کنت من الظالمین» پناه نمی برد. زیرا به تحقیق شنیدم که خداوند عزوجل به دنبال ذکر فوق فرمود: پس ما (یونس را در اثر تمسک به ذکر یاد شده) از اندوه نجات دادیم و همین گونه مؤمنین را نجات می بخشیم.

در شگفتم برای کسی که مورد مکر و حیله واقع شده، چگونه به ذکر «افوض امری الی الله ان الله بصیر بالعباد» پناه نمی برد. زیرا به تحقیق شنیدم که خداوند

عزوجل به دنبال ذکر فوق فرمود: پس خداوند (موسی را در اثر ذکر یاد شده) از شر و مکر فرعونیان مصون داشت.

در شگفتم برای کسی که طالب دنیا و زیبایی‌های دنیاست، چگونه به ذکر «  
 ماشاء الله لا قوة الا بالله» پناه نمی‌برد. زیرا به تحقیق شنیدم که خداوند عزوجل  
 بعد از ذکر یاد شده (از زبان مردی که فاقد نعمت‌های دنیوی بود، خطاب به مردی  
 که از آن نعمت‌ها بهره‌مند بود) فرمود: اگر تو مرا به مال و فرزند، کمتر از خود  
 می‌دانی، پس امید است خداوند مرا بهتر از باغ تو بدهد ...<sup>۱</sup>

### مقام رضا و تسلیم و معصیت نکردن

از پیغمبر اکرم ﷺ روایت شده «روز قیامت که می‌شود، خداوند به گروهی از  
 امت من، بال و پر می‌دهد که از قبرها، به سوی بهشت پرواز کنند و در فضای  
 بهشت، آزاد باشند و هرگونه که می‌خواهند متنعم گردند (از نعمت‌های خدا بهره‌مند  
 گردند) فرشتگان، از آن‌ها می‌پرسند «آیا شما حسابرسی الهی را دیدید؟» می‌گویند  
 «نه» دوباره می‌پرسند: «آیا از صراط گذشتید؟» آن‌ها در جواب می‌گویند «صراطی  
 را مشاهده نکردیم» باز سؤال می‌کنند «آیا جهنم را دیدید؟» و آن‌ها در جواب  
 می‌گویند: «چیزی را ندیدیم» می‌گویند «شما، از کدامین امت هستی؟» می‌گویند  
 «از امت محمد ﷺ» فرشتگان می‌گویند: «شما را به خدا سوگند! بگوئید که اعمال  
 شما در دنیا، چه بوده که این همه مقام پیدا کرده‌اید؟ آن‌ها در پاسخ می‌دهند، «دو  
 خصلت، در ما بود که خداوند به فضل و رحمتش ما را به این درجه رساند.» و سؤال  
 می‌کنند: «این دو خصلت چه بود؟» و آن‌ها می‌گویند: «كُنَّا إِذَا خَلَوْنَا نَسْتَحْيَ أَنْ

۱- من لایحضره الفقیه، ج ۴، ص ۳۹۲.

نُصِيهٍ وَ فَرَضِي بِالْيَسِيرِ مِمَّا قُسِّمَ لَنَا « ما در خلوت نیز، حیا می‌کردیم که معصیت خدا کنیم و به مقدار کمی که از دنیا قسمت ما بود، راضی بودیم.» فرشتگان می‌گویند: «حَقَّ لَكُمْ» این مقام والا حق شماست.<sup>۱</sup>

## برنامه زندگی خود را بر چه بنا کردید؟

حدیثی از امام صادق (علیه السلام):

آرام شدم، حیا کردم، تلاش کردم و مهیا شدم از امام صادق (علیه السلام) پرسیدند برنامه زندگی خود را بر چه بنا کردید؟ فرمودند: بر چهار اصل:

۱. دانستم که کار مرا دیگری انجام نمی‌دهد، پس تلاش کردم؛
۲. و دانستم که خدا مرا می‌بیند، پس حیا کردم؛
۳. و دانستم رزق مرا دیگری نمی‌خورد، پس آرام شدم؛
۴. و دانستم که پایان کارم مرگ است، پس مهیا شدم.<sup>۲</sup>

## سرزنش خود

رسول خدا ﷺ فرمودند: هشت نفرند که اگر مورد اهانت قرار گرفتند، جز خودشان کس دیگری را سرزنش نکنند:

- ۱- کسی که به مهمانی و سفره‌ای رود که دعوت نشده است.
- ۲- مهمانی که به صاحب‌خانه دستور دهد.
- ۳- کسی که از دشمنانش خیر و نیکی بطلبد.

۱- بحار الانوار، ج ۱۰۰، ص ۴۵

۲- بحار الانوار، ج ۷۵، ص ۲۲۸

۴- کسی که از فرومایگان انتظار فضل و نیکی داشته باشد.  
 ۵- کسی که در یک کار سرّی میان دو نفر وارد شود که او را وارد آن راز نکرده‌اند.

۶- کسی که حکومت را سبک بشمارد.  
 ۷- کسی که جایی نشیند که شایسته آنجا نیست.  
 ۸- کسی که سخن خود را به کسی بگوید که از او حرف شنویی ندارد.<sup>۱</sup>

### حکمت و پند بزرگ

حواریون و یاران مخصوص و شیفته حضرت عیسی علیه السلام روزی در محضر عیسی علیه السلام بودند، و به آن حضرت رو کردند و عرض کردند: «ای آموزگار سعادت! به ما بیاموز که سخت‌ترین چیزها چیست؟»  
 عیسی - «سخت‌ترین چیزها، خشم خداست.»  
 حواریون - چگونه از خشم خدا، در امان بمانیم؟  
 عیسی - «به همدیگر خشم نکنید تا مشمول خشم خداوند نشوید.»  
 حواریون - ریشه و منشأ خشم انسان چیست؟  
 عیسی - «ریشه خشم انسان، تکبر و خودخواهی و حقیر شمردن مردم است.»<sup>۲</sup>

<sup>۱</sup> . من لایحضره الفقیه ، ج ۴ ، ص ۳۵۵ .

<sup>۲</sup> - سفینة البحار ، ج ۲ ، ص ۳۱۸

## تجسم اعمال چهره نورانی ولایت

ابوبصیر که از شاگردان معروف امام صادق و امام باقر (علیهم السلام) است نقل می‌کند: وقتی بنده مؤمن، وارد قبر و برزخ می‌شود. شش چهره نورانی نیز با او وارد می‌شوند در بین این شش صورت یکی از همه نورانی‌تر، پربهاتر و زیباتر است. یکی از آن‌ها طرف راست او در قبر قرار می‌گیرد، دیگری طرف چپ، سومی روبرو، چهارمی پشت سر و پنجمی نزدیک پاهای او. سپس آن که از همه نورانی‌تر است بالای سر او می‌ایستد.

این شش صورت در برابر هر گونه حادثه و مشکلی که بخواهد به او آسیب برساند از وی حمایت می‌کنند. اگر از طرف راست این مؤمن بخواهد به وی آسیب برسد آن که طرف راست اوست حفظش می‌کند، نیز از طرف چپ، روبرو، پشت سر، زیر پا، بالای سر. آنگاه معارفه‌ای در همان برزخ بین این صورت‌های نورانی برقرار می‌شود و یکدیگر را معرفی می‌کنند.

آن که از همه نورانی‌تر است از دیگران می‌پرسد که شما کیستید؟ خدا جزای خیر به شما بدهد؟ آن که طرف راست این بنده مؤمن است می‌گوید: من نماز او هستم.

حضرت فرمود: آن صورت نورانی که طرف راست قرار می‌گیرد باطن و حقیقت نماز است. و آن صورتی که طرف چپ اوست می‌گوید: من زکات او هستم. (زکات واجب و مستحب و صدقات).

آن نوری که پایین پای اوست می‌گوید: من نیکی‌هایی هستم که او به برادران مؤمن روا داشته است خیری که به دیگران رسانده به صورت نورانی مجسم شده و پایین پای انسان قرار می‌گیرد که از آن طرف به انسان گزند وارد نشود.

آن صورت نورانی که روبروی او ایستاده می‌گوید: من روزه او هستم. روزه هم به صورت نورانی در قبر، جلو او قرار می‌گیرد. و آن صورت که پشت سر اوست نمی‌گذارد از پشت سر به او آسیبی برسد. و می‌گوید: من حج و عمره او هستم. آنگاه این پنج نفر که خود را معرفی کردند از صورتی که بالای سر مؤمن ایستاده سؤال می‌کنند، تو کیستی که از همه ما نورانی‌تر هستی؟ می‌گوید: من ولایت خاندان پیغمبرم «انا الولایة لآل محمد صلوات الله علیهم اجمعین...»<sup>۱</sup>.

## فضایل آیه الکرسی

### آیه الکرسی با عظمت ترین آیات قرآن

پیامبر اکرم ﷺ آیه الکرسی را با عظمت ترین و سید آیات قرآن کریم دانسته است. ائمه معصومین علیهم السلام در روایت به طور گسترده و در زمان‌ها و مکان‌های گوناگون به تلاوت آن سفارش کرده‌اند و آن را همواره مانند تابلوی زیبایی فرا روی انسان قرار داده‌اند.

حضرت امام علی علیه السلام فرمودند: بر مسلمان لازم است که شب را به پایان نیاورد مگر آن که آیه الکرسی را بخواند و اگر می‌دانستید آیه الکرسی چیست هرگز آن را رها نمی‌کردید.

۱- حکمت عبادت، آیت الله جوادی آملی. بحارالانوار، ج ۶.

### آیه الکرسی و گنجینه ای در زیر عرش

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله به من فرمود: « آیه الکرسی » از گنجینه‌ای در زیر عرش به من عطا شده است و قبل از من به هیچ پیغمبری چنین عطایی نشده است . سپس فرمود: « از وقتی این مطلب را از پیامبر صلی الله علیه و آله شنیدم در تمام شب‌ها آن را خواندم و هرگز آن را ترک نکردم. »<sup>۱</sup>

### آیه الکرسی و مبارکی سفر

امام موسی بن جعفر علیه السلام فرمودند: هر فردی که می‌خواهد سفر برود به طرف در بایستد و سه مرتبه آیه الکرسی را به طرف راست ، چپ و مقابل خود بخواند و این موجب حفظ و دفع بدی‌ها و پریشانی می‌شود.<sup>۲</sup>

### آیه الکرسی و اهدای ثواب به مردگان

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمودند: هر وقت شخصی آیه الکرسی بخواند و بر اهل قبور اهدا کند، خداوند از هر حرف آن ملکی می‌آفریند که تا قیامت بر آن شخص تسبیح می‌کند.<sup>۳</sup>

۱- بحارالانوار، ج ۷۹، ص ۶۳ .

۲- بحارالانوار ، ج ۷۹، ص ۶۴

۳- همان .

## قرائت آیه الکرسی در وقت خوابیدن

حضرت علی (علیه السلام) فرمودند: پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) مرا خواست و فرمود: آن گاه که به بستر خواب رفتی بسیار استغفار کن و صلوات بفرست و زیاد قل هو الله (سوره توحید) را بخوان که نور قرآن است و برتو باد قرائت آیه الکرسی که در هر حرف آن هزار برکت و هزار رحمت است.<sup>۱</sup>

## قرائت آیه الکرسی هنگام خروج از خانه

پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) به حضرت علی (علیه السلام) فرمودند: آن گاه که از منزل در پی حاجتی بیرون شدی آیه الکرسی تلاوت کن، زیرا موجب برآورده شدن حاجت می شود.<sup>۲</sup>

## اهمیت صله رحم

امام صادق (علیه السلام) می فرماید: صله رحم اعمال را پاک می کند، اموال را رشد می دهد، بلا و مصیبت را دور می کند، حساب را برای انسان در روز قیامت آسان می کند، اجل را تأخیر می اندازد.<sup>۳</sup>

## صله رحم و طول عمر

امام رضا (علیه السلام) می فرماید: صله رحم عمر سه ساله را سی سال می کند و قطع رحم عمر سی و سه ساله را سه ساله می کند.<sup>۴</sup>

۱- همان .

۲- همان .

۳- بحارالانوار، ج ۷۱، ص ۱۲۱ .

۴- همان .



## بهشت مشتاق صاحب چهار عمل

قال رسول الله ﷺ: « إِنَّ الْجَنَّةَ مُشْتَاقَةٌ إِلَى أَرْبَعَةِ نَفَرٍ؛ إِلَى مُطْعِمِ الْجِيعَانَ، وَ

حَافِظِ اللِّسَانَ، وَ تَالِيِ الْقُرْآنِ، وَ صَائِمِ شَهْرِ رَمَضَانَ »<sup>۱</sup>.

پیامبر اکرم ﷺ: بهشت مشتاق چهار نفر است:

- ۱- کسی که به گرسنگان غذا دهد.
- ۲- کسی که مواظب زبان است.
- ۳- کسی که قرآن تلاوت می‌کند.
- ۴- کسی که در ماه رمضان روزه می‌گیرد.

## کنترل خشم

امام صادق (علیه السلام) از پدر خویش - باقر العلوم (علیه السلام) - نقل کرده است: مردی صحرا نشین نزد پیامبر ﷺ آمد و گفت: « من صحرا نشینم ( و چون در شهر نیستم تا همیشه از شما استفاده کنم ) مطلبی به من بیاموزید که جامع باشد ». پیامبر ﷺ به او فرمود: « تو را امر می‌کنم که خشم خود را کنترل کنی! » مرد صحرا نشین دوباره درخواستش را اظهار کرد. تا سه مرتبه. و پیامبر ﷺ نیز همان پاسخ را به او یادآور شد تا اینکه مرد بادیه نشین لحنی تأمل کرد و به فکر فرو رفت و پس از آن گفت: « دیگر از چیزی سوال نخواهم کرد », یعنی اهمیت سخن پیامبر ﷺ را دریافتم؛ فرمان پیامبر ﷺ جز فرمان به خیر و ارزش نیست. امام صادق (علیه السلام) در ادامه این بحث یادآور شد که پدرم همیشه این نکته را متذکر می‌شد: « چه چیزی ویرانگرتر

از غضب است، زیرا فرد خشمگین می‌شود و در حال خشم انسان بی‌گناه را می‌کشد و زن پاکدامنی را نسبت ناروا می‌دهد.<sup>۱</sup>

### در نهی از اسراف و نشانه کمترین اسراف

امام صادق (علیه السلام) فرمودند: کمترین اسراف دور ریختن مانده آب و استفاده نا بجا از لباس مهمانی و دور افکندن هسته خرماست.<sup>۲</sup>  
در ایران اگر نفری دو دانه برنج دور ریخته شود سالانه برنج دور ریز ۱۵ تریلی می‌شود.

### روزی فقط یک دانه برنج

آیا تا به حال فکر کرده‌ایم که اگر روزی ما فقط یک دانه برنج دور بریزیم (که متأسفانه بیشتر از این دور می‌ریزیم) در سال چقدر می‌شود؟ چند گرسنه با این میزان برنج هدر رفته قابل سیر شدن می‌باشد؟ توضیح زیر نشان دهنده این واقعیت تلخ می‌باشد (جمعیت کشور ۷۰ میلیون نفر در نظر گرفته شده است)

برنج دور ریز در هر روز ← ۷۰۰۰۰۰۰۰ دانه

که حدود ۷ تن می‌شود

(هر ۱۰۰۰۰ دانه برنج معادل یک کیلو برنج می‌باشد)

برنج دور ریز در هر ماه (۳۰ روز) ← (تن)  $210 \approx 7 \times 30$

برنج دور ریز در هر سال ← (تن)  $2520 \approx 12 \times 210$

۱- الکافی، ج ۲، ص ۳۰۳.

۲- الکافی، ج ۲، ص ۱۲۲ - مفاتیح الحیاة، ص ۶۳۰.

## عذاب قبر و ضایع کردن نعمت ها

قال رسول الله (ص): «ضَغْطَةُ الْقَبْرِ الْمُؤْمِنِ كَفَّارَةٌ لِمَا كَانَ مِنْهُ مِنْ تَضْيِيعِ النَّعْمِ؛ پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمودند: فشار قبر مومن كفاره ضایع کردن نعمت های الهی است.»<sup>۱</sup>

## نتایج اعمال

شخصی به حضور پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله مشرف شد و عرض کرد: به من عملی بیاموز که آن را انجام دهم، شش نتیجه ببرم:

- ۱- خدا مرا دوست بدارد.
  - ۲- مردم مرا دوست بدارند.
  - ۳- اموالم زیاد شود.
  - ۴- بدنم سالم شود.
  - ۵- عمرم طولانی گردد.
  - ۶- در روز قیامت با تو محشور گردم.
- پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود: تو خواهان شش موضوع هستی، باید برای به دست آوردن هر یک، یک عملی انجام دهی .

اگر می خواهی خدا تو را دوست داشته باشد، از او بترس و پرهیزکار باش!

اگر می خواهی مردم تو را دوست بدارند، طمع به اموال آنها نداشته باش!

اگر می خواهی ثروتت زیاد شود، زیاد صدقه بده!

اگر می خواهی تندرست باشی زیاد روزه بگیر!

اگر می خواهی عمرت طولانی شود، صله رحم و پیوند با خویشاوندان داشته باش!

اگر می خواهی در روز قیامت با من محشور گردی، بسیار در پیشگاه یگانه قهار، سجد کن!<sup>۱</sup>

### سه خصلت در مومن حقیقی

امام رضا (علیه السلام) فرمود: مومن تا سه خصلت نداشته باشد، مومن حقیقی نیست که عبارتند از: ۱- سنتی از پروردگار ۲- سنتی از پیغمبرش ۳- سنتی از امامش اما سنت و خصلت خدا پرده پوشی (راز داری) است ..... و اما سنت پیغمبرش خوشرفتاری و مدارا کردن با مردم است .... و اما سنت امامش صبر کردن در سختی و پریشانی است<sup>۲</sup>

### نافرمانی خدا در نظر امام علی (علیه السلام)

«... وَاللَّهِ لَوْ أُعْطِيَ الْأَقَالِيمَ السَّبْعَةَ بِمَا تَحْتَ أَفْلَاقِهَا عَلَى أَنْ أَعْصِيَ اللَّهَ فِي نَمَلَةٍ أُسْلِبُهَا جُلْبَ شَعِيرَةٍ مَا فَعَلْتُهُ...»<sup>۳</sup>

به خدا سوگند، اگر هفت اقلیم را با آنچه در زیر آسمان هاست به من دهند تا خدا را نافرمانی کنم که پوست جوی را از مورچه ای نا روا بگیرم، چنین نخواهم کرد!

۱- پندهای جاویدان، ص ۶۲۰.

۲- اصول کافی، ج ۲، ص ۲۴۱- عیون اخبار الرضا، ج ۱، ص ۲۵۶

۳- نهج البلاغه، خطبه ۲۵۵.

فصل سوم

گلچین داستان‌های دل‌انگیز

« إِنَّ فِي ذَٰلِكَ لَعِبْرَةً لِّأُولِي الْأَبْصَارِ »

البتّه بدين آيت الهى اهل بصيرت اعتبار جويند.

سورة مبارکه آل عمران / ۱۳



## پیشگفتار

از جمله روش‌هایی که قرآن کریم برای ترغیب انسان به دینداری و ارشاد و هدایت به کار برده است روش قصّه و داستان است. هدف از نگارش این بخش بیان گوشه‌ای از نکات زندگانی انسان‌هایی که نمونه و اسوه هستند و درس گرفتن از زندگانی آن‌هاست، در این داستان‌ها نکات ارزشمندی وجود دارد که برای دنیا و آخرت انسان سودمند و مفید است. کمک و انگیزه‌ای برای خودسازی می‌باشد و سبک زندگی اسلامی ما را تقویت می‌نماید، مطالعه قصه‌های انسان‌های بزرگ برای ایجاد انگیزه مثبت و تقویت ایمان انسان کارساز و سودمند است. این داستان‌ها از ده‌ها کتاب معتبر و ارزشمند گلچین شده است امید است انشاء الله مورد استفاده علاقمندان قرار گیرد. البته سه مورد داستان در میان این‌ها ذکر شده است که صاحب داستان عاقبت به خیر نشده این سه داستان برای عبرت بیان شده است.

داستان‌های اخلاقی با موضوعات متعدد و گوناگون از مردان بزرگ که اثر تربیتی و سازنده دارد و روح امید و پیشرفت را زنده نموده و موجب پیمودن پله‌های ترقی و کمال و سعادت انسان می‌شود.

چنانچه هر گلی بوی خوش و مخصوص خودش را دارد قصه‌های گلچین شده از گلستان معرفت و بصیرت و خُلق زیبای انسانیت نیز هر کدام برای ما اُفق روشنی

از شیوه‌های نیکو زیستن و تکمیل و تکریم کرامت‌های اخلاق و سرافرازی را به ما یاد می‌دهند.

### محبت خدا به بندگان

روزی شخصی از بیابان به سوی مدینه می‌آمد، در راه دید پرنده‌ای به سراغ بچه‌های خود به لانه رفت، آن شخص کنار لانه رفت و جوجه‌ها را گرفت و به عنوان هدیه نزد پیامبر اکرم ﷺ آورد.

وقتی به حضور پیامبر ﷺ رسید، جوجه‌ها را نزد آن حضرت گذاشت. در این هنگام جمعی از اصحاب حاضر بودند، ناگاه دیدند مادر جوجه‌ها بی آن که از مردم بترسد خود را روی جوجه‌ها انداخت.

پیامبر ﷺ به حاضران فرمودند: محبت این پرنده را نسبت به جوجه‌هایش درک کردید، پس بدانید خداوند هزار برابر نسبت به بندگانش محبت و علاقه دارد.<sup>۱</sup>

### افطاری

آنس بن مالک سال‌ها در خانه‌ی رسول خدا ﷺ خدمتکار بود و تا آخرین روز حیات رسول خدا ﷺ این افتخار را داشت. او بیش از هر کس دیگر به اخلاق و عادت شخصی رسول اکرم آشنا بود. آگاه بود که رسول خدا ﷺ در خوراک و پوشاک چقدر ساده و بی‌تکلف زندگی می‌کند. در روزهایی که روزه می‌گرفت همه افطاری و سحری او عبارت بود از مقداری شیر یا شربت و مقداری ترید ساده. گاهی

۱- هزار و یک حکایت اخلاقی، ص ۷۰۴.



برای افطار و سحر جداگانه این غذای ساده تهیه می‌شد و گاهی به یک نوبت غذا اکتفا می‌کرد و با همان روزه می‌گرفت.

یک شب طبق معمول، انس بن مالک مقداری شیر یا چیز دیگر برای افطاری رسول اکرم آماده کرد، اما رسول اکرم ﷺ آن روز وقت افطار نیامد. پاسی از شب گذشت و آن حضرت مراجعت نفرمود. انس مطمئن شد که رسول اکرم ﷺ خواهش بعضی از اصحاب را اجابت کرده و افطاری را در خانه‌ی آنان خورده است؛ از اینرو آنچه تهیه دیده بود، خودش خورد. طولی نکشید که رسول اکرم ﷺ به خانه بازگشت. انس از یک نفر که همراه حضرت بود پرسید: ایشان امشب کجا افطار کردند؟ پاسخ شنید که پیامبر ﷺ هنوز افطار نکرده‌اند. بعضی گرفتاری‌ها پیش آمد و آمدن‌شان دیر شد و هنوز گرسنه‌اند.

انس از کار خود یک دنیا پشیمان و شرمسار شد؛ زیرا پاسی از شب گذشته بود و تهیه چیزی ممکن نبود. منتظر بود رسول اکرم ﷺ از او غذا بخواهد و او از کرده‌ی خویش معذرت خواهی کند اما از آن سو رسول اکرم ﷺ از قرائن و احوال فهمید چه شده است؛ لذا نامی از غذا نبرد و گرسنه به بستر رفت.

انس می‌گوید: رسول خدا ﷺ تا زنده بود موضوع آن شب را بازگو نکرد و به روی من نیاورد.<sup>۱</sup>

۱- هزار و یک حکایت اخلاقی، دفتر دوم، ص ۳۷۴ - داستان راستان، ج ۲، ص ۱۲۷-۱۲۶.

## پدر یتیمان

پیامبر عظیم الشان اسلام ﷺ روزی برای ادای نماز عید (قربان یا فطر) از منزل خارج شد. دید بچه‌ها با همدیگر بازی می‌کنند ولی در کنار آنها، بچه‌ای که لباس کهنه و پاره پاره بر تن دارد، گریه می‌کند.

حضرت نزد او آمد و فرمود: « مَا لَكَ تَبْكِي وَ لَا تَلْعَبُ مَعَ الصَّبِيَانِ؟: چرا گریه می‌کنی و با بچه‌ها بازی نمی‌کنی. »

بچه، که آن حضرت را نمی‌شناخت، عرض کرد: ای مرد! به من کار نداشته باش، پدرم در فلان جنگ اسلامی مرده است، مادرم با شوهر دیگری ازدواج نموده، مال مرا خوردند و مرا از خانه خود بیرون کرده‌اند، نه غذا دارم نه آب و نه لباس و نه خانه‌ای که به آن پناه ببرم. چون دیدم بچه‌ها با کمال شادمانی با همدیگر بازی می‌کنند، پدر دارند، خانه و کاشانه‌ای دارند، غم و مصیبت من تازه شد از اینرو گریه‌ام گرفت.

رسول خدا ﷺ دست آن کودک را گرفت و به او فرمود: « أَمَا تَرْضَى أَنْ أَكُونَ لَكَ أَبًا، وَ فَاطِمَةُ أُخْتًا وَ عَلِيٌّ عَمًّا، وَ الْحَسَنُ وَ الْحُسَيْنُ أَخَوَيْنِ؟: آیا راضی نیستی که من پدر تو و دخترم فاطمه، خواهر تو و علی عموی تو و حسن و حسین برادران تو باشند؟ »

**یتیم:** چگونه راضی نیستم ای رسول الله؟

پیغمبر اکرم ﷺ او را به سوی خانه برد و لباس نو و نظیف به او پوشانید، و غذا به او داد و به طور کامل موجب خوشحالی او شد. کودک یتیم، با لب‌های خندان از خانه بیرون آمد و به سوی بچه‌ها دوید.

**بچه‌ها:** تو الان گریه می‌کردی، چطور شد که اکنون، خندان و شادمان هستی؟  
**یتیم:** من گرسنه بودم؛ سیر شدم، برهنه بودم؛ لباس نو به تن کردم، یتیم و بی‌پدر بودم؛ پدری چون رسول خدا ﷺ، خواهری چون فاطمه زهرا (علیها السلام) عمویی چون علی (علیه السلام) و برادرانی چون حسن و حسین پیدا کردم.  
**بچه‌ها:** کاش پدران ما همه در این جنگ کشته می‌شدند و چنین افتخاری که نصیب تو شده است، نصیب ما می‌شد.

این بچه، به سرپرستی رسول خدا ﷺ زندگانی را ادامه داد تا اینکه آن حضرت رحلت نمود؛ هنگامی که خبر رحلت آن حضرت به بچه رسید، گویی آسمان بر سرش خراب گردید از خانه بیرون آمد، ناله و فریادش بلند شد. خاک بر سر می‌ریخت و می‌گفت: «الآن صِرْتُ يَتِيمًا ... الآن صِرْتُ غَرِيبًا : اینک یتیم شدم، غریب گشتم. « بعضی از صحابه، سرپرستی او را قبول کردند.<sup>۱</sup>

### عرش خدا به علی (علیه السلام) عاشق شده است

قتاده در تفسیر آیه: « و تری الملائكة حافين من حول العرش »<sup>۲</sup> از انس بن مالک نقل کرده که گوید: رسول خدا ﷺ فرمود: در شب معراج در زیر عرش خدا به پیش رویم نگاه کردم، دیدم علی بن ابیطالب (علیه السلام) جلو من ایستاده و در زیر عرش خدا مشغول تسبیح و تقدیس خداست.

تعجب کرده و گفتم: یا جبرئیل علی بن ابیطالب پیشتر از من به اینجا آمده است؟! گفت: نه، ولی بدان یا محمد خدای عز و جل به علی بن ابیطالب در فوق

۱- پندهای جاویدان، ص ۱۰۱-۱۰۲.

۲- سوره مبارکه زمر / ۷۵.

عرش خدا بسیار ثنا گفته و رحمت می فرستد، لذا عرش خدا مشتاق علی بن ابیطالب گردید، خداوند این ملک را در صورت و قیافه‌ی علی آفرید تا عرش به آن تماشای کرده و شوقش آرام گیرد و خداوند ثواب تسبیح و تقدیس و تمجید این ملک را مخصوص شیعه‌ی اهل بیت تو کرده است ...<sup>۱</sup>

### از فضائل و مناقب امیرالمؤمنین (علیه السلام)

در اثبات الوصیة نقل شده که روزی علی (علیه السلام) در بالای منبر مسجد کوفه بود که ناگاه مردم دیدند اژدهایی از درب مسجد پیدا شد و اهل مسجد از ترس فرار نمودند حضرت به آنها فرمودند نترسید این اژدها با من کار دارد راه دهید تا اینکه جلو آید چون مردم راه را باز کردند آن اژدها آمد تا اینکه از منبر بالا رفت و حضرت سر مبارک را به زیر آوردند و با آن اژدها سخن زیاد گفتند بعد آن اژدها به زیر آمد و از درب مسجدی که آمده بود خارج شد مردم از آن حضرت داستان اژدها را سؤال کردند فرمود این یکی از رؤسای اجنه بود که از طرف من به طایفه تبلیغ دین می کرد آنها را با یکدیگر آشتی می داد که در ما بین آنها اختلاف نباشد.

چون معاویه لعنت الله علیه وارد کوفه گردید و شنید که یکی از درهای مسجد کوفه را باب الثعبان می گویند جهت مشهور شدن آن در را به باب الثعبان سؤال کرد داستان اژدها را برای او نقل کردند، معاویه گفت: اگر اسم این در باب الثعبان یعنی در اژدها باشد هر کس از جهت آن سؤال می کند و ذکر معجزه علی در بین می آید، من تصمیم گرفته ام که در عالم نام و نشانی از فضائل علی باقی نگذارم لذا دستور

داد تا اینکه فیلی را آوردند و درب آن مسجد بستند تا اینکه آن درب را به باب الفیل معرفی نمایند و چند سال آن فیل در کنار آن در بسته بود تا اینکه آن درب معروف شد به باب الفیل، چنانچه فعلاً هم آن در به باب الفیل معروف است.<sup>۱</sup>

{ لازم به ذکر است هم اکنون بحمدلله در بالای درب مذکور مسجد کوفه نام (باب الثعبان) درج شده و دوباره به همین نام معروف شده است. }

### نمونه ای از کرم امام صادق (علیه السلام)

مردی در مسجد خوابیده بود و همراه خود همیانی (کیسه پول) داشت. از خواب بیدار شد و همیان خود را ندید. و در مسجد نیز غیر از امام صادق (علیه السلام) را نیافت، آن حضرت مشغول نماز بود، این مرد آمد نزد امام صادق (علیه السلام) و عرض کرد: «همیان من دزدیده شده و من غیر از تو را نمی بینم.»

**امام صادق (علیه السلام):** در همیان تو، چقدر پول بود؟

**صاحب همیان:** هزار دینار.

حضرت صادق (علیه السلام) به خانه خود رفته و هزار دینار آورد و به وی داد. هنگامی که او نزد دوستانش آمد، آنها به او گفتند: «همیان تو نزد ما است و ما با تو شوخی کردیم.»

صاحب همیان با شتاب به مسجد برگشت تا پول را به صاحبش برگرداند. در هنگام برگشت از مردم پرسید، آن شخص چه کسی بود؟ گفتند: او فرزند رسول خدا ﷺ حضرت جعفر بن محمد (علیه السلام) است.

۱- اسرار معراج پیامبر اکرم ﷺ، استاد علی گلپایگانی، ص ۳۱۱ و ۳۱۲.

او به جستجو پرداخت و حضرت را پیدا کرد، تا هزار دینار را به او برگرداند. ولی حضرت آن را قبول نکرد و فرمود: «هنگامی که ما از ملک خود چیزی را به کسی دادیم، دیگر آن را بر نمی‌گردانیم!»<sup>۱</sup>

### آقایی و بزرگواری ائمه علیهم‌السلام

در نزدیکی نجف اشرف، در محلّ تلاقی دو رودخانه فرات و دجله آبادی است به نام «مصیب» که مردی شیعه برای زیارت مولای متقیان امیرالمؤمنین علیه‌السلام از آنجا عبور می‌کرد و مردی از اهل سنت که در سر راه مرد شیعه خانه داشت همواره هنگام رفت و آمد او چون می‌دانست وی به زیارت حضرت علی علیه‌السلام می‌رود او را مسخره می‌کرد حتی یک بار به ساحت مقدس آقا جسارت کرد و مرد شیعه خیلی ناراحت شد. چون خدمت آقا مشرف شد خیلی بی‌تابی کرد و ناله زد که: تو می‌دانی این مخالف چه می‌کند.

آن شب آقا را در خواب دید و شکایت کرد آقا فرمود: او بر ما حقی دارد که هر چه بکند در دنیا نمی‌توانیم او را کیفر دهیم. شیعه می‌گوید عرض کردم آری، لابد به خاطر آن جسارت‌هایی که او می‌کند بر شما حق پیدا کرده است؟! حضرت فرمود: بلکه او روزی در محلّ تلاقی آب فرات و دجله نشسته بود و به فرات نگاه می‌کرد ناگهان جریان کربلا و منع آب از حضرت سید الشهداء علیه‌السلام به خاطرش افتاد و پیش خود گفت: عمر بن سعد کار خوبی نکرد که این‌ها را تشنه کشت، خوب بود به آنها آب می‌داد بعد همه را می‌کشت. و ناراحت شد و یک قطره اشک از چشم او ریخت، از این جهت بر ما حقی پیدا کرد که نمی‌توانیم او را جزا بدهیم.

۱- پندهای جاویدان، ص ۱۰۰-۱۰۱.

آن مرد شیعه می گوید: از خواب بیدار شدم، چون به محل مرد برگشتم، سر راه آن سنی با من برخورد کرد و با تمسخر گفت: آقا را دیدی و از طرف ما پیام رساندی؟! مرد شیعه گفت: آری پیام رساندم و پیامی دارم. او خندید و گفت: بگو چیست؟ مرد شیعه جریان را تا آخر تعریف کرد. وقتی رسید به فرمایش امام (علیه السلام) که وی به آب نگاهی کرد و به یاد کربلا افتاد و ... مرد سنی تا شنید سر به زیر افکند ولی به فکر فرو رفت و گفت: خدایا در آن زمان هیچ کس در آنجا نبود و من این را به کسی نگفته بودم آقا از کجا فهمید و بلافاصله مرد سنی گفت: « اشهد ان لا اله الا الله و ان محمداً رسول الله و ان علیاً امیر المؤمنین ولی الله و وصی رسول الله » و شیعه شد.<sup>۱</sup>

### خدمت به پدر و مادر و لطف سیدالشهداء (علیه السلام)

شهید بزرگوار آیت الله دستغیب ره می فرماید:

یکی از افراد مورد اعتماد و از اهل علم در نجف اشرف نقل کردند که مرحوم عالم زاهد شیخ حسین مشکور فرمود: در خواب دیدم که در حرم مطهر حضرت سیدالشهداء (علیه السلام) هستم، جوان عربی وارد حرم شد، با لبخند به حضرت سلام کرد، حضرت هم با لبخند جواب دادند، از خواب بیدار شده، فردا شب که شب جمعه بود به حرم مطهر مشرف شدم گوشه ای ایستادم، ناگاه دیدم همان عرب را که در خواب دیده بودم، وارد شد چون مقابل ضریح مقدس رسید با لبخند به آن حضرت سلام کرد، ولی حضرت سیدالشهداء را ندیدم، آن عرب را زیر نظر داشتم تا وقتی از حرم

۱- برگی از دفتر آفتاب، شرح حال آیه الله بهجت، ص ۲۰۴-۲۰۲.

بیرون آمد، دنبالش رفتم و خواب خود را پرسیدم، چه کرده‌ای که امام (علیه السلام) با لبخند به تو جواب می‌دهد؟

او گفت: من پدر و مادر پیری دارم و در چند فرسخی کربلا ساکن هستیم، شب‌های جمعه که برای زیارت می‌آییم، یک هفته پدرم را سوار بر الاغ کرده می‌آورم و هفته دیگر مادرم را، در یک شب جمعه که نوبت پدرم بود وقتی او را سوار کردم، مادرم گریه کرد و گفت: باید مرا هم ببری، شاید تا هفته دیگر من زنده نباشم. من گفتم: هوا سرد است، باران می‌بارد، مشکل است، اما مادرم قبول نکرد، به ناچار پدرم را سوار کردم و مادرم را به دوش کشیدم و با زحمت بسیار به حرم مطهر آمدیم، وقتی با آن حال با پدر و مادر وارد حرم شدم، حضرت سیدالشهداء را دیدم و سلام کردم، آن بزرگوار به رویم لبخند زد و جوابم را داد، و از آن موقع تا به حال هر شب جمعه که مشرف می‌شوم، حضرت را می‌بینم و با تبسم به من جواب می‌دهد.<sup>۱</sup>

## مراقبت از زبان

کربلایی احمد تهرانی (رحمة الله علیه)، که از اهل دل و معرفت بوده و بسیار مورد توجه و علاقه آیت‌الله بهاء‌الدینی (رحمة الله علیه) نیز بودند، نقل می‌کنند: «در کربلا، مدتی بود که حال معنوی خوبی نداشتم. لذا، با ناراحتی و کدورت، به حرم حضرت سیدالشهداء مشرف شده و با توسل عرض کردم که «یا ابا عبدالله، مدتی است که نمی‌توانم مانند گذشته در مصایب شما گریه کنم. علتش چیست؟» پاسخ

۱- اسرار عاشورا، ص ۱۶۲-۱۶۳ - داستانه‌های شگفت، ص ۱۷۷.



فرمودند: «تنها دلیلش این است که اختیار زبانت را از دست داده‌ای و هر چه پیش می‌آید، می‌گویی!»<sup>۱</sup>

### اوضاع خیلی بی‌ریخت

پسری در خانه خیلی شلوغ کرده بود. همه جا را به هم ریخته بود. وقتی پدر وارد شد، مادر شکایت او را به پدرش کرد. پدر که خستگی و ناراحتی بیرون را هم داشت، شلاق را برداشت. پسر دید امروز اوضاع خیلی بی‌ریخت است، همه‌ی درها هم بسته است، وقتی پدر شلاق را بالا برد، پسر دید کجا فرار کند؟ راه فراری ندارد! خودش را به سینه‌ی پدر چسباند. شلاق هم در دست پدر شل شد و افتاد. شما هم هر وقت دیدید اوضاع بی‌ریخت است به سوی خدا فرار کنید.»<sup>۲</sup> و فِرُوا إِلَى اللَّهِ مِنْ اللَّهِ « هر کجا متوحّش شدید راه فرار به سوی خداست.»<sup>۲</sup>

### رحم خدا

در کتاب حیاة الحیوان نوشته شده است: گوزن عاشق مار است و از خوردن گوشت مار لذّت می‌برد. گاهی در روزهای گرم تابستان آنقدر می‌دود تا به ماری برسد. آن‌گاه مار را گرفته و از سمت دُمش شروع به خوردن می‌کند. هوا گرم است، گوزن هم دویده و عرق کرده و گوشت مار هم گرم است، در نتیجه گوزن به شدت تشنه می‌شود و خودش را به آب می‌رساند.

<sup>۱</sup>. موعظه خوبان، ص ۲۴۶؛ «تأثیر غیبت»؛ مشاهده شده در: <http://serajnet.org>.

<sup>۲</sup>- شاموخ، ص ۱۹۲ - ویلیام، دیویت، حوادث بزرگ تاریخ.

خداوند به طور تکوینی به گوزن‌ها الهام کرده است که اگر در این هنگام آب بنوشند، سمّ مار که در بدن آنهاست، رقیق شده و آنها را به کشتن می‌دهد. بنابراین با این که تشنگی گوزن را به سختی آزار می‌دهد، از نوشیدن آب خودداری می‌کند؛ ولی از روی بیچارگی نعره و داد می‌زند و به خاطر فشاری که به خودش وارد می‌کند، اشک در چشمانش ظاهر می‌شود.

زیر چشمان گوزن، دو گودی کوچک قرار دارد که اشک‌ها در آن جمع شده، جامد و براق می‌شود. این اشک‌ها پادزهر و بسیار قیمتی هستند و علاج هر نوع مارگزیدگی‌اند.

خداوند دانا و حکیم با الهام تکوینی این درس را به گوزن‌ها آموخته است تا آن‌ها جان خود را از مرگ نجات دهند.

به راستی اگر لطف خدا نبود، گوزن‌ها چگونه می‌فهمیدند که باید از نوشیدن آب، خودداری کنند؟

جوان هم زمینه‌ی گناه برایش پیش بیاید، یک جا فشار نفس و فشار شهوت مثل فشار تشنگی گوزن است. می‌بیند اگر آب بخورد، باید بمیرد، مؤمن هم می‌بیند اگر گناه کند، راه جهنّم را باید پیش بگیرد. ای جوانی که می‌ترسی، می‌لرزی می‌بینی یک جا فشار شهوت، یک جا راه جهنّم، بگو یا الله! پناه به خدا ببر. اگر اشکت ریخت در آن حال قیمتی می‌شود. در آن حال بیچارگی و فشار گناه یک دفعه داد بزنی به حال زار خودت، دردت دوا می‌شود. دعای غریق بعد از نماز شب خیلی خوب است.

«فَيَاغُوْثَاهُ ثُمَّ وَاغُوْثَاهُ بِكَ يَا اللهُ مِنْ هُوَى قَدْ غَلَبَنِي وَمِنْ عَدُوٍّ قَدْ اسْتَكَلَبَ

عَلَى»<sup>۱</sup> ؛ یعنی: خدایا! به دادم برس، خدایا! سگ نفس به من حمله می کند و می خواهد مرا به سوی گناه بکشاند.<sup>۲</sup>

### حسنه ای که بارها تجربه کردم!

آیت الله العظمی سید شهاب الدین مرعشی نجفی (رحمة الله علیه) در پایان یکی از آثارش به فرزندش این گونه وصیت می کنند:

و او را وصیت می کنم به تلاوت قرآن شریف و هدیه کردن ثوابش به ارواح شیعیان آل رسول ﷺ که وارثی ندارند و یا [ وارثی دارند اما ] کسی که به یاد آنها باشد ندارند، چرا که من این حسنه را بارها تجربه کردم و آنچه پروردگارم مرا به آن موفق کرد به سبب این حسنه بود.<sup>۳</sup>

### موعظه

در زمان قدیم در ایران رسم بود که در اویش درب خانه ای اعیان پوست تخت انداخته در دائره طلب می نشستند، درویشی به در خانه « عین الدوله » بطلب نشست، هی می گفت « کار خوب است عین الدوله درست نماید » در همان وقت درویش دیگری مقابل وی نشست و می گفت « کار خوب است خدا درست کند » هر دو مدام ذکرشان این بود، چندی بدین منوال گذشت شبی عین الدوله بر حال آنها ترخم کرد بشقاب طعامی که در میان آن مرغی بود مبلغ زیادی اشرفی در شکم آن مرغ

۱- حاشیه مفاتیح الجنان، دعای حزین.

۲- هزار و یک حکایت اخلاقی، جلد دوم، ص ۶۲۹-۶۳۰.

۳- موعظه خوبان، ص ۲۳۸.

گذارد و امر کرد به فقیری که می‌گوید کار خوب است عین‌الدوله درست کند بدهند، نوکر بشقاب را نزد وی گذاشت و گفت ظرف را خالی کن، درویش کاسه خود را بیرون آورد و بشقاب خوراک را خالی کرد، از قضا آن شب درویش دلش به سختی درد گرفته بود و از خوراک و خواب محروم شده بود چون دید نمی‌تواند خوراک را بخورد، به درویش دیگری که می‌گفت کار خوب است خدا درست کند گفت طعامی برای من آورده‌اند اگر بخری به تو می‌فروشم، درویش قبول کرد و گفت «کار خوب است خدا درست کند» نیم قران داد و طعام را گرفت چون مشغول خوردن شد در شکم مرغ مشمت اشرفی را یافت، بروزش نداد قدری گذشت پوست تخت خود را برداشت و رفت، درویش اول، شب را صبح کرد، درد دلش تخفیف یافت باز مشغول ذکر سابق گردید عین‌الدوله از منزل بیرون می‌آمد خادم را طلبید گفت مگر طعام دیشب را به درویش ندادی؟ گفت چرا به همین درویش دادم، عین‌الدوله از درویش پرسید چرا دیگر نشسته‌ای آیا بشقاب خوراک را به تو دادند؟ گفت بلی و لکن مرا درد دل سختی عارض بود طعام را به درویش دیگر دادم، عین‌الدوله پرسید درویش دیگر کجا رفته بیاوریدش گفتند همان نیمه شب برخاست و رفت، عین‌الدوله گفت: بزیند این درویش را «کار خوب است خدا درست کند» عین‌الدوله کیست! <sup>۱</sup>

### امیدواری، شرط پیروزی

ابوجعفرانه از دانشمندان و علمای بزرگ اسلام است که در ثبات و استقامت

زبان زد می‌باشد.

وی می‌گوید: من استقامت را از یک حشره به نام جعرانه فرا گرفتم.

در مسجد جامع دمشق، کنار ستونی نشسته بودم. دیدم که این حشره، قصد دارد از روی سنگ صاف بالا برود و بالای ستون کنار چراغی بنشیند. من از سر شب تا نزدیکی های صبح در کنار ستون نشسته بودم و تلاش آن جانور را زیر نظر داشتم.

دیدم هفتصد بار تا میانه ستون بالا رفت هر بار لغزید و سقوط کرد. در حالی که از تصمیم و اراده آهنین این حشره، بسیار تعجب کرده بودم برخاستم وضو ساختم و نماز خواندم. بعد نگاهی به آن حشره کردم و دیدم بر اثر استقامت به آرزوی خود دست یافته و بالای ستون کنار آن چراغ نشسته است.<sup>۱</sup>

### ابوذر و مالکیت نفس

ابوذر غفاری از تربیت یافتگان مکتب اسلام و از اصحاب عالی قدر رسول خدا ﷺ بود. او در زمان عثمان پاره ای از اعمال ناروا و غیر مشروع را مورد انتقاد شدید قرار داد و در نتیجه حکومت وقت او را تبعید کرد.

یکی از روزهایی که در تبعید به سر می برد، مردی به او گفت: ابوذر! تو آن کسی هستی که فالانی تو را تبعید کرده است. اگر شخص خوبی می بودی تبعیدت نمی کرد!

۱- رمز پیروزی مردان بزرگ، استاد جعفر سبحانی، ص ۳۶.

ابوذر در جواب گفت: ای پسر برادرم! من منزل های سختی در پیش دارم. اگر از آنها نجات یابم، گفته تو به من زبانی نمی‌رساند و اگر نجات پیدا نکنم بدتر از آن هستم که تو به من گفتی! <sup>۱</sup>

## گل صداقت

شاهزاده‌ای در چین باستان تصمیم به ازدواج گرفت. او با مرد خردمندی مشورت کرد و تصمیم گرفت که تمام دختران جوان منطقه را دعوت کند تا از میان آنان دختری سزاوار را برگزیند. وقتی که خدمتکار پیر قصر ماجرا را شنید بشدت غمگین شد زیرا او می‌دانست که دخترش مخفیانه عاشق شاهزاده است. او این خبر را به دخترش داد. دخترش گفت که او هم به آن مهمانی خواهد رفت.

مادر گفت: «تو بختی نداری، نه ثروتمندی و نه خیلی زیبا.» دختر جواب داد: «می‌دانم هرگز مرا انتخاب نمی‌کند اما فرصتی است که دست کم برای یک بار هم که شده او را از نزدیک ببینم.» روز موعود فرارسید و شاهزاده به دختران گفت: «به هر یک از شما دانه‌ای می‌دهم، کسی که بتواند در عرض شش ماه زیباترین گل را برای من بیاورد ملکه آینده چین می‌شود.» آن دختر هم دانه را گرفت و در گلدانی کاشت. سه ماه گذشت و هیچ گلی سبز نشد. دختر با باغبانان بسیاری صحبت کرد و آنان راه گل‌کاری را به او آموختند. اما بی‌نتیجه بود و گلی نروید. روز موعود فرارسید دختر با گلدان خالیش منتظر ماند و دیگر دختران هر کدام با گل زیبایی به رنگ‌ها و شکل‌های مختلف در گلدان‌های خود حاضر شدند. شاهزاده هر کدام از

گلدان‌ها را با دقت بررسی کرد و در پایان اعلام کرد که دختر خدمتکار، همسر آینده او خواهد بود. همه اعتراض کردند که شاهزاده کسی را انتخاب کرده که در گلدانش هیچ گلی سبز نشده است. شاهزاده گفت: «این دختر تنها کسی است که گلی را به ثمر رسانده که او را سزاوار همسری امپراطور می‌کند؛ «گل صداقت» زیرا چیزی که به شما داده بودم دانه نبود بلکه سنگریزه بود. آیا امکان دارد گلی از سنگریزه بروید؟!»<sup>۱</sup>

### خدایا، با همه وجود غلط کردم!

استاد شیخ حسین انصاریان می‌گوید:

قبل از انقلاب، واعظ خیلی معروفی بود که هر جا منبر می‌رفت مردم زیادی پای منبرش می‌نشستند و مجلسش جای سوزن انداختن نداشت. خیلی هم به من محبت داشت و مرا زیاد به منزلش دعوت می‌کرد. آن وقت، ساعتی با هم می‌نشستیم و حرف می‌زدیم و گاهی درد دلی می‌کردیم. یک روز، خودش برای من تعریف می‌کرد که مرا به شهری برای سخنرانی دعوت کردند، ولی جای مناسبی نداشتند. لذا، یک زمین بسیار بزرگ چمن را برای جلسه انتخاب کردند و شاید نصف مردم آن شهر-که در آن زمان چهل هزار نفر جمعیت داشت، در آن مجلس شرکت می‌کردند. از قضا، روحانی پیر هشتاد ساله‌ای هم بود که از قدیم برای مردم این شهر منبر می‌رفت و خیلی مورد احترام بود. البته پای منبرش بیست یا بیست و پنج نفر

بیشتر نمی‌نشستند. ایشان را هم دعوت کرده بودند تا قبل از منبر من، منبر برود. قرار هم این بود که ایشان تا ساعت نه شب منبر برود.

چون در آن شهر منبر دیگری نداشتیم، یک شب ساعت هشت و نیم به مجلس رفتیم. این شیخ هم منبر بود و حواسش به ساعت نبود که از نه گذشته است و طولش داد.

من هم که بعد از گذشت مدتی کلافه شده بودم، در باطنم گفتم: پیر مرد خیال کرده این جمعیت برای او جمع شده! تو هشتاد سال این جا منبر رفتی، پنجاه نفر هم پای منبرت نیامدند!!

ساعت حدود نه و بیست دقیقه بود که شیخ از منبر آمد پایین و من رفتم که منبر را شروع کنم. در راه رفتن، ما معمولاً به هم بر می‌خوریم، ولی آن شب چون کمی عصبانی و ناراحت بودم، مقداری راهم را کج کردم تا او را نبینم.

رفتم بالای منبر، ولی به جان حضرت سید الشهداء علیه السلام هر چه فکر کردم در این ۲۰ دقیقه اول منبر چه می‌گویم و چطور شروع می‌کنم، یادم نیامد.

هر چه به ذهنم فشار آوردم نه بسم الله یادم آمد نه حتی یک روایت یا آیه. مردم مرا نگاه می‌کردند و صلوات می‌فرستادند و من هم مردم را.

خلاصه، به بهانه این که عرقم را پاک کنم، عبایم را کشیدم روی صورتم و گفتم: خدایا، با همه وجود غلط کردم. آبروی مرا نبر، من اشتباه کردم! و ناگهان تمام محفوظاتم برگشت.<sup>۱</sup>

در سوره یونس آمده است:



«وَإِنْ يَمْسَسْكَ اللَّهُ بِضُرٍّ فَلَا كَاشِفَ لَهُ إِلَّا هُوَ وَإِنْ يُرِدْكَ بِخَيْرٍ فَلَا رَادَّ لِفَضْلِهِ؛ و اگر خدا گزند و آسیبی به تو رساند، آن را جز او بر طرف کننده ای نیست. و اگر خیری برای تو بخواهد، فضل و بخشش او را دفع کننده ای نیست.»<sup>۱</sup>

### عاقبت تقوا

یکی از نویسندگان معاصر می نویسد: در ایامی که در قم تحصیل می کردم، در مسجدی برای نماز، حاضر می شدم که امام جماعت مسجد از مدرسین بزرگ و از مجتهدین عالی مقام و صاحب صد و چند تألیف علمی بود و زهد، ورع، پارسایی و فرار از ریاست و هوا و هوس از وجود او می بارید و جز اهل علم، او را نمی شناختند. به تدریج با او آشنا شدم و پاره ای از مشکلات روحی ام را با او در میان گذاشتم تا این که روزی از او سؤال کردم: این همه دانش وافر را چگونه و در چند سال آموختید و این همه توفیق تألیف را از کجا یافتید؟!

فرمودند: در شهرمان که زمستانی کم نظیر دارد، در سن جوانی و در اوج شهوت، طلبه بودم. برف زیادی باریده بود، سرما کولاک می کرد، هوا تازه تاریک شده بود.

زن جوانی درب حجره ام را زد، باز کردم. گفت: از قریه ی چند فرسخی برای خرید به شهر آمده ام، وقت گذشته اگر بخواهم تنها برگردم خطر دچار شدن به گرگ و دیگر خطرها را در پی دارم، امشب مرا بپذیر، پس از نماز صبح می روم. راست می گفت، دلم به حالش سوخت. او را پذیرفتم، زیر کرسی نشست و پس از مدتی

خوابش برد، شیطان به سختی وسوسه‌ام کرد؛ ولی برای رضای خدا با عبایی پاره از حجره بیرون آمدم و به مسجد مدرسه رفتم، سرما سنگ را متلاشی می‌کرد. تا صبح در مسجد به سر بردم. از شدت برف و کولاک و سرما خوابم نبرد، اذان صبح را گفتند، نماز خواندم، در حالی که چند بار هیولای مرگ را بالای سرم دیده بودم. به حجره رفتم، زن بیدار شده بود، از من تشکر کرد و رفت.

از آن روز به بعد، عقلی دیگر و نفس و روحی دیگر پیدا کردم. علوم را به سرعت یاد و درس می‌گرفتم، به سرعت می‌فهمیدم و به سرعت ترقی می‌کردم و از لطف خداوند این همه تألیف به یادگار گذاشتم!<sup>۱</sup>

### برصیصای عابد!

در میان بنی‌اسرائیل عابدی بود به نام «برصیصا» که زمانی طولانی عبادت کرده بود، و به آن حدّ از مقام قرب رسیده بود که بیماران روانی را نزد او می‌آوردند و با دعای او سلامتی‌شان را باز می‌یافتند، روزی زن جوانی را از یک خانواده‌ی باشخصیت برادرانش نزد او آوردند، و بنا شد مدتی بماند تا شفا یابد، شیطان در این جا به وسوسه‌گری مشغول شد، و آنقدر صحنه را در نظر او زینت داد تا آن مرد عابد به او تجاوز کرد! چیزی نگذشت که معلوم شد آن زن باردار شده (و از آن جا که گناه همیشه سرچشمه‌ی گناهان عظیم‌تر است) زن را به قتل رسانید، و در گوشه‌ای از بیابان دفن کرد! برادرانش از این ماجرا باخبر شدند که مرد عابد دست به چنین جنایت هولناکی زده، این خبر در تمام شهر پیچید، و به گوش امیر رسید، او با گروهی از مردم حرکت کرد تا از ماجرا باخبر شود، هنگامی که جنایات عابد مسلم شد او را

۱- هزار و یک حکایت اخلاقی، دفتر دوم، ص ۳۴-۳۵.

از عبادتگاهش فرو کشیدند، پس از اقرار به گناه دستور داد او را به دار بیاویزند، هنگامی که بر بالای چوبه دار قرار گرفت، شیطان در نظرش مجسم شد، گفت: من بودم که تو را به این روز افکندم! و اگر آنچه را می گویم اطاعت کنی موجبات نجات تو را فراهم خواهم کرد! عابد گفت چه کنم؟ گفت: تنها یک سجده برای من کنی، کافی است! عابد گفت: در این حالت که می بینی، توانایی ندارم، شیطان گفت: اشاره ای کفایت می کند، عابد با گوشه ی چشم، یا با دست خود، اشاره ای کرد و به شیطان سجده کرد و در دم جان سپرد و کافر از دنیا رفت! <sup>۱</sup>

### سلطان محمود و ایاز

عده ای از اطرافیان سلطان محمود که پیوسته از تقرب ایاز رنج می بردند همیشه در فکر چاره ای بودند تا او را از نظر پادشاه بیندازند. هنگامی اطلاع یافتند که ایاز را اطاق مخصوصی است شبانه روز یک مرتبه از آن خانه سرکشی می کند، و هیچ کس تا کنون از داخله اطاق اطلاع پیدا نکرده.

پیش سلطان رفته گفتند ایاز که اینقدر مورد توجه شما است خیانت می کند زیرا حجره ای به خود اختصاص داده و هیچ کس را نمی گذارد داخل آن اطاق شود هرچه زر و جواهر با وسایل مختلف بدست می آورد در آن حجره پنهان می کند این کار خیانت آشکاری است. سلطان با اینکه بارها ایاز را امتحان کرده بود باز نیمه شبی دستور داد چند نفر چراغ بیفرورزند و داخل آن خانه شوند تا از اسرار نهفته اطلاع پیدا کنند وقتی که وارد شدند در آنجا جز پوستینی بسیار کهنه و مندرس با چارقی نیافتند. هرچه بیشتر جستجو نمودند کمتر پیدا کردند با تعجب جریان را به عرض سلطان

۱- هزار و یک حکایت اخلاقی، دفتر دوم، ص ۶۳۱-۶۳۲.

محمود رسانیدند. دستور داد ایاز را حاضر نمایند از او سر نگره داشتن پوستینی به آن فرسودگی و چارقی از آن بدتر را پرسید.

گفت روزی که بخدمت سلطان مشرف شدم چنین جامه‌ای داشتم همان لباس را حفظ کرده‌ام تا ابتدای وضع خود را فراموش ننمایم و پایم را از گلیم بیرون نهم این همه لطف و انعام شاهنشاه را از خود ندانم.<sup>۱</sup>

داستان ایاز نمونه خوبی است برای پندگرفتن، زیرا او از مرتبه بردگی با لباس چوپانان و بیابان گردان به مرتبه ندیمی سلطان مقتدر ایران می‌رسد ولی به واسطه اینکه مقام فعلی باعث فریب خوردن و لغزشش نشود هر روز خاطره روز اول را تجدید می‌کند.

چه خوب بود ما نیز زمانی را که یک موجود ناچیز و ذره‌ای کیف بودیم می‌توانستیم از نظر بگذرانیم. روزی که مانند یک حیوان ذره‌بینی در داخل رحم مادر، میان خون غوطه می‌خوردیم. افسوس که از آن دوران خاطره‌ای در دستگاه حافظه بیادگار نگذاشته‌ایم، ولی هر صبح و شام با چشم، امثال خود رامی‌بینیم یا احياناً از برخورد دست یا لباس با منی که منشأ اصلی خود ما بوده احتراز می‌نمائیم از اینرو قرآن مجید بشر را گوشزد به دوران اولیه می‌نماید تا شاید این کبر منیت و این خودخواهی و تفرعن را از سر بیرون کنیم.

## آرزوی اهل دل

حضرت عیسی علیه السلام با حواریون سیاحت می‌کرد، گذرشان به شهری افتاد، در نزدیکی آن شهر دفينه‌ای پیدا کردند، حواریون از عیسی خواستند اجازه دهد گنج را

۱- پند تاریخ، ج ۳، ص ۲۲ - مثنوی مولوی .

جمع‌آوری کنند تا از بین نرود، فرمود: در پای این گنج بمانید، من به شهر می‌روم تا گنجی که نشان دارم به دست آورم. عیسی (علیه السلام) داخل شهر شد، به خانه خرابی رسید، وارد شد، پیرزنی در آن جا بود، فرمود: اگر اجازه دهید امشب میهمان شما باشم، از زن پرسید: آیا غیر از شما کس دیگری در این خانه هست؟ گفت: آری، پسری دارم که روز در بیابان خار می‌کند و از دسترنج او زندگی می‌کنیم.

شبانگاه پسرش آمد. پیرزن گفت: امشب میهمان داریم که آثار بزرگی و نوری درخشان از پیشانی‌اش آشکار است. اکنون خدمت او را غنیمت شمار. جوان پیش عیسی (علیه السلام) رفت، پاسی که از شب گذشت آن حضرت از وضع زندگی‌اش سؤال کرد. از گفتارش پی برد جوانی هوشیار و بافراست است و قابلیت ترقی را دارد؛ اما پای‌بند یک علاقه‌ی قلبی است.

به او گفت: جوان! گویا دردی در دل داری که آثارش از سخنانت هویدا است، به من بگو شاید بتوانم آن را دوا کنم. چون حضرت اصرار کرد، گفت: آری! دردی دارم که جز خدا کسی نمی‌تواند دوا کند.

درخواست کرد که گرفتاری‌اش را شرح دهد. گفت: روزی خار به شهر می‌آوردم، از کنار قصر دختر پادشاه رد شدم همین که چشمم به صورت او افتاد چنان شیفته و شیدایش شدم که می‌دانم چاره‌ای جز مرگ ندارم، فرمود: اگر تو بخواهی، وسایل ازدواج شما را آماده می‌کنم.

جوان سخنان میهمان را به مادرش گفت، پیرزن گفت: از ظاهر این مرد معلوم می‌شود دروغگو نیست. حضرت عیسی (علیه السلام) فرمود: فردا پیش پادشاه برو و دخترش را خواستگاری کن، هرچه خواست بیا به من خبر بده. جوان برای خواستگاری به بارگاه رفت، خود را به نزدیکان پادشاه رساند و گفت: من برای

خواستگاری دختر شاه آمده‌ام، تقاضا دارم عرض مرا به پیشگاه ملوکانه برسانید. خواص پادشاه از گفتار جوان خندیدند و برای این که تفریحی کرده باشند او را نزد شاه بردند و تقاضایش را به عرض رساند.

پادشاه چون خواست جوان را ناامید نکرده باشد گفت: اشکالی ندارد، اگر فلان مقدار جواهر برای ما بیاوری قبول می‌کنم. جوان برگشت و جریان را برای حضرت عیسی (علیه السلام) شرح داد. عیسی (علیه السلام) او را به خرابه‌ای برد که سنگریزه و ریگ فراوان داشت، دعایی کرد و آن سنگریزه‌ها به جواهر تبدیل شد. جوان به همان مقدار برای پادشاه برد، همین که چشم وزیران و شاه به جواهرات افتاد در شگفت شدند و با خود گفتند: جوانی خارکن از کجا این همه جواهر تهیه کرده است؟!

پادشاه برای مرتبه دوم مقدار زیادتری درخواست کرد، باز جوان به عیسی (علیه السلام) مراجعه کرد. حضرت فرمود: برو در همان خرابه و آنچه می‌خواهی بردار و برای او ببر. در این مرتبه شاه، جوان را به خلوت خواست و واقع امر را پرسید. او هم جریان را شرح داد و شاه فهمید که او حضرت عیسی (علیه السلام) است. گفت: برو همان شخص را بیاور تا بین تو و دخترم مراسم ازدواج را انجام دهد.

عیسی (علیه السلام) دختر را به ازدواج آن پسر درآورد، پادشاه لباسی آراسته برای جوان فرستاد. این زن و شوهر آن شب با یکدیگر زناشویی کردند، فردا صبح داماد خود را خواست و با او ساعتی صحبت کرد و آثار بزرگی و فهم را در گفتار او دید و چون غیر از آن دختر فرزندی نداشت او را ولی‌عهد خود قرار داد. اتفاقاً همان شب به مرگ ناگهانی از دنیا رفت و جوان وارث تخت و تاج او شد.

روز سوم حضرت عیسی (علیه السلام) برای تودیع به بارگاه شاه جدید آمد. جوان از او پذیرایی شایانی کرد و گفت: ای حکیم! سؤالی دارم که اگر جواب ندهی این همه

نعمت که به وسیله‌ی شما برایم فراهم آمده بر من ناگوار می‌شود، گفت: بگو ببینم چه در دل داری، جوان گفت: دیشب در این فکر بودم، شما که چنین نیرویی دارید که خارکنی را به مقام سلطنت می‌رسانید چرا برای خود کاری نمی‌کنید؟! فرمود: کسی که نسبت به خدا و نعمت جاویدان او شناخت داشته باشد هیچ‌گاه به این دنیای فانی میل نخواهد داشت.

جوان همان دم از تخت پایین آمد، لباس‌های سه روز قبل خود را پوشید و با حضرت عیسی (علیه السلام) از شهر خارج شد. وقتی نزد حواریون رسیدند عیسی (علیه السلام) فرمود: این همان گنجی است که در این شهر پیدا کردم.<sup>۱</sup>

### فلسفه وجودی روحانیون (خاطره‌ای از فلسفی)

مرحوم خطیب بزرگ حجت الاسلام محمد تقی فلسفی، خاطره‌ی جالب زیر را نقل کرد: اسفند ماه ۱۳۱۶ شمسی، با اتومبیل سواری، همراه یکی از تجار تهران و چند نفر مسافر دیگر عازم مشهد مقدس شدیم؛ هنگامی که از تهران، خارج شدیم، مردی که جلو نشسته بود و دو پاکت بزرگ پر از پرتقال را جلو پایش گذاشته بود، شروع به سخن کرد و گفت: برای نوه‌هایم هدیه می‌برم. آن زمان، به سبب مشکلات حمل و نقل، پرتقال، کمیاب بود.

آن مرد، به عقب برگشت و از شغل مسافران پرسید، تا این که نوبت به من

رسید.

پرسید: شغل شما چیست؟

گفتم: روحانی هستم.

۱- هزار و یک حکایت اخلاقی، ص ۴۲۰-۴۲۱ - بحارالانوار، ج ۱۴، ص ۲۸۴.

گفت: روحانی، یعنی چه؟

گفتم: مسائل دینی را یاد می‌دهم؛ از خدا و پیغمبر ﷺ و امامان (علیهم‌السلام) عبادات و معاملات، حلال و حرام، سخن می‌گویم. به اینجا که رسیدم، با عصبانیت سختم را قطع کرد و با صدای بلند گفت: «از این حرف‌ها دست بردارید! مردم را معطل نکنید! عمرها را به هدر ندهید! مردم را رها کنید!»

به این ترتیب با گفتار و رفتار بی‌ادبانه‌اش، مرا مورد ملامت قرار داد. تاجر همراهم می‌خواست پاسخ او را بدهد؛ گفتم ساکت باش! فعلاً اول سفر است. (با توجه به اینکه زمان سلطنت رضاخان بود، آن مرد ناآگاه بر اثر تبلیغات وارونه او، با روحانیان، دشمنی داشت) به راه خود ادامه دادیم، تا به رودخانه‌ای رسیدیم؛ خواستیم از رودخانه، عبور کنیم، اتومبیل در وسط آب، خاموش شد؛ راننده گفت: «درهای اتومبیل را باز کنید، و پاها را بالا نگهدارید، تا آب، از کف اتومبیل، عبور کند.» همین کار را کردیم؛ ناگهان آب، پرتقال‌های آن مرد معترض را که در جلو نشسته بود، به درون رودخانه برد.

در این هنگام، گروهی از زائران امام رضا (علیهم‌السلام) که خودروشان در آن نزدیکی، فرو مانده بود، تا پرتقال‌ها را دیدند، شلواری خود را بالا زدند، و پرتقال‌ها را با شتاب می‌گرفتند و برای خود می‌بردند.

آن مرد معترض، به من گفت: «به اینها بگو پرتقال‌های مرا نبرند، و نخورند، بلکه جمع کنند و به صاحبش که من هستم بدهند.»

من نیز احساس وظیفه کردم، صدا زدم «ای مردم! شما به زیارت امام رضا (علیهم‌السلام) می‌روید، این پرتقال‌ها متعلق به این آقا است، آنها را برای خود نبرید، حرام است، با این کار خود، حضرت رضا (علیهم‌السلام) را خشمگین نکنید، بلکه بیاید کار ثواب کنید،



پرتقال‌ها را جمع نموده و به صاحبش بدهید، آخر شما دارید به زیارت می‌روید، نباید مال حرام بخورید.»

آنان حرف مرا گوش کردند؛ نه تنها پرتقال‌ها را برای خود برنداشتند، بلکه کمک کرده، پرتقال‌ها را از آب گرفتند و به صاحبش دادند.

آن مرد معترض، از من تشکر کرد. از فرصت، استفاده کردم و به او گفتم: «حالا فهمیدی روحانی یعنی چه؟» او که به اشتباه خود، پی برده بود، دریافت که شغل روحانی بسیار مهم است، موجب حفظ اموال، ناموس و امنیت و روابط نیک اجتماعی می‌شود، از من عذرخواهی کرد، و با کمال شرمندگی گفت:

«بخشید من از روی ناآگاهی، جسارت کردم، نفهمیدم، ببخشید.»<sup>۱</sup>

### داستانی حیرت‌آور

در تفسیر ابوالفتوح رازی آمده: جوانی در اوقات نماز بالای مأذنه مسجد اذان می‌گفت، یک روز در حال اذان گفتن به خانه‌های اطراف مسجد نظر انداخت، نظری که اسلام از بابت مصلحت انسان و حفظ وی از فتنه‌ها حرام کرده است.

ناگهان دیده‌اش در خانه‌ای به دختری نیکو منظر و صاحب جمال افتاد، دل به او داد، پس از اذان در آن خانه را کوبید، صاحب خانه در را باز کرد، جوان به او گفت اگر دختر به شوهر می‌دهید، من به او مایلیم، صاحبخانه گفت ما «آشوری» مذهبییم، اگر مذهب ما را انتخاب کنی من از اینکه دخترم را به تو تزویج کنم منعی نمی‌بینم.

جوان که دل به زیبایی و جمال دوخته بود، و از انتخاب هم کفو روی گردانده بود، و دلال خود را در ازدواج چشم و شهوت و جمال و زیبایی قرار داده بود، از پذیرش شرط پدر دختر استقبال کرد، از اسلام دست برداشت، به شرک روی آورد، به روز عقد دختر از بالای پله های خانه با سر به زمین آمد و به هلاکت ابدی دچار شد!<sup>۱</sup>

### سزای کم فروشی

مالک بن دینار (یکی از وارستگان معروف تاریخ اسلام) می گوید: یکی از همسایه های ما در بستر مرگ افتاد، به بالینش رفتم، او را در حال احتضار دیدم، احوال پرسیدم و خود را معرفی کردم، پس از لحظه ای گفت: «ای مالک! دو کوه از آتش در جلو من قرار گرفته که بالا رفتن از آن و عبور از این مانع، بسیار سخت است!».

مالک می گوید: از بستگان او پرسیدم، این آقا چه گناه آشکاری داشته است؟ جواب دادند: «دو پیمانانه برای خرید و فروش داشت که با هم تفاوت داشتند، و بوسیله آنها در خرید و فروش کالا، کم و زیاد می کرد.»  
گفتم آن دو پیمانانه را بیاورید، آوردند و آنها را شکستم.

سپس از محتضر پرسیدم حالت چطور است؟ در پاسخ گفت: «مرتباً کار من دشوارتر می گردد» آری به قول شاعر:

تو کم دهی و بیش ستانی به کیل و وزن      روزی بود که از کم و بیشت خبر دهند

۱- نظام خانواده در اسلام، ص ۱۷۹

۲- داستان دوستان، ج ۲، ص ۱۳۴.

### تشرّف آیت الله سیّد ابوالحسن اصفهانی به محضر امام علیه السلام

آیت الله سیّد ابوالحسن اصفهانی در سال ۱۲۸۴ قمری در دهکده کوچک مدیسه لنجان پا به عرصه وجود نهاد.

آیت الله سیّد محسن امین جبل عاملی درباره آیت الله سیّد ابوالحسن اصفهانی می گوید: در سال ۱۳۵۲ قمری به عراق سفر کردم او را مورد ارزیابی قرار دادم. دیدم مردی است دارای فکری بزرگ که میدان اندیشه اش وسیع است در علم فقه بسیار وسعت دارد. دورنگر و ژرف اندیش است و بسیار موقعیت شناس است .

بر همه مردم، شفیق و مهربان و دارای سخاوت مندی و سیاستی بزرگ است. و همین ویژگی ها باعث شده ریاست و زعامت عامه شیعیان را به دست گیرد، چون شایستگی چنین منصب و مقامی را دارد ...

سیّد ابوالحسن اصفهانی در اوائل بلوغ در سن ۱۴ سالگی به اصفهان آمد و در مدرسه صدر حجره ای گرفت و به درس و بحث مشغول شد، شبی از شب های زمستان وقتی پدرش برای دیدن فرزند خود به حجره او می آید، با وضع ناهنجاری مواجه می شود، حجره او را خالی از هرگونه وسایل ابتدایی برای زیستن می بیند ، نه فرش ، و نه گلیم و زیر اندازی ، و نه چراغی برای روشن کردن حجره! با سخنان سرزنش آمیز به سید ابوالحسن می گوید:

«نگفتمم طلبه نشو، گرسنگی دارد، محرومیت و فقر دارد؟»

او بس که در این زمینه سخن می گوید، فرزند آزرده خاطر می شود و در این لحظه که سخت دگرگون شده بود، به طرف قبله می ایستد و امام زمان علیه السلام را مورد خطاب قرار می دهد و با چشمان اشکبار و لحنی ملتسانه می گوید: « آقا عنایتی کنید تا نگویند شما آقا ندارید. »

لحظاتی می‌گذرد که فردی ناشناس در مدرسه صدر را می‌زند وقتی خادم مدرسه در را باز می‌کند فرد ناشناس سراغ سید ابوالحسن را می‌گیرد، خادم سید را صدا می‌زند، سید ابوالحسن در مقابل سیدی خوش سیما رو به رو می‌شود که پس از دلجویی از سید ابوالحسن به او پنج قران (پول آن زمان) می‌دهد و می‌گوید: شمع‌ی نیز در طاقچه حجره است، آن را بردار و روشن کن تا نگویند شما آقا ندارید.

شخص ناشناس با این سخن خداحافظی می‌کند و می‌رود، سید ابوالحسن به حجره برگشته و ماجرا را برای پدر تعریف می‌کند، سید محمد (پدر ابوالحسن) نیز مانند او دچار بهت و حیرت می‌شود، اشک از چشمانش سرازیر می‌شود و فرزندش را در آغوش می‌گیرد و بوسه‌های چند بر صورت گلگونش می‌زند و با قلب شاد باز می‌گردد.

یکی دیگر از عنایات‌های امام عصر علیه السلام به سید ابوالحسن اصفهانی توقیعات و نامه‌های شریفی است که برای آن بزرگوار صادر می‌کنند، و می‌فرستند بدین ترتیب ایشان را تحت عنایت خاصه خودش قرار می‌دهند و او را به الطاف و عنایاتشان می‌نوازند. متن توقیع و نامه امام زمان ارواحنا فدا به آیت الله سید ابوالحسن اصفهانی چنین است.

خودت را برای مردم ارزان کن و خودت را در دسترس همه قرار بده و محل نشستنت را در دهلیز خانه‌ات انتخاب کن تا مردم سریع و آسان با تو ارتباط داشته باشند حاجت‌های مردم را برآور ما یاریت می‌کنیم.<sup>۱</sup>

۱- عنایات حضرت ولی عصر علیه السلام، ص ۳۱۵، و زندگی علماء، ج ۳، ص ۷۵.

## جواهرات

علامه مجلسی در کتاب شریف بحار الانوار می نویسد: در بعضی از مؤلفات شیعه دیدم که نقل کرده است: روایت شده مرد مؤمنی از بزرگان شهر بلخ در بیش تر سال ها به حج می رفت و بعد از انجام دادن مناسک حج و زیارت پیغمبر اکرم ﷺ، خدمت حضرت سجاد (علیه السلام) می رسید؛ سوغات و هدایایی برای آن حضرت می آورد، سوالات دینی خود را از امام می پرسید و سپس به شهر خود مراجعت می کرد. در یکی از این برگشت ها همسرش به او گفت: می بینم هر زمان به دیدار امام خود می روی، سوغات و هدایای زیادی با خودت میبری؛ ولی آن حضرت چیزی به تو پاداش نمی دهد. مرد بلخی گفت: او پادشاه دنیا و آخرت است و آنچه مردم دارند به برکت او است، مالکش در حقیقت او می باشد؛ زیرا آن حضرت خلیفه و جانشین خدا بر روی زمین و حجت پروردگار بر بندگان است و او فرزند رسول خدا و پیشوای ما است. زن چون گفتار او را شنید، از سرزنش او ساکت ماند.

سپس آن شخص برای سال آینده برای حج آماده شد و قصد منزل شریف آن حضرت نمود، وقتی به آن جا رسید، اجازه ی ورود خواست، امام به او اجازه مرحمت فرمود.

مرد بلخی وارد خانه شد و بر آن حضرت سلام کرد و دست مبارکش را بوسید و پس از خوش آمد گویی، امام او را به خوردن غذا دعوت فرمود و بعد از آن که غذا خوردند، امام تشت و آفتابه ی آب طلب کرد. مرد بلخی برخاست و آفتابه ی آب را به دست گرفت تا روی دست های امام بریزد، حضرت فرمود: تو مهمان ما هستی، چرا می خواهی خود را به زحمت اندازی و آب روی دست های من بریزی؟ مرد بلخی

عرض کرد: دوست دارم خدمت کنم. امام (علیه السلام) فرمود: «لَمَا أُجِبْتَ ذَلِكَ فَوَ اللَّهُ لَأُرِيَنَّكَ مَا تُحِبُّ وَ تَرْضَى وَ تُقْرَبُ بِهِ عَيْنَاكَ» یعنی حال که چنین است به خدا قسم به تو نشان می‌دهم آنچه را که خشنودت کند و چشمانت را روشن گرداند.

آن گاه آب را روی دست‌های مبارک امام ریخت تا یک سوم تشت را آب گرفت، امام به آن مرد فرمود: چه چیزی در میان تشت است؟ عرض کرد: آب است. فرمود: یاقوت سرخ است، دوباره نگاه کن.

وقتی نگاه کرد دید آب‌ها به قدرت پروردگار به یاقوت سرخ تبدیل شده است.

امام بار دیگر فرمود: آب بریز. مرد بلخی آب ریخت تا دو سوم تشت پر از آب شد، سپس به او فرمود: نگاه کن، زمرد سبز است. وقتی آن مرد نگاه کرد دید زمرد سبز است.

امام بار دیگر فرمود: باز هم آب بریز. مرد بلخی آب را روی دست‌های مبارک آن حضرت ریخت تا آن که تشت پر شد.

امام به او فرمود: در میان تشت چیست؟ عرض کرد: آب است. فرمود: نه، دُرّ سفید است. وقتی آن مرد نگاه کرد، دید دُرّ سفید است و تشت از سه نوع جواهر یعنی دُرّ و یاقوت و زمرد پر گشته است. خیلی تعجب کرد و خود را روی قدم‌های آن حضرت انداخت و آن‌ها را بوسید. بعد امام فرمود: یا شیخ! «لَمْ يَكُنْ عِنْدَنَا شَيْءٌ يُكَافِيكَ عَلَى هَدَايَاكَ إِلَيْنَا، فَخُذْ هَذِهِ الْجَوَاهِرَ عَوِضًا عَنْ هَدِيَّتِكَ وَ اعْتَذِرْ عِنْدَ رَوْجِكَ لِأَنَّهَا عَتَبَتْ عَلَيْنَا؛ یعنی ای پیرمرد! نزد ما چیزی نیست که هدایای تو را

جبران کند، همین جواهرات را در مقابل آن هدایا از ما بپذیر و نزد همسرت از طرف ما عذرخواهی کن که او ما را سرزنش کرده و رفتار ما را نپسندیده است. مرد بلخی از خجالت سر به زیر انداخت و عرض کرد: ای سرور من! چه کسی گفتار همسر من را به شما خبر داده است؟ شکی ندارم که شما از خانواده‌ی رسالت هستید. سپس مرد بلخی با امام وداع کرد و جواهرات را به همراه خود برای همسرش برد ...<sup>۱</sup>

### بازداشت شهید به خاطر سه درهم

امیر المؤمنین (علیه السلام) فرمودند: «لقد صَلَّى رسول الله ﷺ باصحابه ذات يوم فقال ما ههنا من بنى النجار احد؟ وصاحبهم محتبسُ على باب الجنة بثلاثة دراهم لفلان اليهودى و كان شهيداً».<sup>۲</sup>

«صبحگاهی رسول خدا ﷺ بعد از نماز به جای تعقیبات نماز صبح رو به مردم کردند و فرمودند: آیا از بنی نجار کسی هست؟ پیامبر ﷺ فرمود: شهیدی دیشب به خواب من آمد و گفت: ای رسول خدا، به دادم برس من در برزخ بازداشتم به خاطر سه درهمی که از یک یهودی گرفته و پس نداده‌ام».

مستفاد از حدیث فوق این است که مادام که انسان گرفتار و نا علاج نباشد، خود را وامدار کسی نکند و اگر ضرورتی پیش آید، از کسی و یا از نهادهی (مؤسسه‌ای)

۱- قطره‌ای از دریای فضایل اهل بیت ( ترجمه‌ی کتاب نفیس القطره ) ج ۱، ص ۴۹۱ - بحارالانوار، ج ۴۶، ص ۴۷.

۲- مستدرک الوسائل، ج ۱۳، ص ۲۹۳.

استقراض کند به شرط اینکه همواره در صدد جبران آن بوده باشد در غیر این صورت مشمول روایت فوق خواهد بود.<sup>۱</sup>

### مؤمن را نباید تحقیر کرد

عالم متقی جناب حاج شیخ محمد باقر شیخ الاسلام-رحمة الله علیه- فرمود:  
 من عادت داشتم همیشه پس از فراغت از نماز جماعت با کسی که طرف راست و چپ من بود، مصافحه می‌کردم، وقتی در نماز جماعت مرحوم آیت الله میرزای شیرازی در سامرا پس از نماز، با طرف راست خود که یک نفر از اهل علم و بزرگوار بود، مصافحه می‌کردند و در طرف چپ، یک نفر دهاتی بود که به نظرم کوچک آمد و با او مصافحه نکردم، بلافاصله از خیال فاسد خود پشیمان شده و به خود گفتم شاید همین شخصی که به نظر تو شأنی ندارد، نزد خدا محترم و عزیز باشد، فوراً با کمال ادب با او مصافحه کردم پس بوی مشکی عجیب که مانند مشک‌های دنیوی نبود به مشامم رسید و سخت خوشحال و خوشبخت و دلشاد شدم و احتیاطاً از او پرسیدم با شما مشک است؟ فرمود: نه من هیچ وقت مشک نداشتم. یقین کردم که از بوهای روحانی و معنوی است و نیز یقین کردم که شخصی است جلیل‌القدر و روحانی. از آن روز متعهد شدم که هیچ وقت به حقارت به مؤمنی ننگرم.<sup>۲</sup>

۱- بر پای منبر، جلد ۲، ص ۲۱۵.

۲. داستان‌های شگفت، آیت الله دستغیب.



## لطف خدا و ناسپاسی بنده

و نیز مرحوم شیخ الاسلام مزبور - علیه الرحمه - فرمود: شنیدم از عالم بزرگوار و سید عالی قدر امام جمعه بهبهانی (اسم شریفش را نیز نقل فرمود ولی بنده فراموش کرده‌ام) که در اوقات تشرّف به مکه معظمه روزی به عزم تشرّف به مسجد الحرام و خواندن نماز در آن مکان مقدس از خانه خارج شدم، در اثنای راه، خطری پیش آمد و خداوند مرا از مرگ نجات داد و با کمال سلامتی از آن خطر رو به مسجد آمدم، نزدیک در مسجد، خربزه زیادی روی زمین ریخته بود صاحبش مشغول فروش آنها بود، قیمت آن را پرسیدم گفت آن قسمت دیگر ارزان تر و فلان قیمت است، گفتم پس از مراجعت از مسجد می خرم و به منزل می برم. پس به مسجد الحرام رفتم و مشغول نماز شدم در حال نماز در این خیال شدم که از قسمت گران آن خربزه بخرم یا قسمت ارزانترش و چه مقدار بخرم و خلاصه تا آخر در این خیال بودم و چون از نماز فارغ شده خواستم از مسجد بیرون روم، شخصی از در مسجد وارد و نزدیک من آمد و در گوشم گفت: خدایی که تو را از خطر مرگ، امروز نجات بخشید آیا سزاوار است که در خانه او نماز خربزه‌ای بخوانی؟  
 فوراً متوجه عیب خود شده و بر خود لرزیدم، خواستم دامنش را بگیرم او را نیافتم.<sup>۱</sup>

## اجابت فوری دعا

مرحوم حاج شیخ حسنعلی - رحمه الله علیه - به دیدن یکی از رفقا می رود که تب شدیدی داشته است، ایشان به تب می گوید که خارج شو از بدن فلان به اذن

۱- داستان های شگفت ، آیت الله دستغیب .

الله تعالی و می فرماید قلبانی بیاورید تا بکشم خارج می شود، پس تب از بدن بیمار خارج شده عافیت پیدا می کند .

سپس به ایشان گفتند شما چطور به این جزم توانستید بگویید؟ فرمود: چون من به مولای خود و آقای خود امام زمان علیه السلام خیانت نکرده‌ام و یقین داشتم که او آبروی خادم امین خود را حفظ می کند <sup>۱</sup>.

### نتیجه بد خُلُقِ سعد بن معاذ

سعد معاذ یکی از یاران و اصحاب خوب پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله، رئیس طایفه اوس و از افسران خوب پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله در جنگ‌ها بود و فضایل زیادی داشت. وی در جنگ خندق مجروح شد ولی از خدا تقاضا کرد که من نمیرم تا جریان بنی قریظه که علیه مسلمانان توطئه و از پشت خنجر زدند روشن شود. اتفاقاً بنی قریظه گفتند: سعد بین آن‌ها و پیغمبر حکم کند او هم حکم جانانه‌ای کرد. بعد از حکم همان جراحت سرباز کرد و به شهادت رسید. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله در تشییع جنازه‌ی سعد پا برهنه بود بدون ردا و گاهی سمت راست تابوت را می گرفت و گاهی سمت چپ تابوت را می گرفت بعد به تکفین او نظارت کرد در دفن هم خود حضرت با دقت خشت‌های لحد را می چید و محکم می کرد و بعد فرمود: من می دانم که این محکم کاری‌های من نفعی برای سعد ندارد اما خداوند دوست دارد که وقتی بنده‌ی مؤمنش کاری را انجام می دهد محکم کاری کند و این درسی است برای ما که مسلمان هستیم که در همه کارها از جمله صنعت و تکنولوژی اگر واقعا پیرو پیغمبر صلی الله علیه و آله هستیم کارها را دقیق و محکم انجام بدهیم و بعد خودشان با دست خود سعد را در قبر گذاشت. مادر سعد که ناظر

این جریانات بود رو به سعد کرد و گفت: «هنيئاً لك الجنة» بهشت بر تو گوارا باد بعد پیامبر اکرم ﷺ فرمود «ساکت، چطور بر خدا اینطور با جدیت حکم می کنی؟ الان سعد در حال فشار قبر است ...» از پیامبر ﷺ سوال کردند این کارهایی که شما انجام دادید شبیه آن را ندیده بودیم. فرمود: من پا برهنه بودم و بدون ردا، چون فرشتگان فراوانی در تشییع جنازه ی سعد شرکت کردند، و اینکه سمت راست و چپ تابوت را می گرفتیم، چون دستم در دست جبرئیل بود، هرجایی را که جبرئیل می گرفت، من هم همان طرف تابوت را می گرفتم. در بعضی نقل ها هست که در تشییع جنازه سعد، هفتاد هزار فرشته شرکت کردند. گفتند: پس چرا فرمودی در حال فشار قبر است، این یعنی چه؟ فرمود: به خاطر این بود که در رفتار با خانواده اش تندخو بود.<sup>۱</sup>

بد اخلاقی در خانواده حتی نسبت به سعد بن معاذ با همه عظمتش با همه فضائل و مناقبی که دارد کار خود را کرد.

## متن زیبا

یک روز چنگیز و دربارانش برای شکار به جنگل رفتند.  
 هوا خیلی گرم بود و تشنگی داشت چنگیز و یارانش را از پا درمی آورد.  
 بعد از ساعت ها جستجو جویبار کوچکی دیدند.  
 چنگیز شاهین شکاریش را به زمین گذاشت، و جام طلائی را در جویبار زد و  
 خواست آب بنوشد، اما شاهین به جام زد و آب بر روی زمین ریخت.  
 برای بار دوم هم همین اتفاق افتاد،

۱- بحار الانوار، ج ۶، ص ۲۲۰؛ علامه مجلسی - پاسخ به پرسش ها، ج ۲، ص ۴۹.

چنگیز خیلی عصبانی شد و فکر کرد،  
 اگر جلوی شاهین را نگیرم،  
 درباریان خواهند گفت:  
 چنگیز جهانگشا نمی تواند از پس یک شاهین برآید؛  
 پس این بار با شمشیر به شاهین ضربه ای زد.  
 پس از مرگ شاهین چنگیز مسیر آب را دنبال کرد و دید که ماری بسیار سمی  
 در آب مرده و آب مسموم است.  
 او از کشتن شاهین بسیار متأثر گشت.  
 مجسمه ای طلایی از شاهین ساخت،  
 بر یکی از بال هایش نوشتند:  
 یک دوست همیشه دوست شماست؛  
 حتی اگر کارهای شما را برنجاند.  
 روی بال دیگرش نوشتند:  
 هر عملی که از روی خشم باشد محکوم به شکست است ...  
 خدایا کمک کن ...  
 دیرتر برنجیم،  
 زودتر ببخشیم،  
 کمتر قضاوت کنیم،  
 و بیشتر فرصت بدهیم.<sup>۱</sup>

## قضاوت انیشتین

گروهی از الهیون، عالمان اخلاقی، عقلی مذهببان و مادیون درباره صحت عقاید خویش دچار اختلاف شدند. تصمیم گرفتند که در این باره انیشتین را قاضی و داور قرار دهند تا بدانند رأی او درباره خدا چیست؟ انیشتین چون مشاغل زیادی داشت، از آن‌ها خواهش کرد که پانزده دقیقه صبر کنند، پس از آن پرسیدند: نظرت درباره خدا چیست؟

پاسخ داد: اگر به کشف دستگاہی موفق می‌شدم که به وسیله آن، با میکروب‌ها سخن گویم، با میکروب کوچکی که بر سر یک تار موی انسان زندگی می‌کند سخن می‌گفتم و از او می‌پرسیدم که خود را چگونه یافته است بی‌تردید پاسخ می‌داد: من خود را بر سر درخت تنومندی یافته‌ام که ریشه آن ثابت و شاخ و برگش آسمان است. به وی می‌گفتم که این تار مویی که بر آن زندگی می‌کنی، یکی از هزاران تار موی سر انسان و سر عضوی از اعضای بدن انسان است، راستی شما چه فکر می‌کنید؟ آیا این میکروب کوچک می‌تواند عظمت و بزرگی انسان را دریابد؟ هرگز! ما هم نسبت به خداوند بزرگ، به مراتب کوچک‌تر و ناچیزتر از آن میکروبییم، چگونه من می‌توانم به خدایی احاطه پیدا کنم که با قوای نامتناهی و عظمت بی‌پایانش، بر همه چیز احاطه دارد؟ هنگامی که این افراد از نزد انیشتین مرخص شدند، یقین کردند که حق با الهیون است.<sup>۱</sup>

۱- داستان‌هایی از خداشناسی، ص ۸۰ - ۷۹ - کتاب سال تبلیغ ۹۶.

## داستان خواندنی از حرص و طمع

روزی پادشاهی بود در یک کشور ثروتمند و بزرگ اما پادشاه خوشحال نبود. روزی که از آشپزخانه دربار می‌گذشت دید که آشپز خوشحال و خندان است از او در مورد علت شادی‌اش پرسید او گفت: چرا خوشحال نباشم خانه دارم زنی خوب دارم و از فرزندانم راضی‌ام چرا خوشحال نباشم.

پادشاه موضوع را به وزیر گفت و علت را از او جویا شد. وزیر گفت: چون او وارد گروه ۹۹ نشده است. پادشاه به وزیر گفت: گروه ۹۹ چیست؟ گفت: گروه ۹۹ سکه پس قرار شد که ۹۹ سکه در کیسه‌ای در کنار آشپز بگذارند. آشپز کیسه را برداشت و با دیدن سکه‌ها خوشحال شده آن را شمرد ۹۹ تا بود دوباره شمرد باز هم ۹۹ سکه خیلی ناراحت شد سر و صدا راه انداخت تا آن سکه دیگر را پیدا کند ولی خبری نبود. از فردا تصمیم گرفت تا بیشتر کار کند تا آن سکه باقی مانده را به دست آورد شب‌ها تا دیر وقت کار می‌کرد و خسته به خانه می‌آمد و صبح به خاطر این که دیر از خواب بیدار شده بود با همه دعوا می‌کرد. وزیر به پادشاه گفت: آری حال او هم وارد گروه ۹۹ شده. افرادی که پول به اندازه کافی دارند اما به خاطر حرص و طمع به خود و زندگی‌شان سخت می‌گیرند.

این داستان مانند انسان‌هایی است که چند ماه پیش یک سکه خریده بودند و حالا که سکه گران شده می‌گویند: کاش دو تا خریده بودیم و آن که دوتا خریده می‌گوید کاش سه تا ...<sup>۱</sup>

## بنده نوازترین مولا

در قوم بنی اسرائیل خشکسالی آمد و حضرت موسی (علیه السلام) مردم را برای دعا و طلب باران به کوه طور فرا خواند. جمع زیادی از مردم ، عرفا و حق شناسان درگاه الهی همراه شدند و مشغول دعا گردیدند؛ اما پس از مدتی طولانی دعا و انابه ، قطره آبی از آسمان نبارید. موسی (علیه السلام) از خداوند سوال کرد : دلیل عدم استجابت دعای آنان چیست ؟ خطاب آمد: در جمع شما جوان گنهکاری هست که حضور او مانع بالا رفتن دعای شما می شود . موسی (علیه السلام) رو به مردم کرد و فرمود: آن جوان گنهکار که خود می داند ، جمع ما را ترک گوید تا دعاهایمان مستجاب شود ؛ اما کسی بلند نشد. در همین حین ، باران شروع به باریدن کرد. موسی (علیه السلام) عرضه داشت : پروردگارا! آن جوان که هنوز از بین ما نرفته است ؟ خطاب رسید: ای موسی ! وقتی تو سخنت را با این جماعت گفتی ، آن جوان شرمند شد و ترسید که در میان جمع سر افکنده شود. ما نمی توانیم شرمندگی بنده خود را ببینیم . بنابراین گناهانش را تبدیل به حسنات کردیم و باران را بر شما نازل نمودیم.<sup>۱</sup>

ای کریمی که از خزانه غیب	گبر و ترسا وظیفه خور داری
دوستان را کجا کنی محروم	تو که با دشمنان نظر داری

## راز داری قهوه چی

در زمان علامه شیخ جعفر کاشف الغطاء رحمه الله ، از علمای بزرگ نجف اشرف ، قحطی عجیبی آمد و مردم محتاج باران شدند؛ اما هر چه دعا کردند، اثری نداشت ، تا این که به حضور شیخ آمده و از او خواستند دعا کند . شیخ جعفر در حرم امیر

مومنان (علیهم السلام) دست به دعا برداشت و عرض نمود: ای مولای من! مردم محتاج باران می باشند؛ با این همه نماز و دعا، مردم اثری ندیده اند. از خداوند بخواهید عنایتی بفرماید. در عالم رویا، شیخ به محضر حضرت مشرف شد و امام (علیهم السلام) فرمود: شیخ جعفر! مردی قهوه چی در بین راه کوفه و نجف است. بگو او در مراسم دعا شرکت کند. شیخ بیدار شد و از این که از بین این همه عالم و عارف در حوزه علمیه نجف، امام (علیهم السلام) یک قهوه چی را انتخاب کرد، شگفت زده شد.

او طبق فرمایش امیر مومنان (علیهم السلام) در بین راه کوفه و نجف، مرد قهوه چی را پیدا نمود. شب را در قهوه خانه گذراند. شیخ دید این مرد، فردی عادی است و نماز معمولی می خواند؛ نه دائم الذکر است و نه اعمال ویژه ای انجام می دهد. مثل مردم عادی هم دعا می کند. به همین جهت، از مقام معنوی او با آن زندگی معمولی او متحیر شد. نزد قهوه چی آمد و گفت: ای مرد! تو چه ارزشی در پیش خداوند داری که مولایمان امیر مومنان (علیهم السلام) تو را وسیله استجاب دعا قرار داده است؟ علت این جایگاه بلندی را بگو. چگونه به چنین مقامی دست یافته ای؟ مرد قهوه چی گفت: من در دوران جوانی شاگرد قهوه خانه بودم. مادرم می گفت: آرزو دارم تو را داماد کنم. پولی جمع کردم و به مادرم دادم. او دختری برایم خواستگاری کرد. مقدمات عروسی من مهیا شد؛ اما شب زفاف، عروس را خیلی مضطرب و متوحش یافتیم، گفتم: چرا ناراحت و مضطرب هستی؟ گفت: واقعیت این است که من سرمایه عفت را از دست داده ام و این راز راهیچ کس جز خدا نمی داند. حال خود دانی! من از این آزمون به خداوند عالم پناه برده و استمداد طلبیدم و گفتم: خداوندا! الان بهترین وقت است که من برای رضایت تو راز داری کرده و از افشای این موضوع صرف



نظر کنم و آبروی این زن مسلمان را حفظ کنم. هیچ نگفتم و به همسرم قول دادم که چنان که تا به حال کسی ندانسته، از حالا به بعدم کسی نخواهد دانست. سال ها از آن آزمون سخت می گذرد تا به حال هم با آن زن زندگی می کنم. احدی جز خدا ماجرا را نمی داند تا این که الان شما اصرار کردید و من امر شما را اطاعت کردم. علامه شیخ جعفر کاشف الغطاء با تحسین رازداری وی، گفت: ای مرد! به خدا در آزمون مهمی برنده شده ای و عمل بزرگی را تسلیم خدا کرده ای! حالا بیا دعا کن! قهوه چی به میان جمعیت آمد و دست به آسمان بلند کرد و گفت: خدایا! مردم محتاج رحمت تو هستند. علی (علیه السلام) پیغام داده که من دعا کنم. از پیشگاهت برای خود و مردم طلب عفو می کنم. باران رحمت خویش را نازل فرما! دست مردم بلند بود که ابرها در آسمان ظاهر گردید و باران رحمت الهی آغاز شد.<sup>۱</sup>

### محل گذر

گویند: پادشاهی در گران بهایی را نگین انگشتر کرده بود و فرزندان را جمع کرده و خواست تا آنان جمله ای پیشنهاد کنند که نقش انگشتری کند که هر گاه بر آن نظر افکند، اگر شاد بود غافل نشود و اگر غمگین بود اندوهش را از بین ببرد.

فرزندان هر یک چیزی گفتند. حکیمی گفت: بنویس: «این نیز بگذرد».<sup>۲</sup>

۱- میرخلف زاده، قاسم، قصص الدعاء، ص ۱۳۷- از ره توشه راهیان نور، ص ۲۸۹، ویژه رمضان المبارک ۱۳۹۵. هش

۲. هزار یک حکایت، جلد ۲، ص ۳۱۲- گلشن لطایف، ج ۲، ص ۱۲۱.



## فصل چهارم

### اصول همسررداری

« هُنَّ لِيَاسٌ وَأَنْتُمْ لِيَاسٌ لَّهُنَّ »

زنان به منزله لباسی برای شمایند و شما به منزله لباسی برای آنها.

سوره بقره / ۱۸۶



## پیشگفتار

اسلام به شوهران مسلمان می‌گوید: زن امانتی است الهی در دست شما امانتی است نه تنها مانند جواهر و برلیان مادی که فقط از دیدنش لذت ببرید، بلکه عنصری با عاطفه و مهربان است که در غربت و تنهایی انیس و همدم باصفای شماست. نگهدارنده و تربیت کننده میوه درخت وجود و پاره تن شماست. امانت خدا را چنان که شایسته‌ی امانت‌گذار است نگهدارید. و به زنان مسلمان می‌گوید: پس از آن‌که از پدر و مادر جدا گشته و به خانه شوهر آمدید، شوهر را باید مثل پدر و مادر و بلکه بیش از آن‌ها احترام کنید شما عنوان مقدس مادری پیدا می‌کنید. اگر شوهرتان را با زبان خود بیازارید، خداوند متعال روزه و نماز شما را در زمان آزرده‌گی او قبول نمی‌کند. یکی از محبوب‌ترین کانون‌ها همین زندگی مشترک و کانون خانواده است که با محبت گرم می‌شود. زن و مرد مکمل یکدیگرند. محبت همسران به یکدیگر، مهربانی و حسن معاشرت با همسر نقش اساسی را در زندگی مشترک ایفا می‌کند. در این بخش نکاتی را که برای تعامل بیشتر و گرم شدن کانون خانواده و برای ازدیاد محبت، صمیمی شدن و احترام متقابل همسران به یکدیگر لازم است، به صورت خلاصه بیان شده است.

## تشبیه همسر به لباس

«هُنَّ لِيَاسٌ لَكُمْ وَ أَنْتُمْ لِيَاسٌ لِهِنَّ»<sup>۱</sup>

«آنها برای شما (همچون) لباسند و شما برای آنها (همچون) لباس.»

در تشبیه همسر به لباس، نکات و لطایف بسیاری نهفته است، از جمله:

\* باید لباس در طرح و رنگ و جنس، مناسب انسان باشد، همسر نیز باید هم کفو

انسان و متناسب با فکر و شخصیت انسان باشد.

\* لباس مایه زینت و آرامش است، همسر و فرزند نیز مایه زینت و آرامش خانواده

هستند.

\* لباس عیوب انسان را می‌پوشاند، هر یک از زن و مرد نیز باید عیوب و

نارسایی‌های یکدیگر را بپوشانند.

\* لباس انسان را از خطر سرما و گرما حفظ می‌کند، وجود همسر نیز کانون خانواده

را از آسیب‌ها حفظ و آن را گرم و زندگی را از سردی می‌رهاند.

\* لباس حریم انسان است و دوری از لباس، باعث رسوایی، دوری از ازدواج و

همسر نیز سبب انحراف و رسوایی انسان می‌گردد.

\* در هوای سرد لباس ضخیم و در هوای گرم لباس نازک استفاده می‌شود، هر

یک از زن و مرد نیز باید اخلاق و رفتار خود را متناسب با نیاز روحی طرف مقابل

تنظیم کند؛ اگر مرد عصبانی است، زن با لطافت با او برخورد کند و اگر زن خسته

است، مرد با او مدارا کند.

※ انسان باید لباس خود را از آلودگی حفظ کند، هر یک از دو همسر نیز باید دیگری را از آلوده شدن به گناه حفظ نماید.<sup>۱</sup>

### راهکارهای ایجاد محبت (چهل راهکار)

چهل نکته مفید و سازنده بیان می گردد تا با عمل به آن ها بتوانید در دوستی و ارتباط صمیمانه با همسرتان موفق باشید.

۱- با مطالعه کتاب های مربوط به انتخاب همسر، آیین همسررداری، چگونگی ایجاد ارتباط با دیگران و نیز شرکت در جلسه های آموزش خانواده، دانش و مهارت خود را در این زمینه افزایش دهید.

۲- با همدلی، همفکری، همکاری و مشورت با یکدیگر درباره مسائل مختلف، میان اعضای خانواده روابط سالم پدید آورید.

۳- هر یک از زوجین دیگری را نزدیک ترین و محرم ترین فرد بدانند و او را نیمه تن، حامی و پشتیبان خود تلقی کند.

۴- با داشتن مهارت های ارتباطی-نظیر به حرف های یکدیگر گوش کردن، احترام به نظرها و عقاید یکدیگر، تشریک مساعی، مشورت کردن و ... روابط خود را بهبود بخشید.

۵- بکوشید، با ایجاد کانونی گرم و صمیمی، تمام اعضای خانواده - به ویژه زن و شوهر- مسئولیت رسیدن به تفاهم را پذیرا شوند.

تا که از جانب معشوق نباشد کششی

کوشش عاشق بیچاره به جایی نرسد

۱- دقایقی با قرآن، استاد محسن قرائتی.

۶- هنگام اختلاف نظر یا سوء تفاهم، به جای سرزنش کردن یکدیگر یا تفسیر نادرست، به شناسایی مسئله و یافتن راه حل آن بپردازید و در صورت لزوم کمک و مشاوره افراد با تجربه و متخصص را جلب کنید.

۷- برای رسیدن به امنیت روانی و عاطفی در روابط زناشویی، داشتن صداقت، پذیرش، سعه صدر، انصاف و اعتماد متقابل را اصل اول قرار دهید.

۸- در صورت به وجود آمدن هرگونه سوء تفاهم و سوء برداشت، در نخستین فرصت ممکن به حل و فصل آن بپردازید تا به فرایندی مخرب و پیشرونده تبدیل نشود.

۹- به هر طریق ممکن رفتارهای مطلوب همسران را مورد توجه و تأیید قرار دهید؛ به گونه ای که همسران بفهمد برایش ارزش قائل هستید.

۱۰- تشویق و تأیید و بیان نکات مثبت، به طور آشکار یا در جمع باشد و تذکر نکات منفی و انتقاد، به طور محرمانه نکات منفی و انتقاد، به طور محرمانه و در تنهایی صورت گیرد.

۱۱- برای خصوصیات و نیازمندی‌های یکدیگر، ارزش قائل شوید و در روابط کلامی، عاطفی، اقدام‌ها و تصمیم‌گیری‌ها به افکار و خواسته‌های همسران توجه کنید.

۱۲- اگر رفتار خاصی برای شما مبهم است، ساده‌ترین راه این است که از همسران هدف و علت آن رفتار را بپرسید و با روش مسالمت‌آمیز، صمیمانه و خوش‌بینانه موضوع را روشن کنید.

۱۳- خشونت همسران را با خشونت پاسخ ندهید. خشونت را با سکوت پاسخ گوید و در موقعیتی مناسب؛ درباره مسئله مورد نظر به بحث و گفت و گو بپردازید.



۱۴- بکوشید در سراسر زندگی- به خصوص در روابط بین خود و همسران- به جای هر گونه پیش‌داوری یا مشاهده اشکالات و ضعف‌ها، نقاط مثبت و قوت را ببینید؛ به عبارت دیگر، به جای توجه به نیمه خالی لیوان، به نیمه پر آن توجه کنید.

۱۵- سعی کنید در برنامه‌ریزی برای فعالیت‌های اجتماعی اوقات فراغت، دید و بازدیدهای خانوادگی و نظایر آن، با یکدیگر مشورت کنید و از یک جنبه‌نگری بپرهیزید.

۱۶- در هر فرصتی که پیش می‌آید، با همسر و اعضای خانواده‌تان ارتباط کلامی و عاطفی برقرار کنید. بنابراین، مردان باید فعالانه به سخنان همسرانشان گوش کنند و واکنش مناسب نشان دهند.

۱۷- اگر هریک از زوجین در شرایط خاصی، نمی‌تواند به سخنان همسرش گوش کند، باید صادقانه و صمیمانه این موضوع را به وی انتقال دهد و تقاضا کند صحبت کردن درباره آن موضوع را به فرصتی دیگر واگذارد.

۱۸- هر از چند گاهی زوجین در فضای محرمانه، محبت‌آمیز و صمیمانه به ارزیابی رفتار و روابط یکدیگر بپردازند، و از یکدیگر بپرسند، چه باید کرد تا روابطمان بهتر و با نشاط‌تر شود؟

۱۹- همیشه، در رویارویی با مسائل و مشکلات خانوادگی، خود را در وضعیت طرف مقابل قرار دهید و با قبول مسئولیت خود و شناخت انتظارات مقابل به حل و فصل اختلافات روی آورید.

۲۰- در روز یا هفته‌ی زمان مشخصی را برای گفت‌وگو درباره مسائل مشکلات و به اصطلاح درد دل کردن با همسران اختصاص دهید.

- ۲۱- از داشتن نگرش‌های آرمان‌گرایانه و شاعرانه در مسئله ازدواج و روابط زناشویی و نیز انتظارات غیر واقع بینانه اجتناب کنید.
- ۲۲- ارتباط زوجین باید از هرگونه سوء ظن و حدس نادرست و غیر واقع بینانه به دور باشد. اگر موضوع و مسئله‌ای ذهن یکی از زوجین را به خود مشغول کرده است، باید آن را به صراحت و صادقانه مطرح کند و درستی و نادرستی‌اش را با همسرش مورد بررسی قرار دهد.
- ۲۳- هر یک باید زمینه‌های بروز سوء تفاهم‌ها و سوء ظن‌ها را از بین ببرد و از رفتارهایی که موجب بروز سوء تفاهم و سوء ظن می‌شود، خودداری کند.
- ۲۴- هر یک از زوجین باید بکوشد با روانشناسی همسرش آشنا شود، تا بداند او به چه اموری بها می‌دهد و نظام ارزشی‌اش چگونه است. برای مثال معمولاً زن به وابسته بودن، کسب امنیت عاطفی و مورد حمایت واقع شدن اهمیت می‌دهد و مرد می‌خواهد مستقل و خود مختار باشد و آزادی عمل را دارای ارزش می‌داند.
- ۲۵- زن و شوهر از مسخره کردن یکدیگر و گفتن سخنان طعنه آمیز و دو پهلو جداً پرهیز کنند.
- ۲۶- از رفتارهایی نظیر متلک، تحقیر، سرزنش و به رخ کشیدن یکدیگر که موجب افزایش مقاومت‌های روانی در طرف مقابل است، جداً باید پرهیز شود.
- ۲۷- در سراسر زندگی-از جمله در زندگی خانوادگی- بکوشید به نقاط مثبت، موهبت و نعمت‌هایی که در اختیار دارید بیندیشید نه به اموری که در اختیار ندارید.
- ۲۸- از خطاهای یکدیگر سریعاً بگذرید و خطاهای همدیگر را تحمل کنید.

۲۹- با یادآوری برخی ایام - مانند روز تولد، سالگرد ازدواج و نظایر آن- و دادن هدیه‌هایی هر چند کوچک (مثل یک شاخه گل) به طور نمادین عشق و علاقه خود را به همسرتان اعلام کنید.

۳۰- خود را در برابر همسرتان آراسته و پاکیزه و جالب توجه نگه دارید و از پریشانی و وضع نامرتب بپرهیزید.

۳۱- در انتخاب دوست و برقراری روابط دوستانه و معاشرت‌های خانوادگی با زوج‌های دیگر، دقت کنید و این امور را با توافق یکدیگر انجام دهید.

۳۲- از هرگونه رفتاری که به مردسالاری یا زن‌سالاری می‌انجامد بپرهیزید.

۳۳- خطای یکدیگر را در حضور دیگران، فرزندان، آشنایان، والدین یکدیگر و... بازگو نکنید.

۳۴- هرگز همسرتان را با زن یا مرد دیگر مقایسه نکنید.

۳۵- از رفتارهای مطلوب همسرتان تشکر کرده، او را تشویق کنید و انگیزه تکرار آن رفتار را بیشتر سازید.

۳۶- از تصمیم‌های نادرست و غیر منطقی و کلی‌گویی‌های منفی و شکل‌گیری افکار منفی، درباره همسرتان شدیداً بپرهیزید.

۳۷- حتی المقدور به قول‌هایی که به همسرتان داده‌اید، عمل کنید تا به سلب اعتماد و احساس فریب خوردگی نینجامد.

۳۸- از نسبت دادن القاب وزدن برچسب‌های ناگوار و نامطلوب - مانند بدقول، زرنگ، سلخته، کله‌شوق، یک‌دنده، لجاجت و خودخواه - به یکدیگر پرهیز کنید.

۳۹- در مواردی که غمگینی و افسردگی و یا عصبانیت زن یا شوهر، شدت می‌باید و احتمال اختلال در کار سیستم عصبی یا غدد درون‌ریز- به ویژه غده

تیروئید- وجود دارد، در نخستین فرصت به پزشک متخصص مراجعه کنید تا از عادی بودن ترشح غدد- از جمله غده تیروئید- مطمئن شوید.

۴۰- برای داشتن یک زندگی با نشاط و خوب بیندیشید، وقت بگذارید، احساس مسئولیت کنید، موانع ارتباط سالم را از میان بردارید و به عوامل ایجاد کننده روابط سالم توجه کنید<sup>۱</sup>.

### اصول همسر داری، (خانواده موفق)

اگر به دنبال زندگی مشترک خوبی هستید، چنان که می‌خواهید زندگی شیرین و باصفایی داشته باشید، اگر طالب آرامش و راحتی هستید و می‌خواهید از لحظات زندگی خود لذت ببرید اصول زیر را که الگوهای صحیح رفتاری در روابط زوجین است، و در زندگی مشترک خود به کار ببندید تا آثار معجزه آسای آن‌ها را به وضوح مشاهده کنید زن و شوهر بهتر است هر دو باهم این اصول را رعایت کنند.

#### اصل اول: صداقت

اعتماد زوجین به یکدیگر یکی از مهم‌ترین سرمایه‌ها و ارکان زندگی مشترک است باید در زندگی مشترک صداقت باشد و دروغ‌گویی و پنهان‌کاری پرهیز گردد. امام حسن عسگری علیه السلام می‌فرمایند: «همه خباثت و پلیدی‌ها در خانه‌ای نهاده شده که کلید آن دروغ‌گویی است»<sup>۲</sup>.

۱- برگرفته از کتاب پرسش و پاسخ دانشجویی، ج ۷، ص ۱۸۶- پاسخ به پرسش‌ها، ص ۳۶.

۲- مستدرک الوسائل، ج ۹، ص ۸۵.

### اصل دوم: انصاف

در روابط زناشویی انصاف را رعایت کنید. مثلاً اگر همسرتان در مورد موضوعی دوبار خطا کرده، نگویید تا حالا ده بار این کار را کرده‌ای! بی انصافی شما نسبت به همسرتان چند تا پیامد منفی دارد.

- ۱- او را هم وادار می‌کند نسبت به شما بی‌انصافی کند.
- ۲- نسبت به شما کم‌علاقه شده و کینه و نفرت به دل می‌گیرد.
- ۳- موجب می‌شود همسرتان لجبازی کند و رفتار بدی از خودش بروز دهد.

### اصل سوم: گذشت

ضرب المثل: اسکاتلندی دوام ازدواج یک قسمت روی محبت است و نه قسمتش روی گذشت از خطا. انسان موجودی است که در معرض لغزش قرار دارد زن و شوهر در زندگی گاهی دچار خطا و لغزش می‌شود اگر زن و شوهر از لغزش طرف مقابل گذشت نکرده و با او سخت‌گیری کند زندگی تلخ و ناگوار می‌شود رسول خدا: «بر شما باد که عفو و گذشت داشته باشید زیرا موجب عزت بنده است یکدیگر را عفو کنید تا خدا شما را عزیز کند.»

### اصل چهارم: مدارا

امام علی علیه السلام فرمود: در هر حال با همسرت مدارا کن و با او با نیکی معاشرت نما بحث مدارا با موضوع عفو و گذشت تفاوت دارد. در بحث عفو و گذشت، مسئله حق و ناحق است. اما در بحث مدارا اختلاف سلیقه است اختلاف سلیقه امری اجتناب

ناپذیر است. انسان نباید سلیقه و نظر خود را بر دیگری تحمیل کند. ضرب المثل عربی: سرش طلاس است، اما برای شانه دعوا می‌کند امام صادق (علیه السلام) می‌فرماید: «مدارا و سازگاری با مردم نصف ایمان است و نرمی با آنها نصف زندگی است.»<sup>۱</sup> مدارا کردن و کوتاه آمدن، نشانه ضعف نیست، بلکه فهم و شعور سعه صدر و بزرگ منشی فرد مدارا کننده را نشان می‌دهد.

### اصل پنجم: رازداری

خانواده و فضای روابط زناشویی، محیطی خصوصی و محرمانه است. زوجین باید کاملاً مراقب بوده و رازدار اسرار یکدیگر و مسائل خصوصی خانواده باشند... امام صادق (علیه السلام) فرمود: «مردم به دو خصلت مامور شدند ولی آن دو را تباه کردند و از دست دادند و از آن جهت بی همه چیز شدند: صبر و رازداری»<sup>۲</sup>

گر آرام خواهی در این آب و گل  
مگو تا توانی به کس راز دل

### اصل ششم: عشق و محبت به یکدیگر

در ازدواج، اصل قضیه محبت است محبت خانواده را پایدار می‌کند. پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) فرمود: اگر مرد به زنش بگوید دوستت دارم این سخن هرگز از قلب او خارج نخواهد شد کارهای سخت به برکت محبت برای انسان آسان می‌شود و باز پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) فرمود: سه چیز محبت آور است گشاده رویی، صدا زدن با نام نیکو، جا باز کردن در جای تنگ.<sup>۳</sup>

۱- همان، ج ۳، ص ۱۸۰.

۲- همان، ج ۳، ص ۳۱۴.

۳- اصول کافی، ج ۴.

### اصل هفتم: محکوم نکردن طرف مقابل

در لغزش و اشتباه در صدد محکوم کردن و سرزنش همسران نباشید بلکه کاری کنید که او به اشتباهش پی ببرد... .

### اصل هشتم: نظافت و خوش رویی

طبع همه انسان‌ها با بوی خوش و نظافت و پاکیزگی سازگاری دارد زن و شوهر در هر روز چندین ساعت کنار هم هستند این مسئله مهم است باید رعایت شود<sup>۱</sup>. امام صادق علیه السلام فرمودند: رسول خدا صلی الله علیه و آله برای بوی خوش بیشتر از خوراک خرج می‌کرد<sup>۲</sup>.

۱- از کتاب خانواده موفق، ص ۱۶-۳۰.

۲- وسائل الشیعه، ج ۲، ص ۱۴۶.





## فصل پنجم

### شیوه‌های تربیت اولاد

« وَ أَعِنِّي عَلَىٰ تَرْبِيَّتِهِمْ وَ تَأْدِيبِهِمْ وَ بِرْهِيمٌ »

بارالها! مرا در پرورش و ادب آموختن و نیکی به فرزندان یاری فرما.

صحیفه سجّادیه



## پیشگفتار

برقراری پیوند روحی و عاطفی عمیق بین والدین و فرزندان از اهمیت خاصی برخوردار است. این پیوند باعث برآورده شدن بسیاری از نیازهای روحی فرزندان می‌شود. در روابط انسانی دو نوع ارتباط وجود دارد، ارتباط رسمی و ارتباط صمیمی، ارتباط رسمی هرچند با ادب و احترام ظاهری توأم است اما خشک و بی‌روح است. مانند روابط اداری بین رئیس و زیر مجموعه اما ارتباط صمیمی، بر اساس محبت قلبی، تفاهم و اعتماد متقابل است. پیدایش چنین رابطه‌ای با فرزندان در گرو شرایطی است که صدق و صفا و یکرنگی و درک متقابل و علاقه‌ی واقعی می‌باشد. باور کنیم که بهشت را می‌توان به خانه آورد با محبت. اگر والدین بخواهند که فرزندان آن‌ها در کنارشان باقی بمانند و مسائل ساده باعث قطع ارتباط روحی فرزندان با آن‌ها نشود باید بتوانند رابطه‌ای صمیمانه با فرزندان خود داشته باشند. بسیاری از نابسامانی‌های روانی و از جمله نگرانی‌های انسان ناشی از تربیت نادرست او در دوران کودکی است. اثر نامطلوبی که از تندگی و خشم و غضب مربیان یا والدین در روح و روان کودک پدید می‌آید قابل توجه و تأمل است. در این بخش کتاب، ما نکاتی را برای تقویت ارتباط با فرزندان به صورت خلاصه بیان کردیم.

## چهل نکته اخلاقی - عبادی در رابطه با « رفتار با کودکان »

(۱) تحفه را اول به دختر بدهید .

(۲) با طفل خود کودکانه بازی کنید<sup>۱</sup> .

بازی بزرگسالان با کودکان در برنامه های تربیتی امروزی ، بسیار مهم تلقی شده است.

پیشوایان بزرگ اسلام به این اصل بزرگ تربیتی توجه کامل داشته درباره آن به مسلمین سفارش نموده‌اند. از پیامبر اکرم ﷺ در این زمینه نقل شده است که می‌فرمایند: «مَنْ كَانَ عِنْدَهُ صَبِيٌّ فَلْيَتَصَابَ لَهُ ؛ آن کس که نزد او کودکی است باید در پرورش وی، کودکانه رفتار نماید.»<sup>۲</sup>

و از حضرت علی (علیه السلام) منقول است که می‌فرمایند: «کسی که کودکی دارد باید در راه تربیت او خود را تا سر حد طفولیت و کودکی تنزل دهد»<sup>۳</sup>.

(۳) اطفال خود را به خاطر گریه هایشان نزنید، زیرا گریه تا مدتی شهادت به وحدانیت خدا، شهادت به نبی اکرم ﷺ و دعا برای والدین است.

(۴) فرزندان خود را ببوسید . پس همانا برای هر بوسیدن درجه ای است در بهشت<sup>۴</sup> .

حضرت علی (علیه السلام) می‌فرمایند: « بوسیدن فرزندان رحمت است»<sup>۵</sup>.

۱- وسائل، ج ۱۵، ص ۲۰۳، روایت ۱ و ۲.

۲- وسائل الشیعه، ج ۵، ص ۱۲۶.

۳- همان.

۴- کافی، ج ۶، ص ۴۹، روایت ۱.

۵- بحار الانوار، ج ۱۰۴، ص ۹۳، روایت ۲۴.

۵) با سلام کردن به فرزندان به او شخصیت دهید .

اگر کودک به بزرگ‌ترها سلام کرد، لازم است به گرمی جواب او را بگویید و با این عمل شخصیت او را مورد اعتنا و احترام قرار دهند. اما از صفات پسندیده پیامبر بزرگ اسلام ﷺ این بود که به تمام مردم از کوچک و بزرگ سلام می کردند<sup>۱</sup>.

۶) کودک را در کارهای کودکانه خود تمسخر نکنید و کارهایش را احمقانه نخوانید.

۷) زیاد امر و نهی به فرزند نکنید تا جرأت پیدا نکند (جرأت فرزند بر والدینش در کودکی، باعث نافرمانی در بزرگی خواهد شد).

۸) به فرزندان خود شخصیت بدهید . همانگونه که در روایت می خوانیم گاهی پیامبر ﷺ به احترام کودک خود سجده نماز را طولانی می‌نماید تا از دوش آن حضرت پایین بیاید و گاهی به احترام کودکِ دیگران که صدای او را شنیده، نماز جماعت را با سرعت خاتمه می دهد و بدین وسیله عملاً به مردم درس و روش حفظ شخصیت اطفال را می آموزد.

۹) به وعده خود وفا کنید<sup>۲</sup>. در اسلام وفای به عهد از علائم ایمان است و در کلام خداوند سبحان می‌خوانیم: «وَأَوْفُوا بِالْعَهْدِ إِنَّ الْعَهْدَ كَانَ مَسْئُولًا<sup>۳</sup>؛ به عهد و پیمان وفادار باشید و بدانید که این امر در پیشگاه خداوند مورد مؤاخذه و پرسش است.» «وَالَّذِينَ هُمْ لِأَمَانَاتِهِمْ وَعَهْدِهِمْ رَاعُونَ<sup>۴</sup>؛ مؤمنین کسانی هستند که به امانت

۱- مستدرک، ج ۲، ص ۶۹.

۲- اصول کافی، ج ۶، ص ۴۹.

۳- سوره اسراء / ۳۴.

۴- سوره مؤمنون / ۸.

و عهد و پیمان خود وفادارند.» از پیامبر اکرم ﷺ روایت شده است که فرمودند: «کودکان را دوست بدارید و با آنان با عطف و مهربان باشید، وقتی به آن‌ها وعده‌ای می‌دهید حتماً وفا کنید، زیرا کودکان شما را رازق خود می‌پندارند<sup>۱</sup>».

**۱۰)** برای تربیت جنسی کودکان، پدر و مادر نخست باید به فرزندان خود پیام‌رسانند که سرزده وارد اتاق آن‌ها نشده و اجازه بگیرند.

**۱۱)** لوس کردن کودکان آنان را موجوداتی ضعیف و بی‌اراده و خودرأی بار می‌آورد. این قبیل اطفال در ایام کودکی، پدران و مادران خود را با اعمال نادرست خویش به زحمت می‌اندازند و آنان را با مشکلاتی مواجه می‌کنند.

**۱۲)** هیچ چیز به قدر تحقیری که کودک در قبال قدرت و زور نمایی بزرگترها در خود احساس می‌کند، اعتماد به نفس را در او خاموش نمی‌کند، به خصوص وقتی پس از توسل به زور به او بگویند: بیخود سعی نکن، تو نمی‌توانی، عرضه‌اش را نداری.

**۱۳)** برای کودکان خود دعا کنید. حضرت ابراهیم علیه السلام اینگونه از خداوند فرزندی صالح را طلب می‌کند: «رَبِّ هَبْ لِي مِنَ الصَّالِحِينَ فَبَشَّرْنَاهُ بِغُلَامٍ حَلِيمٍ<sup>۲</sup>؛ خدایا مرا (فرزندی) از شایستگان ببخش. پس ما نیز او را به پسری شکیبیا بشارت دادیم.»

**۱۴)** تذکرات باید چنان با ملایمت باشد که سدی بین والدین و فرزندان‌شان نشود.

۱- همان.

۲. سوره صافات/۱۰۰ و ۱۰۱.

(۱۵) اگر کودک مورد احترام باشد، در خانه کمتر از اوامر پدر و مادر سرپیچی می‌کند. احترام به کودک و حسن معاشرت پدر و مادر با وی یکی از اساسی ترین عوامل ایجاد شخصیت در کودک است.

(۱۶) مربی خوب کسی است که عاقلانه خواهش‌های کودک را از راه‌های صحیح با روش درست تعدیل کند .

(۱۷) ایمان را در کودکان خود پرورش دهید . با تقویت ایمان در کودکان و در نتیجه تحویل دادن فرزندی با ایمان به جامعه، آن‌ها را باقیات الصالحات خود قرار دهید که قطعا نزد خداوند عاقبت بسیار نیکویی خواهد داشت.

(۱۸) از مچ گیری و رفتار سرورانه با کودکان پرهیز کنید.

(۱۹) یکی از وظایف پدر و مادر در تربیت فرزند پرورش فطرت راستگویی کودک است. آنها موظفند در خانه طوری رفتار نمایند که اطفال به راستی و راستگویی عادت کنند.

(۲۰) کودک را به خاطر تربیت نباید ترساند؛ زیرا ترس شخصیت کودک را از بین برده و دچار اختلالات روانی و ایجاد وابستگی می‌کند.

(۲۱) نوازش، یکی از غذا های روانی کودک است که باید به اندازه کافی از آن تغذیه شود و گاهی گریه بچه فقط برای این است که تشنه محبت و نوازش است . بچه‌ای که در محیط خانواده به قدر کافی محبت دیده است، تشنه محبت نیست و در مقابل چند جمله این و آن خود را نمی‌بازد و شخصیت خود را گم نمی‌کند.

(۲۲) والدین موظفند از کودکی، قبح گناه و تنفر مردم از گناهکار را به کودک بفهمانند و کارهای بد او را توبیخ و در کار های خوب، او را تشویق کنند تا شخصیت

او احیا شده و موجبات امیدواری و دلگرمی آنان فراهم شود. البته توبیخ و تحسین بی‌موقع یا بیش از حد، خود منشأ فساد است.

(۲۳) بستر بچه‌ها از ۶ سالگی از هم جدا باشد (گرچه هر دو دختر یا پسر باشند).

(۲۴) تذکرها در صورتی اثر دارد که والدین خود عامل به آن‌ها باشند.

نخستین گام در راه پرورش فرزندان، تربیت خویشتن است. کسی که خود به صفات اخلاقی نیکو زینده نشده هیچگاه نمی‌تواند دیگری را به پاکی هدایت کند. پدر و مادر تندخو و پرخاشگر کمتر فرزندی آرام و سازگار تربیت خواهند کرد.

(۲۵) بین نظم در خانه و بیرون فرق قائل شوید. بگذارید کودک در خانه آزادانه

بازی کند.

(۲۶) رفتارهای غیر منتظره کودکان را تا حدودی تحمل کنید. خطای کودک را

همیشه گناهی نابخشودنی تصور نکنید تا مجبور به تنبیه نشوید. صبر، گذشت و تحمل لازم است.

(۲۷) در تذکر، دیگران را به رخ کودک خود نکشید و کسی را با او مقایسه نکنید.

(۲۸) از طریق داستان سرایی بسیاری مفاهیم مانده حق دوستی، ایمان، رسوا

جلوه دادن کار زشت و غیره را می‌توان به کودک القاء کرد.

(۲۹) شیطنت کودک در خردسالی نشان دهنده زیادی عقل او در بزرگسالی است

پس نگران نباشید و آن را سرکوب ننمایید.



(۳۰) کودکان را از ۷ سالگی امر به نماز کنید و از ۹ سالگی امر به روزه نصف روز یا بیشتر یا کمتر کنید<sup>۱</sup>.

(۳۱) به فرزند خود قرآن بیاموزید. خواندن قرآن در منازل سبب اعتلای کلمه حق و نشر حقایق اسلام می شود. هرگاه پدری در منزل قرآن بخواند، همسر و فرزندان وی نیز طبعاً در این عمل از او پیروی نموده و به خواندن قرآن تشویق می گردند.

(۳۲) از متهم ساختن اطفال به دروغگویی باید خودداری شود، زیرا دروغ حقیقی و مغرضانه تا ۵ سالگی نادر است و آنچه هست خیال پردازی آن هاست که معلول میل به بازی کردن و شگفت زده ساختن دیگران و گرایش به خود شناسی کودکانه است.

(۳۳) تخطئه کردن کودکی که با سؤالات خود انسان را خسته می کند حس کنجکاوی او را تضعیف می نماید.

(۳۴) سعی کنید مشاجره نکنید به ویژه در برابر فرزندان خود، چون به شدت آن ها را می آزارید و شخصیت آن ها را دگرگون می کنید.

(۳۵) کودکان به شدت از واژه مرگ هراس دارند، بخصوص مرگ پدر و مادر. بنابراین وقتی ضرورت ندارد دائم از مرگ خود و نا امیدیه ها و امثال آن صحبت به میان نیاورید. در مقابل، حقیقت مرگ را به فرزندان خود بیاموزید.

(۳۶) استعداد های فرزندان خود را کشف کنید و به شکوفایی این استعدادها همت گمارید.

(۳۷) از نظر مالی فرزندانان را آنقدر اشباع نکنید که به بیراهه بروند و آنقدر نیز بی توجه نباشید، که هر دو سوی قضیه خطرناک است.

(۳۸) تنها نقطه امید و مایه شادی و نشاط کودک، مهر پدر و مادر است. هیچ نیرویی به اندازه محبت والدین، خاطر طفل را مطمئن و آرام نمی کند و هیچ مصیبتی مانند از دست دادن تمام یا قسمتی از مهر پدر و مادر، روان او را مضطرب و آزرده نمی سازد.

(۳۹) لازم است پدر و مادر به تناسب تکامل کودک، به او آزادی بدهند و او را به اختیار خودش بگذارند تا در ضمن بازی کردن و دویدن، حس ابتکار و عشق و استقلال فطری را در خود احیاء کند و با اعتماد به نفس بار آید؛ ولی کمال مراقبت را معمول دارند که آزادی از حد لازم تجاوز نکند و طفل از قدرت خود سوء استفاده ننماید.

(۴۰) تربیت فرزند و آموزش واجبات از وظایف والدین است و کسانی که به این امر توجه ندارند مورد نکوهش ائمه علیهم السلام قرار گرفته شده اند<sup>۱</sup>.

برای آن که فرزندان مطیع اوامر الهی و دستورات اهل بیت علیهم السلام داشته باشیم باید از راه های مختلف محبت را در آنها زنده کنیم و از آنجا که لازمه محبت، معرفت است باید در ایجاد معرفت نیز کوشا باشیم.<sup>۲</sup>

۱- مستدرک الوسائل، ج ۱۵، ص ۱۶۴.

۲- تلخیصی از کتاب ریحانه بهشتی از صفحه ۲۲۱ الی ۲۴۵.

## کلید های تربیتی ( شیوه های تربیت اولاد )

پدر و مادر گرامی! تکنیک‌ها و کلید های تربیتی ذیل را در رفتار و برخورد با فرزندانان به کار گیرید. تا تاثیرات شگرف و سازنده آنها در تربیت و پرورش صحیح فرزندان خود به وضوح مشاهده کنید: جهت تربیت با معاشرت است نه فقط با کلاس و صحبت و نصیحت و ... .

### ۱- پرهیز از منفی بافی

هر نوجوانی هم نقاط ضعف دارد و هم نقاط قوت فقط نقاط ضعف و منفی او را نبینید با تکرار نقاط ضعف او شخصیت او را زیر سوال می‌برید. و او را نسبت به خودش مأیوس و نسبت به خودتان متنفر می‌کنید درحالی که با ذکر نقاط قوتش باعث می‌شود که به خودش امیدوار شود و در رفع عیوب خودش بکوشد.

### ۲- مقایسه نکردن فرزندان با دیگران

استعداد افراد تفاوت می‌کند و هرکس توان خاصی دارد هر فردی را باید با توان و استعداد خودش سنجید. با مقایسه کردن نادرست فرزندانان با دیگران غرور و شخصیت آنان را می‌شکنید و فرزندان احساس یأس و حقارت می‌کنند و ... .

### ۳- عدم نصیحت در حین دعوا و عصبانیت

نصيحت موقع دعوا و عصبانی شدن نه تنها فایده و تاثیر ندارد بلکه پیامدهای منفی نیز دارد چون در حین عصبانیت فرزند شما آمادگی پذیرش نصیحت و آموزش را ندارد. پس صبر کنید در موقع مناسب و در کمال آرامش به ویژه هنگامی که با فرزندانان دوست و صمیمی هستید او را نصیحت کنید و آموزش دهید.

#### ۴- نسبت دادن بدی به «عمل» نه به «نوجوان»

هرگاه فرزند شما مرتکب عمل بدی شد (وقتی آن را تکرار هم کرد) هرگز به او نگویید «تو بد هستی» بلکه بگویید «این کار بد است...» در واقع «بدی» را به عمل و کارش نسبت دهید نه به خودش. در این صورت نسبت به شخصیت خودش مایوس و بد بین نمی‌شود. و موجب می‌شود که باور کند که شما دوستش دارید و صرفاً با عمل بدش مخالف هستید.

#### ۵- داشتن صداقت با فرزندان

از دروغ گفتن به فرزند خود جداً پرهیز کنید و هرگز وعده دروغ ندهید؛ چرا که اعتماد او نسبت به شما از بین می‌رود و نسبت به سخنان یا وعده‌های دیگر شما شک و تردید خواهد کرد. پس اگر در موردی کاری نمی‌توانید انجام دهید با صداقت توضیح لازم و حقیقت را به او بگویید.

#### ۶- پرهیز از تأمین همه خواسته‌های فرزند

نباید تمام خواسته‌های فرزندان را تأمین کنید، حتی اگر توان آن را داشته باشید. تأمین هر خواسته‌ای باعث می‌شود ضعیف دست بار آید. تأمین هر خواسته‌ی فرزند، او را لوس و پرتوقع بار خواهد آورد.

#### ۷- تنبلی و بی‌کار بار نیاوردن فرزند

فرزند شما در هر سنی که باشد، متناسب با توان خود باید در کارهای خانه شرکت داشته باشد... ندادن کار، او را ضعیف و ناتوان و نابلد بار می‌آورد درحالی که با انجام

حتی کار های ساده او پخته و قوی می شود . همچنین با کار کردن در خانه قدر والدین را بهتر خواهد دانست.

## ۸- احترام به نوجوان

نوجوان شما همچنان که از نظر جسمانی رشد کرد، از نظر روحی و روانی نیز احساس بزرگی و شخصیت می کند، می خواهد به او توجه شود پس با او محترمانه و بزرگانه صحبت کنید . هرگز لفظ «بچه» مخصوصا به صورت تحقیرآمیز در مورد او به کار نبرید. به حرف او گوش کنید و سخنانش را قطع نکنید .

## ۹- توجه به کاهش روحیه تقلید از خانواده

در دوران نوجوانی، روحیه تقلید از خانواده و پدر و مادر کم شده و نوجوان به سادگی هر حرفی را نمی پذیرد، تقلید محض را برای خود ضعف می داند، استدلال می خواهد، مایل است خود را بشناسد و انتخاب کند. به سوال های فرزندتان به خوبی پاسخ بدهید و با احترام و استدلال نظرات خود را به او تفهیم کنید .

## ۱۰- اشباع کردن از محبت

همه نیاز به محبت دارند ، ولی نوجوان بیشتر ، دختران نیز بیش از پسران نیازمند محبت هستند. پدر و مادر اگر فرزندان خود را سرشار از محبت نکنند ، برای جبران محبت در دام دیگران می افتد محبت را هم به صورت کلامی در قالب جملات و کلمات محبت آمیز هم به صورت رفتار و حرکات به نوجوان ابراز نماید.

## ۱۱- احترام به حسّ استقلال نوجوان

نوجوان شما به اقتضای سنش می‌خواهد در برخی امور خود تصمیم بگیرد. می‌خواهد آزادی عمل بیشتری داشته باشد و وابستگی‌اش به خانواده کمتر شود. این خصوصیات را غیر عادی و انحراف تلقی نکنید. همچنین تعادل را رعایت کنید نه خیلی استقلال و آزادی عمل دهید و نه خیلی سخت‌گیری و محدودیت ایجاد کنید. به قول شهید مطهری: مثل آموزش کرکس به فرزندش ...

## ۱۲- توجه به نقش دوستان نوجوان

در دوران نوجوانی تاثیر پذیری او از دوستان و همسالان خود بیشتر است. والدین در این رابطه سه وظیفه بر عهده دارند: ۱- نظارت بر دوستان و همسالان فرزندتان ۲- کمک به او در جهت شناسایی و انتخاب دوستان شایسته و مناسب ۳- اقدام در جهت قطع ارتباط او با دوستان و همکلاسی‌های نامناسب و ناباب. بدیهی است موفقیت در هر سه مورد نیازمند آشنایی با تکنیک‌ها و ظرافت‌های تربیتی است.

## ۱۳- برخورد مثبت با روحیه پرسشگری نوجوان

در زمینه‌های مختلف اعتقادی، سیاسی، اجتماعی، فرهنگی، تحصیل و شغل پرسش‌های گوناگون به ذهنشان می‌رسد و به دنبال پاسخ هستند. به پرسش‌های نوجوان اعتراض نکنید و در حد توان سوالاتشان را پاسخ دهید. و در صورتی که به پاسخ به سوالات فرزندتان ناتوان هستید حتماً از افراد متخصص و آگاه کمک بگیرید و فرزندانتان را قانع کنید.<sup>۱</sup>

۱- از کتاب ۱۲۰ اصل (خانواده موفق).

## ۱۴- پرهیز از خشونت و پرخاشگری

پرخاشگری در کودکان از طریق یادگیری است یعنی کودکانی که الگوهای رفتاری پرخاشگرانه داشته‌اند، همانند الگوهای خود رفتار می‌کنند. چنانچه پدر یا مادری خلق و خوی عصبانی و پرخاشگرانه داشته باشد مسلماً فرزندشان پرخاشگر خواهد شد و این رفتار، را کودک یاد می‌گیرد. کودکان با والدین همانند سازی می‌کنند. بسیاری از رفتار های پدر و مادر را فرزندان ناخودآگاه فرا می‌گیرند و فرایند همانند سازی کاملاً ناخودآگاه صورت می‌پذیرد<sup>۱</sup>.

### احیاء استعدادها در فرزندان و نقش کلیدی تشویق

در سایه‌ی تشویق و تحسین، استعدادهای درونی افراد به فعلیت می‌رسد و کمالات نهانی مردم آشکار می‌گردد. گوئی تحسین و تشویق و تمجید، به افراد نیروی تازه‌ای می‌بخشد و راه تکامل را بر روی آنان باز می‌کند!

یکی از بزرگ‌ترین روانشناسان عصر حاضر یعنی (دکتر ماگدوگال) می‌گوید تقریباً تمام اطفال بدون استثناء بیش از تنبیه و خشونت به تشویق و برانگیختن حسن اعتماد به نفس احتیاج دارند. چه بسیاری از کودکان بر اثر فقدان مشوق و محرک، از استعداد خلاقانه خود بی‌خبر مانده و فقط یک تذکر کوچک قادر به ظاهر کردن آن گشته است! قسمت عمده‌ای از آسفتگی‌های فکری و عصبی اطفال مولود رفتار خشونت باری است که برای سرزنش آن‌ها اعمال گردیده است.<sup>۲</sup>

<sup>۱</sup>. مجله پیوند شماره ۳۸۴ آموزش و پرورش، مهرماه ۱۳۹۰، ص ۲۵.

<sup>۲</sup>. گفتار فلسفی کودک، ص ۳۳۴.





## فصل ششم

### فضایل صلوات

قال رسول الله ﷺ:

«صَلَاتُكُمْ عَلَيَّ إِجَابَةٌ لِدُعَائِكُمْ وَ زَكَاةٌ لِأَعْمَالِكُمْ»

پیامبر اکرم ﷺ فرمود: صلوات فرستادن شما بر من موجب  
استجابت و قبولی دعایتان و پاکیزه شدن اعمالتان می شود.

ثواب الاعمال، ص ۱۳۰- بحار، ج ۹۱، ص ۵۷.



## پیشگفتار

الحمد لله رب العالمين و صلى الله على سيدنا و نبينا محمد و آله المعصومين.  
 ذکر شریف صلوات نور تمام اسماء الهی را داراست، این ذکر شریف از  
 کامل‌ترین و جامع‌ترین ادکار می‌باشد، این ذکر نورانی در هر حال و در هر شرایطی  
 آثار پربرکت خود را به جای خواهد گذاشت، هیچ عبادتی مانند صلوات نیست، هیچ  
 عبادتی را خداوند نفرموده من انجام می‌دهم شما هم انجام دهید. اما در مورد صلوات  
 فرمود خدا و ملائکه‌اش بر پیامبر صلوات می‌فرستند پس ای مؤمنان شما هم بر او  
 صلوات بفرستید. در قرآن کریم فقط یک جا هست که خداوند متعال از انسان  
 می‌خواهد در یک کاری با خدا هم‌نوا شود و آن این آیه است «ان الله و ملائکته  
 یصلون علی النبی یا ایها الذین آمنوا صلوا علیه و سلموا تسلیماً.»

یکی از سنت‌های اصیل و ارزشمند الهی، صلوات بر پیامبر و اهل بیت (علیهم‌السلام) است.  
 صلوات بهترین ذکر برای برآوردن حاجات، درمان امراض و رفع گرفتاری‌هاست.  
 مسلمانان هر روز، حداقل ۹ مرتبه در نمازهای یومیه آن را بر زبان جاری می‌کنند.  
 بیاید با ذکر صلوات، خود را بیمه نماییم و ذکر صلوات را نصب العین خود قرار دهیم  
 تا دعاهایمان مستجاب شود.

حضرت امام علی (علیه‌السلام) فرمودند: دعایی مستجاب است که در اول و آخر آن، بر  
 محمد و آل او صلوات فرستاده شود. (دعایی که در آن صلوات نباشد محجوب است.)<sup>(۱)</sup>  
 لازم به ذکر است جهت اختصار متن عربی روایات را درج نکردیم.

## فضایل آیه ان الله و ملائکته ...

« انَّ اللّٰهَ وَ مَلَائِكَتَهُ یصلُّونَ عَلَی النَّبِیِّ یَا اَیُّهَا الَّذِینَ اٰمَنُوا صَلُّوا عَلَیْهِ وَ سَلِّمُوا  
تَسْلِیْمًا»<sup>۱</sup>.

ابن عباس می گوید: « وقتی این آیه کریمه نازل شد حضرت رسول ﷺ گونه‌ی مبارکش مثل دانه انار از غایت فَرَح و شادی برافروخته شد، شنیدم که می فرمود: « یُهَيِّئُونَنی فِی السَّمَوَاتِ » مرا مبارک باد گوئید، چون برای من آیتی آمده است که نزد من از دنیا و هر چه در آن است بهتر است سپس این آیه را خواند و اصحاب گفتند: « هِنِئاً لَكَ یَا رَسُولَ اللّٰهِ بِکَرَامَةِ لَكَ » خوشگوار باد بر تو این نعمت ای رسول خدا! بعد از آن اصحاب گفتند: یا رسول الله! می خواهیم ما را از حقیقت این آیه واقف گردانی. فرمود: « از من سؤال کردید علم مکنونی را که اگر نمی پرسیدید اظهار نمی کردم. بدانید که حق تعالی بر من دو فرشته را موکل کرده که هیچ بنده مؤمنی نباشد که نام مرا بشنود و بر من صلوات بفرستد. مگر آن که دو فرشته دعا کنند که « غَفَرَ اللّٰهُ لَكَ ». بعد از آن حق تعالی با همه فرشتگان در جواب آن دو فرشته می گویند: آمین، یعنی چنین باد. <sup>۲</sup>

## پاک شدن از گناهان با صلوات

امام رضا علیه السلام می فرماید: کسی که نمی تواند با چیزی گناهانش را پاک و محو نماید، بر محمد صلی الله علیه و آله و آل او صلوات بفرستد، زیرا صلوات گناهان را ریشه کن و نابود می کند و از بین می برد. <sup>۳</sup>

<sup>۱</sup>. سوره احزاب / ۵۶.

<sup>۲</sup> - بحار الانوار، ج ۸۵، ص ۸۵ و ۲۷۹ - کلید سخنوران تلخیص خزینة الجواهر فی زینة المنابر.

<sup>۳</sup> - بحار الانوار، ج ۹۱، ص ۶۳.

## دیدن بهشت با صلوات

رسول اکرم ﷺ فرمود: هر کس هر روز هزار صلوات بر من فرستد از دنیا نخواهد رفت تا جای خود را در بهشت ببیند.<sup>۱</sup>

## درمان فراموشی با صلوات

رسول خدا ﷺ فرمود: وقتی چیزی را فراموش کردید، بر من صلوات بفرستید که موجب یاد آمدن آن چیز خواهد شد. انشاء الله تعالی.<sup>۲</sup>

## صلوات جهت حاجت

رسول اکرم ﷺ فرمود: صلوات فرستادن شما بر من باعث روا شدن حاجت‌های شماست و خدا را از شما راضی می‌گرداند و اعمال شما را پاک و پاکیزه می‌کند.<sup>۳</sup>

## برترین اعمال در برزخ

ابو علقمه می‌گوید: پیامبر ﷺ بعد از نماز صبح، رو به ما کرد و فرمود: اصحاب من! دیشب عمویم، حمزه و برادرم، جعفر طیار را در خواب دیدم. به آن دو بزرگوار نزدیک شدم و گفتم: پدر و مادرم فدایتان! کدام عمل را برتر یافتید؟ پاسخ دادند پدر و مادر ما فدایتان! ما صلوات فرستادن بر تو، تشنه را سیراب کردن و محبت علی بن ابی طالب را برترین عمل یافتیم.<sup>۴</sup>

۱- همان ، ص ۲۹ .

۲- همان ، ص ۳۲ .

۳- بحار، ج ۹۱، ص ۵۷ .

۴- اصول کافی، ج ۴ ، ص ۵۰ .

## درخت محبوبه در بهشت

رسول خدا ﷺ فرمود: در بهشت درختی است که آن را محبوبه گویند. میوه آن درخت از انار کوچک‌تر، از سیب بزرگ‌تر، سفیدتر از شیر، شیرین‌تر از عسل و نرم‌تر از مسک است، و از آن میوه نمی‌خورد مگر کسی که هر روز مداومت نماید به گفتن «اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَسَلَّمَ»<sup>۱</sup>.

## حاجت دنیا و آخرت با صلوات

امام رضا علیه السلام فرمود: کسی که بعد از نماز صبح و مغرب، قبل از آن که از حالت نماز خارج شود، بگوید:

«إِنَّ اللَّهَ وَمَلَائِكَتَهُ يُصَلُّونَ عَلَى النَّبِيِّ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا صَلُّوا عَلَيْهِ وَسَلِّمُوا تَسْلِيمًا»<sup>۲</sup> سپس بگوید: اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَذُرِّيَّتِهِ، خداوند صد حاجت او را برآورده می‌کند که هفتاد حاجت در دنیا و سی حاجت در آخرت است.<sup>۳</sup>

## صلوات با دل و زبان

یکی از آداب فرستادن صلوات این است که دل با زبان موافقت نماید، به این معنا که از روی غفلت زبان را به گفتن صلوات حرکت ندهد.<sup>۴</sup>

۱- صلوات کلید حل مشکلات، ص ۹۰.

۲- سوره احزاب، آیه ۵۶.

۳- بحار الانوار، ج ۹۱، ص ۶۴.

۴- صلوات کلید حل مشکلات، ص ۶۲.

## حاضر دیدن پیامبر با صلوات

دیگر از آداب صلوات این است که هنگام صلوات فرستادن، آن حضرت را حاضر ببینید و چنان تخیل نمایید که با آن حضرت در حال سخن گفتن هستید.<sup>۱</sup>

## بهترین عمل در روز جمعه

امام صادق (علیه السلام) فرمود: هیچ عملی در روز جمعه برتر از صلوات بر محمد (صلی الله علیه و آله) و آل محمد نیست.<sup>۲</sup>

## زمان صلوات

امام جعفر صادق (علیه السلام) فرمود: در آخر روز پنجشنبه و شب جمعه، جمعی از ملائکه از آسمان فرود می‌آیند که قلم‌هایی از طلا و لوح‌هایی از نقره همراه آنان است و در آخر روز پنجشنبه و شب جمعه و روز جمعه تا وقت غروب، چیزی به جز صلوات بر پیغمبر و آل آن حضرت نمی‌نویسند.<sup>۳</sup>

## فضیلت بسیار

بعد از عصر پنجشنبه تا آخر روز جمعه این صلوات به این روش مستحب است و بسیار فضیلت دارد. «اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَعَجِّلْ فَرَجَهُمْ وَأَهْلِكَ عَدُوَّهُمْ مِنَ الْجِنَّ وَالْإِنْسِ مِنَ الْأَوَّلِينَ وَالْآخِرِينَ».<sup>۴</sup>

۱- بحار الانوار، ص ۶۲.

۲- همان، ص ۳۸.

۳- صلوات کلید حل مشکلات، ص ۳۷.

۴- مفاتیح الجنان، اعمال شب جمعه، ص ۶۳.

## صلوات نامه فارسی

در بین زمین و آسمان‌ها و کرات  
زیباتر از این دعا ندیده‌ست کسی  
بر خاتم انبیاء محمد صلوات  
در بین مناجات و تمام کلمات

\*\*\*

دم به دم در همه دم بر گل رخسار محمد صلوات  
بر علی شیر خدا ساقی کوثر صلوات  
بارها گفت پیغمبر که علی جان منست  
هم به علی و جان محمد صلوات

\*\*\*

ما دوست‌دار مصحف و در دین احمدیم  
اندر جهان به خلق دو عالم سرآمدیم  
زیر لوای آل علی صف کشیده‌ایم  
چشم انتظار قائم آل محمدیم

\*\*\*

بر چهره زیبای محمد صلوات  
بر گنبد خضرای محمد صلوات  
سر تا به قدم آینه او زهراست  
تقدیم به زهرا و محمد صلوات

\*\*\*

به آیه آیه قرآن احمدی صلوات  
به بهترین گل گلزار سرمدی صلوات



به اهل بیت رسول گرامی اسلام

به غنچه غنچه باغ محمدی صلوات

\*\*\*

بر چهره دلگشای مهدی صلوات

بر قامت دلربای مهدی صلوات

تا پرده ز رخ گرفت قدسی نفسان

خواندند به رونمای مهدی صلوات<sup>۱</sup>

\*\*\*

### صلوات نامه چهارده معصوم علیهم السلام ترکی

مصطفی نین گل رخسارینه گوندر صلوات

مرتضی نین دل بیدارینه گوندر صلوات

فاطمه ام ابیها نین او چادر شبنین

سایه سینده گزن انصارینه گوندر صلوات

مجتبی ارشد اولاد علی دور حسنین

علمنه، حلمنه، کردارینه گوندر صلوات

جان و دلدن ائله اعلان که حسین عاشقی سن

آقامون قولسوز علمدارینه گوندر صلوات

گر مریضون وار اوتانما دوت حسینون اتگین

ویانان خیمرینه گوندر صلوات

۱- گلچینی از کتاب راهنمای مصور سفر زیارتی عراق، ص ۳۰۷، ۴۹۴، ۴۹۵.

باخ بقیعه حرم باقر و صادق‌دی او را  
 سسله یا فاطمه زوارینه گوندر صلوات  
 صدیقین عرض ایله زندانی بغداده سلام  
 موسی بن جعفرین آثارینه گوندر صلوات  
 هم رضا تاج شرفدور هم بیزه اوغلی جواد  
 اولارین دیلده کی اسرارینه گوندر صلوات  
 هادی و عسکرینون قبرینه باخ سامرده  
 او بیوک گنبدین انوارینه گوندر صلوات  
 اون اوچ نور گلیدور مه‌دیده بیرگون گله چاق  
 آقامون اوشیوز اون اوچ یارینه گوندر صلوات

## شعار عرش

اذکار چو قطره‌اند و دریا صلوات  
 وصل‌اند تمامشان به هم با صلوات  
 مجموع عبادات ثواب همه شان  
 در عرش معین است اِلَّا صلوات  
 تطهیر کننده دل ما صلوات  
 معراج نرفته کسی بی صلوات  
 بر خاک نمانده است کسی با صلوات  
 آنان که به این ذکر ارادت دارند

سادات قبیله‌اند بر آنها صلوات  
 محشور کند خدا مرا با زهرا  
 محشور کند خدا مرا با صلوات  
 تا روز معاد می فرستم هر دم  
 بر احمد و مرتضی و زهرا صلوات  
 این ذکر پذیرایی خاص ربّ است  
 بر عرش نوشته‌اند بفرما صلوات  
 علی اکبر لطفیان

### درود خدا و فرشتگان

خدا و فرشتگان بر پیامبر ﷺ درود می فرستند. ای کسانی که ایمان آورده اید بر  
 او درود بفرستید و سلام گویند و کاملا تسلیم (فرمان او) باشید.<sup>۱</sup>  
 سر سلسله جنیان تجلی صفات  
 شد ختم رُسل جمع جمیع ملکات  
 از عرش ملائک ز شعف بانگ زدند  
 بر خاتم انبیاء محمّد صلوات  
 برآورده شدن حاجات با صلوات  
 پیامبر اکرم ﷺ فرمودند: صلوات باعث برآورده شدن حاجت‌ها و رضایت خداوند  
 است.

خواهی که شوی تو سالک راه نجات  
 سیراب شوی ز چشمه آب حیات  
 خواهی که دلت به نور حق زنده شود  
 بر خاتم انبیاء محمد صلوات

### صلوات نوری در قبر و بهشت

پیامبر اعظم ﷺ فرمودند: بسیار بر من صلوات فرستید که صلوات بر من نوری در قبر و نوری در بهشت است<sup>۱</sup>.

خوشبخت کسی است که عشق احمد دارد  
 در قلب و رخس نور محمد دارد  
 هرکس بفرستد بر محمد صلوات  
 در آخرش ثواب بی حد دارد

### بخیل ترین مردم

رسول گرامی اسلام ﷺ فرمودند: بخیل کسی است که چون نام من نزد او برده شود بر من صلوات نفرستد<sup>۲</sup>.

هر ذره که رخ نموده در قاب حیات  
 در خلوت و جلوت و سکون و حرکات  
 از بام به شام و شام تا بام مدام  
 گوید به رسول و خاندانش صلوات

۱- بحار الانوار، ج ۹۱، ص ۶۴.

۲- همان، ص ۶۱.

## حضور فرشتگان در مجلس ذکر صلوات

پیامبر اعظم ﷺ فرمودند: فرشتگان به مجلسی که در آن ذکر صلوات باشد حاضر می‌شوند.

خوانند فرشتگان مکرر صلوات  
چون هست ز هر ذکر نکوتر صلوات  
توحید و نبوت و امامت هر سه  
چون در نگری جمع بود در صلوات<sup>۱</sup>

## نسخه‌ای نجات بخش

روزی یکی از اولیاء به الیاس و خضر (علیهم السلام) شکایت کرد که مردم بسیار غیبت می‌کنند و حال آن که غیبت از گناهان کبیره است و هر چقدر آن‌ها را نصیحت می‌کنم و از غیبت کردن منع می‌نمایم سخن مرا نمی‌شنوند و آن عمل قبیح را ترک نمی‌کنند. حضرت الیاس (علیه السلام) فرمود: چاره این کار آن است که هر کس وارد مجلس شد به او بگو که بگوید:

« بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ وَ صَلَّى اللَّهُ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ » که در این صورت خداوند ملکی را بر اهل آن مجلس موکل می‌گرداند که هرگاه کسی شروع به غیبت نماید آن ملک او را از آن بازدارد و از حق تعالی درخواست می‌نماید تا آن قوم را از غیبت کردن نگاه دارد.

حضرت خضر (علیه السلام) نیز فرمود: چون کسی در وقت بیرون رفتن از مجلس بگوید: «سَمِ اللّٰهُ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ وَ صَلَّى اللّٰهُ عَلٰی مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ» حق تعالی ملکی را می‌فرستد تا آن که نگذارد که اهل آن مجلس غیبت او را نمایند.<sup>۱</sup>

### شرکت در ثواب نوشتن الغدیر

در سال ۱۳۸۹ (ه ش) در حرم امام حسین (علیه السلام) حاج آقا خوش بیان که از علماء مشهد است به بنده «مؤلف» فرمودند: از فرزند مرحوم علامه امینی شنیدم که علامه امینی (رحمته الله) به فرزندش دکتر هادی امینی فرمودند: هر کس هر روز بعد از هر نماز سه صلوات بفرستد با و عجل فرجه من او را در ثواب نوشتن الغدیر شریک می‌نمایم!

لازم به ذکر است از علامه امینی نقل شده است:

برای تألیف کتاب «الغدیر» ده هزار جلد کتاب را مورد مطالعه قرار داده‌ام. او برای این کار مهم بیش از سی سال کتابخانه‌های کوچک و بزرگ ایران و عراق و حجاز و سوریه و لبنان و شبه قاره هند و پاکستان را مورد بررسی قرار داد تا به تدوین این کتاب بزرگ نائل گردید.<sup>۲</sup>

۱- وسائل الشیعه، ج ۷، ص ۳۴۲.

۲. اسلام مجسم، ص ۱۲۰، آیت الله نوری همدانی.

## ثواب صلوات فرستادن بر حضرت زهرا (علیها السلام)

قال رسول الله (صلى الله عليه وآله): « مَنْ صَلَّى عَلَيْكِ يَا فَاطِمَةَ غَفَرَ اللَّهُ لَهُ وَ الْحَقَّةَ بِي حَيْثُ كُنْتُ فِي الْجَنَّةِ ؛ يَا فَاطِمَةَ هِرْ كَسْ بِرِ تَوِ صَلَوَاتِ فَرَسْتَدِ، خُدَايَ تَعَالَى اَزْ اَوِ دَرْ كَزْدَرْدِ وَ اَوِ رَا دَرِ بَهْسْتِ مَلْحَقِ كَرْدَانَدِ<sup>۱</sup> .»

## موجب حسرت در قیامت خواهد شد

رسول خدا (صلى الله عليه وآله) فرمود: هیچ مردمی نباشند که در مکانی گرد هم آیند و نام خدای عزوجل را نبرند و بر پیغمبر (صلى الله عليه وآله) صلوات نفرستند، جز این که آن مجلس مایه‌ی حسرت و زیان بر آن‌ها باشد.<sup>۲</sup>

## پاداش عظیم صلوات

حضرت امام صادق (عليه السلام) فرمود: « وقتی که از پیامبر اکرم (صلى الله عليه وآله) یاد نمودند، بر او زیاد صلوات بفرستید، زیرا به راستی کسی که یک بار بر پیامبر (صلى الله عليه وآله) صلوات می‌فرستد، خداوند در هزار صف از فرشتگان هزار بار بر او صلوات می‌فرستد و آفریده‌ای از آفریدگان خدا باقی نمی‌ماند مگر این که به خاطر صلوات خدا و صلوات فرشتگانش، بر او صلوات می‌فرستند و جز نادان مغرور که خدا و رسول (صلى الله عليه وآله) از او بیزارند، کسی از این ثواب رونمی‌گرداند.<sup>۳</sup>»

**صلوات**، بهترین هدیه از طرف خداوند متعال برای انسان است.

<sup>۱</sup> . بحار الانوار، ج ۴۳، ص ۵۵.

<sup>۲</sup> - ثواب الاعمال شیخ صدوق، ص ۲۶۶

<sup>۳</sup> - ثواب الاعمال، ص ۲۳۱ - بحار، ج ۹۱، ص ۶۵.

**صلوات**، نوری در بهشت است.

**صلوات**، نور پل صراط است.

**صلوات**، شفیع انسان است.

**صلوات**، موجب کمال نماز است.

**صلوات**، انیس انسان در عالم برزخ و قیامت است.

**صلوات**، محبوب‌ترین عمل است.

«اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ وَ عَجَلْ فَرَجَهُمْ. اللَّهُمَّ صَلِّ وَسَلِّمْ وَ زِدْ وَ

بَارِكْ عَلَى صَاحِبِ الدَّعْوَةِ النَّبَوِيَّةِ وَ الصَّوَلَةِ الْحَيْدَرِيَّةِ وَ الْعِصْمَةِ الْفَاطِمِيَّةِ وَ الْحِلْمِ

الْحَسَنِيِّ وَ الشَّجَاعَةِ الْحُسَيْنِيِّهٖ ١.»



## فصل هفتم

### فضایل زیارت امام حسین علیه السلام

قال الصادق علیه السلام :

« ما مِنْ أَحَدٍ يَوْمَ الْقِيَامَةِ إِلَّا وَهُوَ يَتَمَنَّى أَنَّهُ مِنْ زُؤَارِ الْحُسَيْنِ علیه السلام. »

هر انسانی در روز قیامت آرزو می کند که او در صف زائران امام

حسین علیه السلام قرار گیرد...

بحار الانوار، ج ۱۰۱، ص ۷۲



## پیشگفتار

السَّلَامُ عَلَىٰ عَلِيٍّ الْحُسَيْنِ، وَ عَلَىٰ عَلِيٍّ بْنِ الْحُسَيْنِ، وَ عَلَىٰ أَوْلَادِ  
الْحُسَيْنِ وَ عَلَىٰ أَصْحَابِ الْحُسَيْنِ .

سلام بر آنکه ملکوتیان از صبر او در حیرت، جبروتیان در یاری او در حسرت، انبیا در غم او گریان و اولیا در مصیبت او نالانند.

زیارت، رابطه صمیمانه، معاشرت، مراودت خاضعانه و خاشعانه زائر در بارگاه ضیافت امر الوهی و تجلیات آن است.

زیارت، حرکت، عزیمت، اظهار عشق از واسطه فیض الهی و اظهار مودت با اقربای رسول مهربانی نبی اکرم ﷺ به ویژه زیارت سالار شهیدان امام حسین (علیه السلام) است. و جلوه‌گاه دوستی با دوستان ائمه اطهار (علیهم السلام) و تبرّی با دشمنان آنها و حضور عاشقانه در پیشگاه اولیای الهی است. آیت الله بهجت (رحمته الله) فرمود: نگاه ما به ائمه اطهار (علیهم السلام) باید «حیّ، حاضر، ناظر و قادر» باشد یعنی امام زنده است و حاضر و ناظر اعمال ماست و به اذن خدا قدرت دارد حوائج ما را برآورد. این چهار کلمه برگرفته از آیات و روایات می‌باشد. آیت الله مشکینی (رحمته الله) می‌فرماید: تحقیق کردم در بین مستحبات [ که مستحبات خیلی فراوان است ] دو تا عمل مستحب وجود دارد که هیچ مستحبی بالاتر از آنها نیست، و نظیر و مثل ندارد.

اول: هیچ مستحبی بالاتر از زیارت امام حسین (علیه السلام) نیست.

دوم: خدمت به مردم.

اگر چه همه پیامبران و امامان بر ما انسان‌ها حقوقی دارند و ما وظیفه داریم یادشان را گرمی بداریم و به زیارت قبورشان برویم، اما ابا عبدالله الحسین (علیه السلام) حقوق ویژه‌ای دارد، از این جهت زیارت وی مورد تأکید بیش‌تری قرار گرفته است. حضرت امام صادق (علیه السلام) می‌فرماید: کسی که توان زیارت امام حسین (علیه السلام) را داشته باشد و نرود عاقباً پیامبر خدا و ما اهل بیت گشته است.<sup>۱</sup> در این بخش کتاب چکیده‌ای از نکات و احادیثی درباره فضایل زیارت سرور آزادگان و سالار شهیدان حضرت ابا عبدالله الحسین (علیه السلام) تقدیم علاقمندان و دوستان اهل بیت (علیهم السلام) می‌گردد. به خاطر اینکه کتاب پر حجم نشود متن عربی احادیث را درج نکردیم.

می‌خواهیم درباره فضایل زیارت شخصیت با عظمتی سخن بگویم که رسول اکرم (صلی الله علیه و آله) خطاب به او فرمود: «مَرْحَباً بِكَ يَا زَيْنَ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ ...» «آفرین بر تو [ای حسین] ای زینت آسمان‌ها و زمین»، فردی پرسید: آیا جز وجود گرمی پیامبر رحمت (صلی الله علیه و آله) کسی می‌تواند زینت آسمان‌ها و زمین باشد؟ پیامبر فرمود: به پروردگاری که مرا به حق به رسالت برانگیخت حسین (علیه السلام) در آسمان‌ها با عظمت‌تر و پرشکوه‌تر از روی زمین است، خدا در سمت راست عرش نوشته است که: «إِنَّ الْحُسَيْنَ مِصْبَاحُ الْهُدَى وَ سَفِينَةُ النَّجَاةِ» به راستی که حسین چراغ فروزان هدایت و کشتی نجات‌بخش انسانیت است.<sup>۲</sup>

۱- وسائل الشیعه، ج ۱۰، ص ۳۳۳، حدیث ۲.

۲- ویژگی‌های امام حسین (علیه السلام) ترجمه الخصاص الحسینیّه، ص ۱۰۵.

## کرامت

نقل کرده‌اند: علامه بحرالعلوم رحمته الله علیه که بارها توفیق تشرف به محضر امام زمان علیه السلام را پیدا کرده بود، یک روز به قصد تشرف به سامرا تنها به راه افتاد. در بین راه، راجع به این مسأله که گریه بر امام حسین علیه السلام گناهان را می‌آمرزد، فکر می‌کرد همان وقت متوجه شد که شخص عربی، سوار بر اسب به او رسید و سلام کرد بعد پرسید: جناب سید درباره‌ی چه چیز به فکر فرو رفته‌ای؟ و در چه اندیشه‌ای؟ اگر مسأله علمی است بفرمائید شاید من هم اهل باشم؟ سید بحرالعلوم گفت: در این باره فکر می‌کنم که چطور می‌شود خدای تعالی این همه ثواب به زائرین و گریه‌کنندگان بر حضرت سیدالشهدا علیه السلام می‌دهد؛ مثلاً در هر قدمی که در راه زیارت برمی‌دارد، ثواب یک حجّ و یک عمره در نامه عملش نوشته می‌شود و برای یک قطره اشک تمام گناهان صغیره و کبیره‌اش آمرزیده می‌شود؟ آن سوار عرب فرمود: تعجب نکن! من برای شما مثالی می‌آورم تا مشکل حل شود. سلطانی به همراه درباریان خود به شکار می‌رفت. در شکارگاه از همراهیانش دور افتاد (و گم شد) و به سختی فوق‌العاده‌ای افتاد و بسیار گرسنه شد. خیمه‌ای را دید و وارد آن خیمه شد. در آن سیاه چادر، پیرزنی را با پسرش دید، آنان در گوشه خیمه «بُز شیردهی» داشتند و از راه مصرف شیر این بز، زندگی خود می‌گرداندند. وقتی سلطان وارد شد او را نشناختند ولی به خاطر پذیرایی از میهمان، آن بز را سر بریده و کباب کردند زیرا چیز دیگری برای پذیرایی نداشتند. سلطان شب را همان جا خوابید و روز بعد از ایشان جدا شد و به هر طوری که بود خود را به درباریان رسانید و جریان را برای اطرافیان نقل کرد. از درباریان سؤال کرد: اگر بخواهم پاداش میهمان نوازی پیرزن و فرزندش را داده باشم، چه عملی باید انجام بدهم؟ یکی از حاضران گفت: به او صد گوسفند بدهید.

دیگری که از وزرا بود گفت: صد گوسفند و صد اشرفی بدهید. یکی دیگر گفت: فلان مزرعه را به ایشان بدهید. سلطان گفت: هر چه بدهم کم است؛ زیرا اگر سلطنت و تاج و تخت را هم بدهم آن وقت مقابله به مثل کرده‌ام، چون آن‌ها هر چه را که داشتند به من دادند. من هم باید هر چه را که دارم به ایشان بدهم تا سر به سر شود.

آن سوار عرب به سید بحرالعلوم فرمود: حالا جناب بحرالعلوم، حضرت سیدالشهدا (علیه السلام) هر چه از مال و منال و اهل و عیال و پسر و برادر و دختر و خواهر و سر و پیکر داشت، همه را در راه خدا داد؛ پس اگر خداوند به زائرین و گریه‌کنندگان، آن همه اجر و ثواب بدهد نباید تعجب نمود، چون خدا که خدائیش را نمی‌تواند به سیدالشهدا (علیه السلام) بدهد، پس هر کاری که می‌تواند انجام می‌دهد؛ یعنی با صرف نظر از مقامات عالی خودش، به زوار و گریه‌کنندگان آن حضرت، درجاتی عنایت می‌کند. در عین حال، این‌ها را جزای کامل برای فداکاری آن حضرت نمی‌داند. وقتی آن شخص عرب، این مطالب را فرمود، از نظر سید بحرالعلوم غایب شد.<sup>۱</sup>

### فهرست فضیلت زیارت امام حسین (علیه السلام) طبق روایات

از آنجا که آوردن تمامی روایات وارده در فضیلت زیارت سیدالشهدا (علیه السلام) در گنجایش این کتاب نیست، و از طرفی تا انسان، انبوه صدها روایت را در این مورد نبیند، به اهمیت قیام عاشورا در حفظ دین و عظمت ابا عبدالله الحسین (علیه السلام) و عنایت ائمه اطهار (علیهم السلام) در محور قرار دادن امام حسین (علیه السلام) نسبت به دین را در نمی‌یابد، به

۱- روضة الواعظین، ص ۳۱۲ و ۳۱۳ - برکات حضرت ولی عصر (علیه السلام) (العبری الحسان)، ص ۱۳۶.

ناچار فهرستی از آنچه در فضیلت مادی و معنوی زیارت امام حسین علیه السلام ذکر شده است، آورده می‌شود.

- ۱- روزی را زیاد می‌کند.
- ۲- عمر را طولانی می‌کند.
- ۳- خطرات را دفع می‌کند.
- ۴- گناهان گذشته و آینده را می‌آمرزد.
- ۵- می‌تواند پنجاه نفر را شفاعت کند.
- ۶- حاجت او کنار قبر مستجاب است.
- ۷- ملائکه برای زوار دعا می‌کنند.
- ۸- نام او را در اعلیٰ علیین می‌نویسند.
- ۹- هنگام خروج از خانه از گناه خارج می‌شود.
- ۱۰- ثواب هزار حج مقبول دارد.
- ۱۱- ملائکه مأمور حفظ او و مالش هستند تا برگردد.
- ۱۲- روز قیامت خداوند بهترین حافظ اوست.
- ۱۳- در قدم اول آمرزیده و در قدم‌های بعدی تقدیس می‌شود.
- ۱۴- به هر درهمی ده هزار درهم در دنیا و آخرت به او عوض می‌دهند.
- ۱۵- در قیامت همه آرزو می‌کنند که از زوار حسین باشند.
- ۱۶- زوار حسین علیه السلام بر سفره‌های نور هستند در قیامت.
- ۱۷- زوار حسین علیه السلام در جوار پیامبر صلی الله علیه و آله و علی علیه السلام و فاطمه علیها السلام هستند.
- ۱۸- زوار حسین علیه السلام چهل سال قبل از دیگران به بهشت داخل می‌شوند.
- ۱۹- خداوند مهمات دنیوی او را برآورده می‌کند.

- ۲۰- زائر حسین (علیه السلام) شهید می‌میرد.
- ۲۱- ثواب دو ماه اعتکاف و روزه در مسجدالحرام را دارد.
- ۲۲- زیارت امام حسین (علیه السلام) در هر ماه ثواب هزار شهید را دارد.
- ۲۳- هر یک قدم که با پای پیاده بردارد موجب هزار حسنه و آمرزش هزار گناه و بالا رفتن هزار درجه، برای او می‌شود.
- ۲۴- هر قدم که پیاده بردارد ثواب آزاد کردن یک بنده از فرزندان اسماعیل را دارد.
- ۲۵- هر یک روز اقامت نزد حضرت معادل هزار ماه است.
- ۲۶- هر قدم که می‌گذارد ثواب یک حج و هر قدم که برمی‌دارد ثواب یک عمره دارد، به شرط آن‌که به خاطر ریا و شنیدن مردم و بیهوده نباشد.
- ۲۷- زیارت سیدالشهدا (علیه السلام) ثواب هزار شهید از شهدای بدر دارد.
- ۲۸- زیارت سیدالشهدا (علیه السلام) ثواب هزار صدقه‌ی مقبوله دارد.
- ۲۹- و ثواب هزار روزه‌دار به او می‌دهند.
- ۳۰- و ثواب هزار بنده آزاد کردن دارد.
- ۳۱- زائر حسین (علیه السلام) اگر از اشقیا باشد، جزء سعادت‌مندان نوشته می‌شود.
- ۳۲- ثواب آماده کردن هزار اسب با زین و لجام در راه جهاد دارد.
- ۳۳- زیارت حسین (علیه السلام)، زیارت خداست.
- ۳۴- ثواب هزار جنگ همراه با پیامبر مرسل یا امام عادل دارد.
- ۳۵- ثواب زیارت حسین (علیه السلام) قابل شمارش نیست.
- ۳۶- زیارت حضرت در عرفه ثواب یک میلیون حج و یک میلیون عمره دارد.
- ۳۷- زیارت حسین (علیه السلام) بهترین عمل است.



۳۸- خداوند به زائر حسین (علیه السلام) مباحثات می‌کند.

۳۹- پیامبر و ائمه اطهار برای او دعا می‌کنند.

۴۰- پیامبر و ملائکه در قیامت با او مصافحه می‌کنند و با امام حسین (علیه السلام) محشور می‌شود.<sup>۱</sup>

آری اگر در این روایات دقت کنید، درمی‌یابید که خداوند متعال چگونه از امام حسین، حمایت همه جانبه نموده است و هر چه داشته، برای حضرت قرار داده است، رحمت و مغفرت را، بهشت را، شهادت را، نماز را، روزه را، حج را، جهاد را، روزی را، عمر را، اجابت را، شفا را و هنوز زیارت حسین (علیه السلام) افضل است و بالاتر از این، ملائکه را و دعای انبیاء و ائمه و مهم‌تر از همه این‌که حسین (علیه السلام) خون خداست و زیارت او زیارت خداوند جلّ جلاله.

بوی بهشت می‌وزد از کربلای تو  
ای کشته‌ای که جان دو عالم فدای تو  
در حیرتم چه شد که نشد آسمان خراب  
وقتی شنید ناله‌ و اغربتای تو  
رفتی بیاس حرمت کعبه به کربلا  
شد کعبه حقیقی دل، کربلای تو  
اجر هزار عمره و حج در طواف توست  
ای مروه و صفا به فدای صفای تو  
با گفتن رضاً بقضائک بقتلگاه  
شد متحد رضای خدا با رضای تو

۱- اسرار عاشورا، ص ۱۰۵؛ احادیث مذکور از جلد ۱۰ کتاب وسائل الشیعه، ص ۳۳۰ نقل شده است.

تو هر چه داشتی بخدا دادی ای حسین

فردا خداست جلّ جلاله جزای تو

### ثواب پیاده رفتن به زیارت سید الشهداء علیه السلام

امام صادق علیه السلام فرمودند: هر کس به قصد زیارت امام حسین علیه السلام پیاده از خانه اش خارج شود، خداوند در مقابل هر گام، برای او حسنه ای می نویسد و گناهی از او می زداید (می آمرزد)<sup>۱</sup>

### گلچینی از نکات کتاب گران سنگ کامل الزیارات

#### فاطمه علیها السلام هم می آید

امام صادق علیه السلام فرمود: فاطمه علیها السلام دخت محمد صلی الله علیه و آله در میان زائران قبر حسین علیه السلام حاضر می شود و برای گناهان ایشان، آمرزش می طلبد.<sup>۲</sup>

#### ای کاش زائر بودم

عبدالله بن طحان گفت: از امام صادق علیه السلام شنیدم که فرمود: در روز قیامت هیچ کس نیست که آرزو نکند ای کاش در زمره زائران حسین علیه السلام بودم؛ زیرا می بیند که بازائران حسین علیه السلام چگونه رفتار می شود و چه کرامت و بزرگی نزد خدای تعالی دارند.<sup>۳</sup>

۱- بحار الانوار، ج ۹۸، ص ۲۸.

۲- کامل الزیارات؛ بخش ۴۰، حدیث ۹، ابن قولویه قمی رحمته الله.

۳- کامل الزیارات؛ بخش ۵۰، حدیث ۱.

## پاهای پر آبله

امام صادق (علیه السلام) به حسین بن ثویر بن ابی فاخته فرمود: ای حسین! هر کس به قصد زیارت قبر حسین (علیه السلام) از خانه خود بیرون رود، اگر پیاده باشد، خداوند به هر گامی که برمی دارد، یک پاداش نیک برایش ثبت می کند و یک گناهش را می آمرزد و وقتی به حرم حسین (علیه السلام) برسد، خداوند، او را از مصلحان و برگزیدگان قرار می دهد و چون اعمال زیارت را به پایان رساند، نام او را در زمره رستگاران می نویسد و هنگام بازگشت وی، فرشته ای می آید و به او می گوید: رسول خدا (صلی الله علیه و آله) به تو سلام می رساند و می فرماید: کار خود را از سر بگیر که گناهان گذشته ات آمرزیده شده اند.<sup>۱</sup>

## روزهای ماندگار

امام رضا (علیه السلام) از امام صادق (علیه السلام) نقل کرده است که امام صادق فرمود: روزهای زیارت زائران حسین (علیه السلام) از عمرشان به حساب نمی آید و از مدت زندگی شان شمرده نمی شود.<sup>۲</sup>

## چهل سال زودتر...

عبدالله بن زراره گفت: شنیدم که امام صادق (علیه السلام) می فرمود: در روز قیامت، زائران حسین بن علی (علیه السلام)، نسبت به دیگر مردم، از فضیلت و برتری ویژه ای برخوردارند.  
گفتم: برتری شان به چیست؟

۱- همان؛ بخش ۴۹، حدیث ۱.

۲- همان؛ بخش ۵۱، حدیث ۱.

فرمود: به این که چهل سال پیش از دیگران وارد بهشت می شوند؛ در حالی که دیگر مردم در موقعیت سخت حسابرسی قرار دارند.<sup>۱</sup>

### ساکن «علیین»

امام صادق علیه السلام فرمود: هر کس به زیارت قبر حسین علیه السلام رود، خداوند، نامش را در «علیین»<sup>۲</sup> نویسد.<sup>۳</sup>

### محبوب ترین

امام صادق علیه السلام فرمود: یکی از محبوب ترین کارها نزد خداوند، زیارت قبر حسین علیه السلام است و برترین اعمال در پیشگاه خدا، شاد کردن دل مؤمنان است. نزدیک ترین موقعیت بنده به خدای متعال، وقتی است که در سجده است و [از خوف خدا] می گرید.<sup>۴</sup>

۱- کامل الزیارات؛ بخش ۵۳، حدیث ۱.

۲- این واژه، دو مرتبه در سوره مطففین، در آیه ۱۸ به صورت «علیین» و در آیه ۱۹ «علیین» آمده است و به بالاترین مراتب قرب پروردگار، گفته می شود. پرونده اعمال انسان های نکوکار و مؤمن، از جمله زائران امام حسین علیه السلام که آکنده از نور و حقیقت و کمالات است، به آن مرتبه صعود می کند و مورد عنایت قرار می گیرد و به دنبال آن، خود ایشان نیز در آن موقعیت عالی، یعنی در همسایگی خداوند، جای داده می شوند.

۳- کامل الزیارات؛ بخش ۵۹، حدیث ۱۴.

۴- همان، بخش ۵۸، حدیث ۴.

## از راه دور

سدیر بن حکیم گفت: امام صادق (علیه السلام) به من فرمود: ای سدیر! چرا در هر روز جمعه پنج مرتبه و هر روز یک بار قبر حسین (علیه السلام) را زیارت نمی کنی؟ گفتم: فدایتان شوم! میان ما و آن قبر، فرسنگ‌ها فاصله است.

فرمود: [منظورم زیارت از راه دور بود که] می روی پشت بام خانه‌ات و راست و چپ را نگاه می کنی و آن گاه رو به آسمان و به سمت قبر حسین (علیه السلام) می ایستی و می گویی: سلام بر تو ای ابا عبدالله! سلام بر تو و رحمت و برکات خداوند نثار تو باد! با این زیارت، پاداش یک «زوره» برای تو نوشته می شود؛ زوره، یک حج و عمره است. سدیر می گوید: گاهی در طول یک روز، افزون بر بیست مرتبه، این گونه قبر حسین (علیه السلام) را زیارت می کردم.<sup>۱</sup>

## فضیلت زیارت امام حسین (علیه السلام)

قال الصادق (علیه السلام): «مَنْ أَرَادَ اللَّهُ بِهِ الْخَيْرَ قَذَفَ فِي قَلْبِهِ حُبَّ الْحُسَيْنِ وَ حُبَّ زِيَارَتِهِ» امام صادق (علیه السلام) فرمودند: خداوند آنگاه که اراده کند به کسی خیر برساند محبت و زیارت امام حسین (علیه السلام) را به قلبش می اندازد.<sup>۲</sup>

## سلام بر حسین (علیه السلام)!

عامر بن جذاعة گفت: از امام صادق (علیه السلام) شنیدم که فرمود: وقتی به قبر حسین (علیه السلام) رسیدی، بگو: «السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا ابْنَ رَسُولِ اللَّهِ السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا أَبَا عَبْدِ اللَّهِ لَعْنُ

۱- همان؛ بخش ۹۶، حدیث ۲.

۲- کامل الزیارات، باب ۵۵، ص ۱۴۲.

اللَّهُ مَنْ قَتَلَكَ وَلَعَنَ اللَّهُ مَنْ بَلَغَهُ ذَلِكَ فَرَضِي بِهِ إِنَّا إِلَى اللَّهِ مِنْهُمْ بَرِيءٌ؛ سلام بر تو ای فرزند رسول خدا! سلام بر تو ای اباعبدالله! خداوند از رحمت خود دور کند کسانی را که تو را کشتند و نیز کسانی را که وقتی خبر شهادت تو به آنان رسید، بدان راضی و خرسند شدند! ما از این مردم، نزد خداوند بیزاریم و برائت می‌جوییم»<sup>۱</sup>

### توسل و عرض ارادت به سالار شهیدان

السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا أَبَاعَبْدِ اللَّهِ السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا بَنَ رَسُولِ اللَّهِ السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا بَنَ  
 أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا بَنَ فَاطِمَةَ سَيِّدَةِ نِسَاءِ الْعَالَمِينَ .

سلام ما به خاک کربلای تو	سلام ما به صحن و بارگاه تو
سلام ما به تلّ زینبیّه ات	سلام ما به ناله ی سکینه ات
سلام ما به همّت و به صبر تو	سلام ما به زایرین قبر تو
سلام ما به اکبر و اصغر ات	سلام ما به نازنین برادرت
سلام ما به قلب همچو لاله ات	سلام ما به دختر سه ساله ات
سلام ما به جسم پاره پاره ات	سلام ما به طفل شیرخواره ات <sup>۲</sup>

### زبان حال حضرت زینب کبری (علیها السلام)

ای شاه شهیدان قوریان لبلره قریان  
 جانیم ایاقون آلتندا یاتان اکبره قریان  
 قانلی سینوین اوستونده علی اصغره قریان

۱- کامل الزیارات؛ بخش ۷۹، حدیث ۱۲.

۲- روضة الواعظین، ص ۱۵۴.

ای قلبی‌موم آرامی سنون صبروه قربان  
سس ویر منه قارداش بو گوزل قبروه قربان<sup>۱</sup>

### ماجرای قرآن خواندن سر مقدس امام حسین علیه السلام

یکی از عجائبی که در کوفه اتفاق افتاد جریان قرآن خواندن سر مقدس امام حسین علیه السلام بر بالای نیزه بود. شیخ مفید رحمته الله می نویسد: ابن زیاد دستور داد سر مقدس امام حسین علیه السلام را در کوچه ها و راه های کوفه عبور دهند. زیدبن ارقم می گوید: دیدم سر آن حضرت روی نیزه است و من در حجره ای بودم و نگاه می کردم ، شنیدم آن سر مقدس این آیه را می خواند. «أَمْ حَسِبْتَ أَنَّ أَصْحَابَ الْكَهْفِ وَالرَّقِيمِ كَانُوا مِن آيَاتِنَا عَجَبًا.»<sup>۲</sup> آیا گمان کردی اصحاب کهف و رقیم از آیات عجیب تر و شگفت انگیز تر است.<sup>۳</sup>

خدا می داند که حضرت زینب علیها السلام با دیدن این صحنه ها چه حال و روزی داشت سری که یک روز بر سینه پیامبر و علی و فاطمه علیهم السلام بود اکنون در کوفه بر بالای نیزه در کوچه‌های کوفه می گردد.

قرآن اوخویان باش یارالی باشیوه قربان  
باش باشه چاتان اوغلوا قارداشیوه قربان  
گل گوزلریوبین قاننی اشکیمله سیلیم من  
آیات اوخویان دیله قربان کسلیلیم من  
حاشا بومنور باشی تشبیه ادم آیه

۱- محرم ناله سی ، ص ۲۳۷.

۲- سوره کهف آیه ۹

۳- الارشاد، ج ۲، ص ۱۲۲.

ای نیزده قرآن اوخویان آیه به آیه<sup>۱</sup>  
 سرنیزه ده قرآن اوخویان باشوه قربان  
 باشندان توکولن قانوه گوز یاشوه قربان  
 ای فاطمه نون روحی ، آخان قانوه قربان  
 دیندیر منی جانیم او سوسوز جانوه قربان<sup>۲</sup>  
 ای لاله کیمی قانه باتان باش باجون اولسون  
 آچ قانلوگوزون باخ منه قارداش باجون اولسون

### زبان حال امام علیه السلام

چوخ آغلاما پوزما منیم احوالیمی زینب  
 بو قانلی یوزومنن گوروسن حالیمی زینب

\*\*\*

گوش دهم به صوت قرآن تو  
 یا که به افغان یتیمان تو  
 نبود گمان خواهرت این چنین  
 به نیزه بینم سر چون ماه تو  
 ببین برادر من خونین جگر  
 به شمر و خولی شده ام همسفر<sup>۳</sup>

۱- گلچین از اشعار شعرای معاصر، ص ۲۷۷.

۲- محرم ناله سی، ص ۱۹۶.

۳- روضة الواعظین، ص ۲۳۷.



## حسن ختام

چیخاندا جانیم حسین بیر دقیقه لطف ایده سن  
 بیر عمر سسلمیشم جان ورنده باش چکه سن  
 ئولن زماندا آقا گوزلریم قالار قاپیدا  
 اوقدری گوزلیرم باشیم اوستونه گله سن  
 کیمون حسین کیمی عالمده عزتی واردی  
 جلال و منزلت و شان و شوکتی واردی  
 حسین دامننی بوشلاما حسین آقادی  
 حسینه آغلاماقون آیری لذتی واردی<sup>۱</sup>  
 آنان که خاک را به نظر کیمیا کنند  
 آیا شود که گوشه ی چشمی به ما کنند  
 یا حسین (علیه السلام)! جان های ما به فدای تو  
 خدایا مارا حسینی زنده بدار!

حسینی بمیران!

و با حسین (علیه السلام) محشور فرما!

بارالها! زیارت و شفاعت و عنایات محمد و آل محمد (علیهم السلام) را نصیب ما فرما!

خداوندا! ما را از شیعیان مخلص ائمه اطهار (علیهم السلام) مقرر فرما!


پروردگارا! ظهور ولی نعمتمان مولا امام زمان (علیه السلام) را نزدیک تر فرما!

آمین یا رب العالمین.

تاریخ شروع نگارش این کتاب ۹۵/۸/۲۴ مصادف با روز کتاب و کتابخوانی. اتمام نگارش

۹۶/۶/۱۸ مصادف با عید سعید غدیر خم. والحمدلله رب العالمین.





# منابع و ماخذ



## فهرست منابع

قرآن کریم

نهج البلاغه

- ۱- ابراهیم نعمانی، ابو عبدالله (۱۳۹۷ ق)، غیبت نعمانی، تهران، نشر مکتبه الصدوق.
- ۲- ابن شهر آشوب (۱۳۷۹)، المناقب آل ابی طالب علیهم السلام، قم، نشر علامه.
- ۳- ابن قولویه قمی (۱۳۹۵)، کامل الزیارات، ج اول، ترجمه: محمد مهدی رضایی، تهران، موسسه فرهنگی هنری شعر.
- ۴- ادیانی، سید علیرضا- ترابی، حسین (۱۳۹۴)، موعظه خوبان، چاپ اول، قم، نشر زمزم هدایت.
- ۵- آقا میری، سید کریم (۱۳۹۵)، کتاب سال تبلیغ ۱۳۹۶.
- ۶- آمدی، عبدالواحد (۱۳۷۸) غررالحکم ودررالحکم، ترجمه: هاشم رسولی، تهران، دفتر نشر فرهنگ اسلامی.
- ۷- انصاریان، حسین (۱۳۷۵)، نظام خانواده در اسلام، ج دوم، قم، انتشارات ام ابیها.
- ۸- باقری بنایی، جواد (۱۳۸۹)، برپای منبر، ج دوم، قم، نشر زمزم هدایت.
- ۹- باقی زاده، رضا (۱۳۸۱)، برگی از دفتر آفتاب، ج اول، انتشارات میراث ماندگار.
- ۱۰- بالادستیان، محمد امین- حائری پور، محمد مهدی- یوسفیان، مهدی (۱۳۹۱)،  
نگین آفرینش، ج چهل و هفتم، قم، نشر بنیاد فرهنگی مهدی موعود علیه السلام.
- ۱۱- بابویه، ابو جعفر محمد (۱۳۸۵)، من لا یحضره الفقیه، ترجمه: علی اکبر غفاری، تهران، دارالکتب اسلامیه.

- ۱۲- -----، -----(۱۳۸۲)، کمال الدین و تمام النعمة، ترجمه: منصور پهلوان، قم، انتشارات مسجد مقدس جمکران.
- ۱۳- بیهقی سبزواری، حسن(۱۳۰۲ ق)، غایة المرام، چاپ الحجر.
- ۱۴- پژوهشکده تحقیقات اسلامی، انتشارات زمزم هدایت، چ دوم، بهار ۱۳۸۹.
- ۱۵- تاج لنگرودی، محمد مهدی(۱۳۷۶)، داستان هایی از خدانشناسی، تهران، نشر ممتاز.
- ۱۶- حسینی تهرانی، سید محمد حسین،(۱۳۶۰)، مهتابان، قم، نشر باقرالعلوم علیه السلام
- ۱۷- جوادی آملی، عبدالله (۱۳۹۱)، مفاتیح الحیاة، چ سی و ششم، قم، مرکز نشر اسراء.
- ۱۸- -----، -----(۱۳۷۹)، حکمت عبادت، چ سوم، قم، مرکز نشر اسراء.
- ۱۹- حرّ عاملی، محمد(۱۴۱۴ ق)، وسائل الشیعه، چ دوم، قم، نشر مؤسسه آل البيت علیهم السلام.
- ۲۰- خسروی، موسی(۱۳۸۶)، پند تاریخ، قم، انتشارات کتابفروشی اسلامیه.
- ۲۱- خمسه ای قزوینی، علی(۱۳۸۹)، صلوات کلید حل مشکلات، چ صد و شانزدهم، تهران، انتشارات جمال.
- ۲۲- دستغیب، سید عبدالحسین(۱۳۸۵)، داستان های شگفت، چاپ یازدهم، قم، انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی.
- ۲۳- دشتی، محمد(۱۳۸۸)، امام علی علیه السلام و مسایل سیاسی، قم، نشر امیرالمؤمنین علیه السلام.

- ۲۴- دیلمی، حسن (۱۳۷۴)، ارشاد القلوب، ترجمه: سید عباس طباطبایی، قم، جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.
- ۲۵- دیویت، ولیام (۱۳۴۱)، حوادث بزرگ تاریخ، ترجمه: رضا امینی، تهران، نشر حافظ.
- ۲۶- ذاکری، حجت، محرم ناله سی، انتشارات میر فتاح، چ ۱، زمستان ۱۳۸۳.
- ۲۷- رحمتی شهررضا، محمد (۱۳۸۶)، هزار و یک نکته، چ دوم، قم، انتشارات مسجد مقدس جمکران.
- ۲۸- ساور سفلی، محمد ابراهیم (۱۳۹۰)، در انتظار خورشید، قم، زمزم هدایت.
- ۲۹- سبحانی، جعفر (۱۳۸۰)، رمز پیروزی مردان بزرگ، قم، نشر نسل جوان.
- ۳۰- سعادت یور، علی (۱۳۹۱)، شرحی بر گلشن راز شیخ محمود شبستری، تهران، نشر نجم کبری.
- ۳۱- سلیمانی، خدامراد (۱۳۹۱)، درسنامه مهدویت، چ یازدهم، قم، نشر بنیاد فرهنگی مهدی موعود علیه السلام.
- ۳۲- شریفی، محمود: زینالی، سید حسین، احمدیان محمود، مدنی، سید محمود (۱۳۸۲)، موسوعه کلمات الامام الحسین علیه السلام، تهران، نشر امیر کبیر.
- ۳۳- شوشتری، قاضی نورالله (۱۴۰۴ق)، اِحْقَاقُ الْحَقِّ وِ اِزْهَاقُ الْبَاطِلِ، قم، نشر مکتبه آیه الله المرعشی العامه.
- ۳۴- شوشتری، شیخ جعفر (۱۳۷۴)، ویژگی های امام حسین علیه السلام، چ اول، قم، نشر حاذق.
- ۳۵- شیخ کلینی (۱۳۶۵ق)، الکافی، قم، نشر دارالحدیث.

- ۳۶- شیخ طوسی (۱۴۱۱ق)، الغیبة، قم، نشر دارالمعارف اسلامی.
- ۳۷- شیخ صدوق (۱۳۶۸)، ثواب الاعمال و عقاب الاعمال، قم، نشر رضی.
- ۳۸- ----- (۱۴۰۳ق)، خصال، چ دوم، قم، انتشارات جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.
- ۳۹- صافی گلپایگانی، لطف الله، (۱۳۷۷ ه.ش.)، منتخب الاثر فی الامام الثانی عشر، موسسه سیده معصومه (علیها السلام).
- ۴۰- طبرسی، ابوعلی فضل (۵۳۶ق)، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، تهران، نشر فراهانی.
- ۴۱- طبرسی، احمد، (۱۳۸۱)، احتجاج، ج یک، مترجم: بهراد جعفری، تهران، دارالکتب اسلامی.
- ۴۲- طوسی، نصرالدین (۶۷۲ق)، تجرید الاعتقاد، تهران، نشر مکتب الاعلام اسلامی.
- ۴۳- فتال نیشابوری (۱۳۹۱)، روضة الواعظین و بصیرة المتعظین، ترجمه: محمود مهدوی دامغانی، قم، نشر نی.
- ۴۴- فلسفی، محمد تقی (۱۳۹۱)، گفتار فلسفی کودک، چ دوازدهم، قم، دفتر نشر فرهنگ اسلامی.
- ۴۵- فرازهایی از تجلیات امام عصر (علیه السلام) (۱۳۵۹)، چ اول، تهران، نشر مهدویه.
- ۴۶- قاضی زاهدی گلپایگانی، احمد (۱۳۷۵)، شیفتگان حضرت مهدی (علیه السلام)، تهران- نشر حاذق.
- ۴۷- قرشی، سید علی اکبر (۱۳۶۸)، خاندان وحی، چ اول، قم، دارالکتب اسلامی.



- ۴۸- قرنی گلپایگانی، علی (۱۳۷۰)، اسرار معراج پیامبر اسلام ﷺ، تهران، نشر کتابچی.
- ۴۹- قمی، شیخ عباس (۱۳۸۶)، مفاتیح الجنان، چ بیست و یکم، تهران، انتشارات نبوغ.
- ۵۰- قمی، عباس (۱۳۸۵)، داستان هایی از زندگی علما بزرگ اسلام، قم، نشر ناصر.
- ۵۱- ---، --- (۱۳۸۴)، منتهی الامال، چ دوم، تهران، نشر جمال.
- ۵۲- ---، --- (۱۳۴۴ ق)، سفینه البحار و مدینه الحکم و الآثار، قم، دارالاسوه.
- ۵۳- کریمی جهرمی، علی (۱۳۸۳)، عنایات حضرت مهدی موعود به علماء و مراجع تقلید، تبریز، نشر نور ولایت.
- ۵۴- گنجی، حسین (۱۳۹۱)، چهارده گفتار پیرامون ارتباط معنوی با حضرت مهدی (علیه السلام)، قم، نشر مسجد مقدس جمکران.
- ۵۵- گروهی از مولفان (۱۳۹۲)، صد و بیست اصل همسرداری (خانواده موفق)، چ نهم، تهران، موسسه فرهنگی هنری قدر ولایت.
- ۵۶- گروهی از پژوهشگران، ره توشه راهیان نور ویژه رمضان المبارک ۱۳۹۵ هـ ش، دفتر تبلیغات حوزه علمیه قم، چاپ اول ۱۳۹۵.
- ۵۷- گوهرین، کاوه (۱۳۸۹)، داستان دوستان، قم، دفتر تبلیغات حوزه علمیه قم.
- ۵۸- محمدی اشتهاردی، محمد (۱۳۸۶)، پندهای جاویدان، چ سوم، انتشارات نبوی.
- ۵۹- محمدی اشتهاردی، محمد (۱۳۸۱) داستان های شنیدنی از چهارده معصوم، چ یازدهم، قم، انتشارات نبوی.

- ۶۰- محمدی ری شهری، محمد(۱۳۸۸)، میزان الحکمة، چ دهم، قم، انتشارات دارالحدیث.
- ۶۱- محمدی، محمدحسین(۱۳۹۲)، هزار و یک حکایت اخلاقی، قم، نشر شمیم قلم.
- ۶۲- محمد بن محمد بن نعمان، شیخ مفید، الارشاد، برگردان، سیدهاشم رسولی محلاتی، انتشارات علمیة الاسلامیه .
- ۶۳- مجلسی، محمد باقر(۱۴۰۴ ق)، بحار الانوار، چ دوم، بیروت، مؤسسة الوفاء.
- ۶۴- مطهری، مرتضی(۱۳۶۸)، داستان و راستان، قم، دفتر تبلیغات حوزه علمیه قم.
- ۶۵- نهاوندی، علی اکبر(۱۳۷۹)، برکات حضرت ولی عصر علیه السلام (خلاصة العبقری الحسان)، چ ۳، مشهد، نشر منتظران ظهور.
- ۶۶- مکارم شیرازی، ناصر(۱۳۸۹)، پیام امیرالمؤمنین علیه السلام، چاپ دوم، قم، انتشارات امام علی بن ابی طالب علیه السلام.
- ۶۷- منتظری یزدی، محمد(۱۳۹۵)، کشکول منتظری، قم، نشر تهذیب.
- ۶۸- موسوی اصفهانی، محمد تقی(۱۳۶۳)، مکیال المکارم فی فوائد الدعا للقائم، چ سوم، قم، نشر کامکار.
- ۶۹- میخبر، سیما(۱۳۷۸)، ریحانه بهستی یا فرزند صالح، چهل و نهم، تهران، نشر نورالزهرا علیها السلام.
- ۷۰- مستنبط سید احمد، القطره، قطره‌ای از دریای فضایل اهل بیت علیهم السلام انتشارات شاخه ی کتاب اهل بیت علیهم السلام
- ۷۱- نوری قاضی، محمد(۱۳۹۰)، شاموخ، چ اول، قم، انتشارات اعتدال.

- ۷۲- نهاوندی، علی اکبر (۱۳۹۱)، خزینة الجواهر فی زینة المنابر، ج اول، قم، انتشارات سیدجمال الدین اسدآبادی.
- ۷۳- نوری، میرزا حسین (۱۳۷۷)، نجم الثاقب، ج دوم، قم، انتشارات مسجد مقدس جمکران.
- ۷۴- هفته نامه افق حوزه علمیه قم (۱۳۹۵).

آثاری که از مؤلف منتشر شده است:

پندهای ماندگار جلد ۱

پندهای ماندگار جلد ۲

نماز انس با خدا

قصه‌های ماندگار از خوبان روزگار

نقایس و لطایف

بیست مقاله در موضوعات گوناگون .

